



بنیاد شاهنشاهی فرهنگستانهای ایران

فرهنگستان زبان ایران

پیشدادشما چیست ؟

شماره ۴

نام دانشها و فنها و هنرها

از جوزف ت. تیکوسایز

برگرداننده احمد آرام

۱۳۵۲ خورشیدی





اسکن شد



بنیاد شاهنشاهی فرهنگستانهای ایران

فرهنگستان زبان ایران

پیشدادشاهیت ؟

شماره ۴

نام دانشها و فنها و هنرها

از جوزف ت. تیکوسایز

برگرداننده احمد آرام

۱۳۵۲ خورشیدی

10.5

R

PK 6343

E5F3

V.4

C 3

انتشارات فرنگستان زبان ایران

شماره ۱۳

از این دفتر ۳۰۰۰ نسخه در چاپخانه تصویر به چاپ رسید .

تهران - آذرماه ۱۳۵۴ خورشیدی

خواهشمند است پیشنهادهای خود را تا پایان بهمن ماه ۱۳۵۴ خورشیدی
به این فرهنگستان بفرستید.

نشانی : تهران، خیابان ایرانشهر جنوبی، شماره ۳۱
فرهنگستان زبان ایران

فهرست

پیشگفتار	نه - بیست و پنج
روش واژه‌گزینی	بیست و يك - بیست و پنج
(۱) تشکیل گروه‌های واژه‌گزینی	بیست و يك
(۲) رده‌بندی واژه‌های بیگانه	بیست و يك - بیست و دو
(۳) نشرواژه‌های فارسی برگزیده	بیست و دو
(۴) کارهای پژوهشی دیگر	بیست و دو - بیست و پنج
چند نکته درباره این دفتر	بیست و هفت - بیست و هشت
نام دانش‌ها و فن‌ها و هنرها	۱۸۰-۱

پیشگفتار

زبان فارسی زبانی است توانا و آسان و زیبا که پیشینه کاربرد آن در نوشتن، تا پیرامون دوهزار و پانصد سال پیش شناخته شده است. کهن‌ترین نوشته‌ای که اینک از آن در دست داریم از اربارمنه پدرنیای داریوش بزرگ است. این زبان رفته‌رفته دگرگونیهای بزرگ یافته و ساده‌تر و آسان‌تر شده است. در دوره باستانی (روزگار شاهنشاهی هخامنشیان) فارسی سه‌جنس و سه شمار داشت، و به پایان نامهای آن در هشت حالت دستوری پی‌بندهائی افزوده می‌شد، و دستگاه‌گردانش (صرف) کارواژه‌های (فعلها) آن پیچیده‌تر و گسترده‌تر بود.

میدانیم که از روزگاران کهن در برخی از آبادیهای بزرگ و کوچک یا استانها و شهرستانهای ایران به‌گویشهای سخن‌گفته میشد که دنباله‌های پاره‌ای از آنها تا امروز بازمانده است؛ ولی ایرانیان که به همبستگی و یگانگی خویش همواره سخت دلبسته و پای‌بندند، از دیرباز دریافته بودند که يك ملت راستین با فرهنگ، نیازمند زبان یگانه‌ای است که نه‌تنها در گفتگوهای روزانه بکار رود بلکه برای باز نمودن همه اندیشه‌ها و خواسته‌های گوناگون فرهنگی و علمی و فنی آمادگی و توانائی داشته باشد. چنین بود که فارسی بر زبانهای ایرانی دیگر برتری و پیشی یافت و اندیشه‌های والا و دانش و هنر به آن زبان نوشته و

سروده شد.

زبان‌شناسان برای زبانهای ایرانی سه گامه (مرحله) پذیرفته‌اند (باستانی، میانه و نوین)، ولی از هیچیک از این زبانها، بجز فارسی، در هر سه گامه نوشته در دست نیست، و از اینرو می‌توان گفت که هیچ زبان ایرانی بجز این زبان سنت ادبی شناخته‌کهن ندارد؛ چنانکه زبان اوستائی را تنها در دوره باستانی می‌شناسیم و از سرگذشت آن پس از این دوره آگاهی نداریم؛ و از زبان پهلوی اشکانی تنها آثاری از دوره میانه در دست است و نمیدانیم که پیش از این دوره چگونه بوده و پس از آن چه شده است. گویشهای فراوان ایرانی کنونی (مانند آذری، گیلکی، تالشی، مازندرانی، سمنانی، بلوچی، وخی، پشتو، کردیها و لریهای گوناگون) را نیز تنها در دوره نوین می‌شناسیم، و از پیشینه آنها در دوره‌های میانه و باستانی به ما آگاهی نرسیده است.

چون فرهنگ هر ملت فرآمد (حاصل) اندیشه آنان و به کار بستن آن در زندگی است، و زبان وسیله باز نمودن اندیشه و بلکه خود وسیله اندیشیدن است، پس هر زبانی آئینه فرهنگ مردمی است که به آن سخن می‌گویند. فرهنگ والا بی‌زبان پرورده، و زبان پرورده جدا از فرهنگ والا پدید نمی‌آید. به همین دلیل فارسی آئینه فرهنگ ایرانی و گواه پروردگی و والائی آن است. اگر ایرانیان زبان فارسی را از میان زبانها و گویشهای فراوان برگزیدند، اینک فارسی است که از هوش و شایستگی و کوشش دیرین و پیوسته آنان در پیشبرد فرهنگ و دانش سخن می‌گوید.

فارسی چون به همت و شایستگی ایرانیان و دلبستگی آنان به خود نگریست، در راه جهانی‌شدن گام نهاد و رفته رفته بخش بزرگی از زمین را زیر پر و بال خویش گرفت. از زمان مسعود سعد سلمان و ابوالفرج رونی که در شبه قاره هند به فارسی چامه سروده‌اند، تا

به روزگاری بسیار نزدیک به زمان ما، فارسی یا زبان رسمی و فرهنگی و همگانی آن سرزمین پهناور بود یسا همچون يك زبان فرهنگی در آنجا به کار می رفت، و هنوز هم گویندگان و نویسندگان و دوستان فراوان دارد. ببینید که «غالب» (۱۲۱۲ - ۱۲۸۵ هجری قمری) و «اقبال لاهوری» (۱۸۷۳ - ۱۹۳۸ میلادی) سرایندگان نامی آنجاچه می گویند:

غالب

«بود غالب عندلیبی از گلستان عجم
من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدمش»

* * *

«غالب ز هند نیست نوائی که می کشم
گوئی ز اصفهان و هرات و قمیم ما»

* * *

«ای مرا فرخسروی داده پارسى رابه من نوی داده»

* * *

«فارسی بین تا به بینی نقشهای رنگ رنگ
بگذراز مجموعه اردو که بیرنگ من است»
«فارسی بین تا بدانی کاندراقلیم خیال
مانی وارژنگم و آن نسخه ارتنگ من است»

* * *

اقبال

«گرچه هندی در عدوبت شکر است
طرز گفتار دری شیرین تر است»

«گهی شعر عراقی را بخوانم گهی جامی زند آتش به جانم»

«امیر کساروان آن اعجمی کیست

سرود او به آهنگ عرب نیست»

«زند آن نغمه کز سیرابی او

خنک دل در بیابانی توان زیست»

«اگر چه زاده هندی فروغ چشم من است

ز خاك پاك بخارا و كابل و تبریز»

آثار گوناگون فراوان که به فارسی در آن سرزمین نوشته و سروده یا برگردانیده شده است گواه و نمودار این روائی است و به همین سبب است که اینک در هشتصد و هفتاد و دو زبان و گویش که در هند و پاکستان و بنگلادش سخنگویدارد، نفوذ و تأثیر فارسی کم و بیش پیدا و نمایان است. اگر فارسی به هندوستان راه نیافته بود اردو هرگز نه پیدا میشد و نه از چنین گسترشی برخوردار میگردد.

فارسی از هندوستان نیز پافراتر نهاد و به زبانهای دورتر راه یافت. زبانشناسان در زبان کنونی اندونزی و مالزی بیش از سیصد و پنجاه (۳۵۰) واژه فارسی باز شناخته اند که نود درصد آن مربوط به فرهنگ و تمدن مادی است، و این حقیقت، نادرستی آن پندار را که فرهنگ ایرانی تنها از جنبه دینی و معنوی نفوذ و تأثیر داشته است آشکار میکند. در کشور پهنای چین بود که ابن بطوطه در سده هشتم هجری شعر سعدی را از زبان رامشگران شنید. به گفته سعدی در گلستان، شعرا در زمان خودش به کاشغر می رسید و در آنجا دوستان فراوان داشت. در همان سده هفتم هجری و در همان شهر کاشغر جمال قرشی کتاب صحاح

جوهری را خلاصه کرد و به فارسی برگردانید (صراح). برای نشان دادن نفوذ فارسی در ترکی خاوری که ترکی اصلی همان است، بسنده است که يك مثل ترکی که در «دیوان لغات الترك» (از محمود کاشغری، سده پنجم هجری) آمده است به فارسی برگردانیده شود:

«ترکی بی تات نمی شود، چنان که کلاه بی سرنمی شود».

اینک نگاهی به باختر بیفکنیم. یکی از دانشمندان بیگانه به نام ادی شیر در کتابی به نام «الالفاظ الفارسیة المعربة» چنین نوشته است: «زبان عربی پر از واژه‌های بیگانه است؛ و عربها از روزگاران پیشین زیر دست بابلیها، مصریها، ایرانیها، یونانیها و رومیها بسر میبردند و قبیله‌های پراکنده بودند که با همه قوم‌های همسایه خود آمیزش داشتند... و از زبانهای آنان واژه‌های فراوان به عاریه گرفتند، اما زبانی که در عاریه دادن واژه به عربی از همه گوی پیشی ربوده بود فارسی بود؛ و نه تنها قبیله‌های همسایه ایرانیان بلکه قبیله‌های دور از آنان نیز واژه‌های بیشمار از آنها به عاریه گرفتند.»

درباره راه یافتن واژه‌های فارسی به عربی، دانشمندان پیشین گفتارها (مانند عبدالرحمن جلال الدین سیوطی در «المزهر فی علوم اللغة و انواعها») و کتابهای ویژه دارند، مانند «المعرب» از ابو منصور جو الیقی (سده پنجم و ششم هجری) و «شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل» از شهاب الدین احمد خفاجی (سده یازدهم هجری). در خود قرآن و حدیثهای نبوی و شعرهای جاهلی عرب واژه‌های فارسی باز شناخته شده، و نیز از پیغمبر اسلام سخنانی به این زبان روایت گردیده است. حدیث «زبان بهشتیان عربی و فارسی دری است» در کتابهای کهن یاد شده است.

راه یافتن واژه‌های فارسی به عربی پس از اسلام نیز ادامه داشت، و این نکته درخور یادآوری است که بخش بزرگی از واژه‌های دولتی

مصر فارسی بود، و برخی از دانشمندان پیشین آن کشور (مانند قلقشندی در «صبح الاعشی») در کتابهای خود آنها را در بخشهای ویژه یاد کرده‌اند. در سده چهارم هجری به گفته مقدسی در احسن التقاسیم، مردم صحار پایتخت عمان که در آن زمان شهر آباد و بزرگی بود به فارسی سخن می‌گفتند.

فارسی از سرزمینهای عربی زبان نیز پسا فراتر نهاده و به زبان «سواحلی» که در بخش بزرگی از خاور افریقا و همچنین مرکز آن بکار می‌رود راه یافته است.

نفوذ فرهنگی ایران در شبه جزیره اناتولی یعنی ترکیه امروزی، مانند عربستان و مصر پیشینه باستانی دارد، ولی زبان فارسی در روزگار سلجوقیان پس از چیرگی ایرانیان بر آن سرزمین مدتها زبان رسمی و همگانی گردید، و سپس تا همین سده، پایگاه خویش را به عنوان زبان ادبی و فرهنگی و یکی از پایه‌های اصلی زبان ترکی حفظ نمود. به همین سبب است که نفوذ ژرف آن نه تنها در ترکی عثمانی بلکه در زبان‌های دیگر که به پادشاهی عثمانی پیوستند آشکار است. از شهریاران نامور عثمانی ایلدرم بایزید و سلطان سلیمان قانونی و سلطان سلیم و سلطان محمد فاتح به فارسی شعر میسرودند، و سلطان سلیم دیوانی به این زبان دارد و گویا به ترکی شعر نسوده است. آثاری که به فارسی (نظم و نثر) در کشور عثمانی فراهم گردیده، خود ادبیات گسترده‌ای است.

کشور یوگسلاوی نیز گروهی فارسی‌نویس و فارسی‌سرای داشته است و در آموزشگاههای مسلمانان آن به دانشجویان، دستور فارسی و متنهای فارسی بویژه گلستان سعدی و بهارستان جامی و دیوان حافظ و مثنوی مولوی آموخته میشده است. این کشور پیش از چیرگی عثمانیها نیز با ایران رابطه دینی داشت.

دربارهٔ روایی فارسی در عثمانی و دلبستگی مردمان آن سرزمین

به این زبان قطب‌الدین محمود شیرازی که در سال ۷۱۰ هجری در گذشته در «اختیارات مظفری» که به مظفرالدین یولق ارسلان پسر البیزک از فرمانروایان قسطنطنیه (در گذشته در سال ۷۰۴ هجری) پیشکش کرده، چنین نوشته است:

«از حضرت علیا... یولق ارسلان... اشارتی رفت که فصلی چند از شرح اوضاع افلاک و اجرام پردازد... و تعبیر آن به الفاظ فارسی طرازد تا عواید فوائد او خاص و عام را شامل بود.»

جمال‌الدین محمد آقسرائی که در دهه هشتم سده هشتم هجری در گذشته، در پیشگفتار رساله‌ای به نام «اسئله و اجوبه» چنین نوشته است: «اسئله و اجوبه‌ای چند از علم تفسیر به زبان پارسی که اهل این دیار را از لغت سازی و عبارت حجازی انفع و استفهام دقایق را برافهام خلایق اوقع است تحریر کنم.»

عزیز پسر اردشیر استرآبادی در سال هشتصد هجری در کتاب «بزم و رزم» چنین نوشته است:

«و من بنده که به قلت بضاعت مقرر... خواستم که مضمون کتاب به زبان تازی تقریر کنم... اما چون جمهور اهالی ممالک روم به زبان پارسی مایل و راغب بودند و اغلب سکان و قطان آن بلاد به لغت دری قائل و ناطق و جمیع امثله و مناشیر و مکاتبات و محاسبات و دفاتر و احکام و غیر آن بدین لغت مستعمل و متداول و دواعی و خواطر همگنان به نظم و نثر پارسی مصروف و مشغول... فرمان مطاع لازم الاتباع... بر آن جمله بارز شد که این کتاب به زبان پارسی مسطور گردد.»

فارسی نه تنها در زبانهای شبه جزیره بالکان، بلکه حتی به انگلیسی راه یافته است، و زبان‌شناسان پیرامون هشتاد واژه ایرانی در آن زبان یافته‌اند. آری، از خاور دور تا باختر دور، نفوذ بی‌واسطه یا با واسطه زبان ما پذیرفته و آشکار است؛ و این حقیقت نشان‌دهنده گسترش و

نفوذ و تأثیر جهانی فرهنگ ایرانی است.

در برابر ایرانیان که زبان یگانه ملی رسمی داشتند و آن را تا امروز حفظ کرده‌اند، بسیاری ملت‌هایی که زبانهای خود را از دست داده‌اند و نیز بسیاری ملت‌هایی که به تازگی زبان یگانه ملی برای خود پدید آورده‌اند، و نیز هستند ملت‌هایی که برای پدید آوردن آن میکوشند.

چنان که گفته شد زبان فارسی، رفته رفته از صورت يك زبان صرفی با سه جنس و سه شمار به صورت يك زبان غیر صرفی بی جنس و با دو شمار در آمده و از توازن و تعادل کم مانند آواها که زیبایی و خوشنوائی ویژه‌ای به آن بخشیده، بهره‌مند است. همین زیبایی و سادگی یکی از سببهای روائی آن بوده است. و نندت H. F. Wendt زبان‌شناس آلمانی همزمان، در کتاب خود به نام «زبانها» پس از برشمردن برتریها و نیکیهای زبان فارسی چنین نوشته است:

«خلاصه آن که زبان فارسی يك زبان غیر صرفی (آنالیتیک) و از نظر کمال کم مانند است. این زبان میتواند چون نمونه‌ای والا برای يك زبان یاریگر جهانی به کار آید.»

فارسی برای واژه‌سازی توانائی بسیار دارد، و این توانائی را در سراسر زندگی خود خوب نگاهداری کرده‌است. بنیاد واژه‌سازی این زبان (مانند همه زبانهای آریائی دیگر) بر ترکیب نهاده شده‌است، ترکیب ریشه‌ها باوندها یا ترکیب خود واژه‌ها بایکدیگر. در دوره‌های میانه و باستانی از پیشوندها و پسوندهای بیشتری بهره‌جوئی میشده است، و در دوره نوین، دوره‌ای که از سده چهارم هجری آغاز می‌شود بیشتر واژه‌های تازه از ترکیب واژه‌ها بسایکدیگر ساخته شده است. واژه‌سازی فارسی را هم عامه مردم و هم دانشمندان ادامه داده‌اند. فراوان است واژه‌هایی که در همین سده ساخته شده و روائی یافته است، مانند: دوچرخه، سه‌چرخه، خودنویس، خودکار، خودآموز،

آب خشك كن، تخته پاك كن، آرايشگاه، سرپائی، دستنویس، رونویس،
چركنویس، پاكنویس، زیرنویس، پانویس، روشوئی، دستشوئی،
خشك شوئی، گویش، گویشور، واژه نامه، بلندگو، پیاده رو، سواره -
رو، خود تراش، زیرسازی، زیرپیراهنی، زیرپوش، روفرشی، جارختی،
روتختی، رویداد، گلگیر، گلگیرسازی، گل پخش كن، دسته دنده،
شغال دست، سگ دست، آب گرم كن، آب سرد كن، برف پاك كن،
شیشه شور، گوشي، تسوئی، تودوزی، نمایشگاه، پیاده رواسازی،
كودكستان و كشاف.

از میان دانشمندان و نویسندگان و سرایندگان پیشین برخی از این
توانائی زبان فارسی در باز نمودن خواسته های خود بیشتر بهره گرفته اند،
مانند ابوعلی سینا و ناصر خسرو و نظامی و خاقانی. در اینجا چند نمونه
از واژه های همكرد (مركب) كه نظامی و خاقانی در سروده های خود
آورده اند یاد می شود:

آبله ور، آتش تن، آرزو بخت، آستان بوس، آسمان شكن،
آسمان گشای، آهنگ دان، افكنده سم، البرز افكن، باز گونه نوردد،
بسته روزن، بن برزمین زن، بنده فرمانی، بوسه چین، بوسه گاه،
بدسر انجام، بیمار پرست، بیهده پندار، پارانج، پرده پوش، پرده شناس،
پرده گشای، پرنیاز، پرورش آموخته، پرورش آموز، پری گرفته، پل شكن،
تاج ده، تب زده، ترمغز، تنهارو، جاویدمان، جگرتاب، چاربالش نه،
چارپساره زن، چاك جامه، چشم روشن كن، خاك بستر، خام جوش،
خامكاری، خام كن، خامه زن، خدای فروش، خم پرورد، خمكده،
خنده درلب، خوشگام، خوك خوار، داروكده، دانش آزمای، دخمه بان،
درست پیمان، دلدوز، دودافكن، دهان آلائی، دین افزای، دین پرست،
دین طراز، دین فروش، رامش گزین، رسنور، روزبر آرنده، روزه،
زبان دان، زمان داور، سبك پری، ستاره سپه، ستاره لشكر، سخن پرور،

سخن‌پیرای ، سخن‌دزد ، سربره‌واکش ، سرشک‌خورد ، شاخ‌پیرا ،
شانه‌درموی ، شاه‌ستای ، شاهین‌دل ، شب‌شناس ، شب و روز آفرین ،
شکارستان ، غم و شادی‌نگار ، فلک‌برپای‌دار ، کان‌کن ، کژدم‌دل ، کس-
فروبر ، کشتی‌گه ، کفچه‌سر ، کم‌ارز ، کم‌کاسه ، کوه‌زهره ، گردون‌نشین ،
گرسنه‌چشمی ، گرم‌گه ، گریه‌دربر ، گنج‌بان ، گوهر‌آور ، گوهرشکن ،
گیتی‌داور ، مشنگاه ، مغ‌کده ، مهر‌آزمای ، نافر جام‌گوی ، ناکس‌بر‌آور ،
نغزنوائی ، نگون‌سرانجامی ، نمک‌ستان ، نهان‌دان ، نهنگ‌اوبار ، نیست-
کن ، هرزه‌خوار ، هست‌کن ، هم‌نیام .

این زبان توانا با آن گذشته و نفوذ و تأثیر دیرین جهانی و گنجینه
بیمانند آثار فراوان و گرانبهای فرهنگی ، از پیرامون يك سده پیش
پهنه تاخت و تاز واژه‌های روزافزون علمی و فنی چند زبان باختری
گردید که نه از توانائی و آسانی آن ونه از چنان پیشینه و آثار فرهنگی
بهره‌مندی داشتند .

دانش و فن در چند سده گذشته در اروپا روی به پیشرفت گذاشت ،
و پیشرفت آن رفته رفته سرعت گرفت و زندگی جهانیان در اثر آن
دگرگون گردید ، و نزدیکی و بستگی تازه‌ای میان آنان پدید آمد . این
دانش و فن نوین نیاز به واژه‌های فراوانی داشت که در واژگان هیچ
ملتی یافت نمیشد . پیشروان باختری آن ، ناچار با شتاب اما به هنگام
واژه‌گزینی میکردند . گاهی به واژه‌های کهن معنی تازه میدادند و گاهی
واژه‌های تازه می‌ساختند ؛ ولی ملتهای دیگر تا خواستند به خود آیند
واز آن آگاہ و بهره‌مند گردند ، و دامنه و شگرفی آن و بایستگی همگام
داشتن زبان خود را با آن دریابند ، خویشتن را با انبوه واژه‌های بیگانه
برابر یافتند .

ایرانیان نیز در آغاز آسیبی را که از این برخورد به زبان فارسی
می‌رسید در نمی‌یافتند . برای برخی از واژه‌های بیگانه برابرهائی

گزیدند و برخی دیگر را به زبان خود راه دادند؛ اما چون شماره این گروه دوم فزونی گرفت، و ناهماهنگی آنها با واژه‌های فارسی آشکار گردید، بیم فرود افتادن این زبان از پایگاه والای فرهنگی دیرین و از دست رفتن هماهنگی و رسائی آن و همچنین پدید آمدن سستی در بنیاد فرهنگ گسترده ملی در دل آنان راه یافت. چند تنی از دانشمندان به چاره جوئی برخاستند و به یافتن یا ساختن واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه پرداختند. اما کار به این صورت نه درست بود نه انجام گرفتنی، زیرا که نیاز به اندازه‌ای نبود که چند تن آن هم تك تك بتوانند آن را بر آورند؛ و اگر واژه‌گزینی با ذوق و سلیقه فردی دوام می‌یافت، زبان دستخوش آشفتگی و نابسامانی دیگری می‌گردید. چنین بود که در سال ۱۳۱۴ خورشیدی به خواست و فرمان اعلیحضرت رضا شاه پهلوی فرهنگستان ایران بنیاد نهاده شد؛ و در چند سالی که به کار پرداخت بیش از هزار و پانصد واژه را از تصویب آن شاهنشاه گذرانید، که بیشتر آنها هم اکنون در نوشته‌های علمی و فنی و فرهنگی و آموزشی و سازمانهای اداری کشور به کار میرود. افسوس که آن سازمان در سال ۱۳۲۰ خورشیدی از کوشش باز ایستاد، درحالی که تازش واژه‌های بیگانه ادامه داشت و بلکه فزونی می‌گرفت. زبان این باایستادن را میتوان از شماره واژه‌های بیگانه‌ای که از سال ۱۳۲۰ تا امروز به فارسی راه یافته است دریافت. کوشش برخی از دانشمندان که از آن پس تك تك یا گروه گروه به واژه‌گزینی پرداختند بر آورنده نیازهای روزافزون زبان فارسی نگردید، و بیشتر واژه‌هایی که از این راه پدید آمد از پذیرش همگانی بهره‌مندی نیافت.

اینک بر همگان روشن است که اگر راه بر این تاخت و تاز بسته نشود کار به جایی خواهد رسید که همچنان که امروز برای فهمیدن بیشتر نوشته‌ها و سروده‌های فارسی به آموختن عربی نیاز داریم در آینده‌ای

نه بسیار دور به آموختن آن زبانهای باختری نیز نیازمند خواهیم بود، و آموزش زبان فارسی که خود به تنهایی بسیار ساده و آسان است دشوار و پرهزینه خواهد گردید و به زمان بیشتری نیاز خواهد داشت. این نکته شایسته یادآوری است که این برخورد فارسی با برخورد-های پیشین نه تنها همانند نیست بلکه فرق بسیار دارد؛ زیرا که ما در روزگاران گذشته سرآمد و پیشرو دانش و هنر بودیم و نیازی به فراگرفتن آن از ملت‌های دیگر مانند عرب‌ها، ترک‌ها و مغول‌ها نداشتیم، بلکه آنها بودند که به ما نیاز داشتند. اما این بار چنین نیست، و ما ناچاریم تازه‌های بسیاری را از چند ملت باختری بیاموزیم و بکوشیم که با آنان همگام شویم و زبان خود را برای فرهنگ و زندگی نوین آماده‌سازیم. چنان که گفته شد، تنها ایرانیان نیستند که زبان‌شان میدان این تاخت و تاز شده است، همچنین تنها آنان نیستند که به چاره‌جویی برخاسته‌اند. نگاهی به واژه‌نامه‌های تازه عربی و عبری و ترکی نشان می‌دهد که چه کوشش گسترده و پیوسته‌ای در این باره در کشورهای همسایه ما انجام گرفته است و می‌گیرد. در این واژه‌نامه‌ها، واژه‌های تازه‌ساز یا واژه‌های کهنی که برای معنی‌های تازه برگزیده شده است فراوان است. واژه‌نامه‌های انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی خود پر است از اینگونه واژه‌ها.

خوشبختانه در این روزگار خجسته که از پرتو رهبری اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر دانش و صنعت و فن در کشور ایران به سرعت راه پیشرفت می‌پیماید و همه نیروهای ملی برای بازیافتن شکوه و سرافرازی دیرین و گام نهادن به تمدن بزرگ بسیج شده‌است، بایستگی همگام‌داشتن زبان با پیشرفته‌های علمی و فنی نیز از دیده ژرف بین شهریار دوران‌دیش ایران دور نمانده و به فرمان شاهانه در سال ۱۳۴۹ فرهنگستان زبان ایران به منظور نگاهداشت پایگاه والای فرهنگی زبان فارسی و

آماده داشتن آن برای برآوردن نیازمندیهای روزافزون علمی و صنعتی و فرهنگی کشور بنیاد نهاده شده است. روشن است که برای رسیدن به این هدف بزرگ کوششهای پیوسته و گسترده و دامنهدار بایسته است.

روش واژه‌گزینی

اینک شایسته است که روش فرهنگستان زبان ایران برای گزینش واژه‌های فارسی در برابر واژه‌های بیگانه که بزرگترین وظیفه این فرهنگستان است گزارش شود. این روش بر بهره‌مندی از همکاری همه دانشمندان فارسی‌زبان و فارسی‌دان جهان بنیاد نهاده شده است:

۱- تشکیل گروه‌های واژه‌گزینی برای رشته‌های گوناگون دانش و هنر و فن هر گروه از چند تن از کارشناسان رشته مربوط و دوسه تن زبان‌شناس تشکیل میشود، که دست‌کم يك نشست هفتگی دو ساعته دارد و واژه‌های بیگانه‌ای را که به برابر فارسی آنها بیشتر نیاز باشد تعیین و پس از بررسی‌های بایسته برای هر يك از آنها يك یا چند برابر فارسی پیشنهاد می‌نماید. تاکنون بیست گروه تشکیل شده است که در آنها پیرامون صد و پنجاه تن از کارشناسان همکاری داشته‌اند و برای پیرامون پانزده هزار واژه بیگانه سی هزار برابر فارسی پیشنهاد کرده‌اند.

۲- ردء‌بندی واژه‌های بیگانه مورد نیاز و چاپ و نشر آنها

این واژه‌ها دسته به دسته، با تعریف هر يك، در جزوه‌های جداگانه، برای خواستن پیشنهاد دانشمندان مربوط و زبان‌شناسان چاپ و در سراسر ایران و جهان نشر میگردد. تعریف واژه‌ها از يك یا چند واژه‌نامه تخصصی یا دانشنامه (آنسیکلوپدی) استوار و بنام به فارسی برگردانده میشود. برای فرستادن پیشنهادها زمان مرزمندی (محدود)

معین و آگهی می‌گردد. پیداست که با این روش رفته رفته برای هر يك از رشته‌های دانش و هنر و فن واژه‌نامه و بژه‌ای نیز فراهم خواهد گردید. اثری که این جزوه‌ها در پیشبرد دانش و هنر و فن در ایران و در میان فارسی‌زبانان دیگر جهان خواهد داشت روشن است و نیاز به شرح ندارد.

۳- نشر واژه‌های فارسی برگزیده

پس از گذشت زمانی که برای فرستادن پیشنهاد آگهی شده است، واژه‌های پیشنهاد شده (از گروه مربوط فرهنگستان یا از دانشمندان و سازمانهای دیگر) در شورای فرهنگستان بررسی خواهد شد، و از میان برابره‌ای پیشنهادی، هر کدام که شایسته شناخته شود به عرض اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسانیده و سپس برای آگاهی همگان نشر خواهد شد.

روشن است که این فرهنگستان برای برآوردن نیازمندیهای همگان در مورد زبان فارسی و زبانشناسی ایرانی بنیاد نهاده شده است، و از این رو هرگاه سازمانی یا کسی برای جایی یا چیزی یا مفهومی نام و واژه‌ای بخواهد، و همچنین هرگاه سازمانی یا دانشمندی برای واژه بیگانه‌ای برابر فارسی آن را جویا باشد، می‌تواند به این فرهنگستان مراجعه نماید. فرهنگستان زبان ایران برای یافتن واژه‌ها همان روش را که یاد گردید بکار خواهد بست، و درباره نامها نیز کوشش میکند که از دانش و آگاهی کارشناسان و آگاهان بهره‌مند گردد.

بهرتر است که سازمانها و دانشمندان بر هر واژه تعریف آنرا به فارسی، با یاد کردن نام و ویژگیهای بایسته مأخذ، بیفزایند.

۴- کارهای پژوهشی دیگر

برای آن که کار واژه‌گزینی فارسی با بهره‌مندی از گنجینه‌گرانیهای

این زبان انجام پذیرد، گروه بزرگی از پژوهشگران فرهنگستان به فراهم کردن واژه‌نامه‌های بسامدی (واژه‌نامه‌هایی که یک‌ایک واژه‌های يك متن و همه موردی‌هایی که هر واژه بکار رفته است و همچنین شماره آن مورد را در بر دارد) برای متنهای فراوان این زبان، و چند تن دیگر به فراهم کردن «واژه‌نامه مترادفها» و «واژه‌نامه موضوعی» گمارده شده‌اند.

برای آنکه این کار با دقت بیشتر و پژوهشگران کمتر و در زمانی کوتاه‌تر انجام پذیرد، از این پس کوشش می‌شود که از رایانه (کامپیوتر) بهره گرفته شود. آزمایش کاربرد رایانه در این باره نشان داده است که به خوبی می‌توان از آن استفاده نمود.

کوشش می‌شود که نخست واژه‌نامه‌های بسامدی متنهای کهنتر و ارزنده‌تر که چاپ انتقادی یا استواری از آنها در دست است فراهم گردد.

درباره واژه‌نامه‌های «مترادفها» و «موضوعی» باید افزوده شود که این کار بر بنیاد چند واژه‌نامه بنام و بزرگ فارسی که به چاپ رسیده آغاز شده است، و امید است که با بهره‌گیری از واژه‌نامه‌های دیگر بویژه واژه‌نامه‌های بسامدی (که رفته رفته فراهم می‌شود) و همچنین سرچشمه‌های دیگر آگاهی، در هر چاپ کامل‌تر گردد.

برای بهره‌مندی از گنجینه اصطلاحات پیشه‌وران و واژگان فارسیهای محلی و گویشها و زبانهای ایرانی نوین و میانه و باستانی نیز گروههای دیگری از پژوهشگران به کار گمارده شده‌اند.

روشن است که برای شناسائی همه گویشهای ایرانی، باید زبان مردم یک‌ایک آبادیهای کشور و سرزمینهای ایرانی زبان دیگر بررسی شود، و این کار به زمان دراز و پژوهندگان آزموده فراوان نیاز دارد. نزدیک يك سال است که فرهنگستان زبان

ایران - بررسی گویشهای درون مرزی را - برپایه نمونه برداری آغاز نموده است. این بررسی درچارچوبه طرح مشترك این فرهنگستان و سازمان جغرافیائی کشور که به تصویب اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسیده است انجام می پذیرد. پس از نمونه برداری - بررسی گسترده تر و شناسائی ژرفتر گویشها آغاز خواهد شد.

پیداست که به پایان رسانیدن این پژوهشها سالها به درازا خواهد کشید، اما نیاز فارسی به واژه های نوین در برابر واژه های بیگانه (که با پیشرفتهای سریع علمی و فنی و دگرگونیهای که از آن پدید می آید، هر روز بر شماره آنها افزوده میشود) به اندازه ای است که نمی توان به بهانه پایان نیافتن برنامه هایی که یاد شد کار واژه گزینی را کنار نهاد و راه را برای درتاختن زبانهای بیگانه باز گذاشت؛ ناچار باید همه این کوششها که باهم آغاز شده است باهم پیش برود و از آنچه در دست است و نیز آنچه رفته رفته فراهم خواهد شد تا آنجا که میتوان، بهره گرفته شود، و گرنه دیری نخواهد گذشت که واژه های بیگانه بسیار فراوان چنان جای خود را در فارسی باز خواهند کرد که بیرون راندن آنها بسیار دشوار خواهد بود، و این زبان زیبائی و هماهنگی دیرین خود را از دست خواهد داد و پیوند آن با گذشته سست خواهد شد.

این نکته درخور یادآوری است که نیاز به برابرهای فارسی برای واژه های بیگانه به اندازه ای است که بسیاری از پیشنهاد های گروه های واژه گزینی این فرهنگستان که هنوز به تصویب نرسیده به درسهای دانشگاهی، کتابها، روزنامه ها، مجله ها، رادیو و تلویزیون راه یافته است و روز به روز شماره اینگونه واژه ها افزایش می یابد.

این نه تنها نمودار چگونگی این نیاز بلکه نشان دهنده روشن بینی و میهن پرستی و فرهنگ دوستی و دلبستگی ژرف ایرانیان به زبان

بسیار توانا و پرمایه و زیبای خویش است و این همه خود فزاینده نیرو و کوشش فرهنگستان زبان ایران است.

امید است که با این روش واژه‌هایی که برگزیده میشود از پذیرش گرم همگانی برخوردار باشد و این فرهنگستان بتواند درسایه رهبری شاهنشاه فرهنگ پرور ایران و با همکاری و پشتیبانی هم‌میهنان وظیفه ارجمند خویش را که آرزوی هر ایرانی نیک‌اندیش و بلندمنش است با کامیابی انجام دهد، و زبان زیبا و توانای فارسی را همچنان در پایگاه والای دیرین و آماده برای برآوردن همه نیازمندیهای گوناگون و روزافزون علمی نگاه دارد.

دربارهٔ این دفتر

این دفتر برگرداندهٔ بخشی از کتاب فهرست توصیفی دانشها ،
فنها و هنرها نوشتهٔ جوزف تیکوساینر Joseph T. Tykociner (استاد
دانشگاه ایلینویز امریکا) از انگلیسی به فارسی است. نویسنده در این
بخش فهرستی از پیرامون هزار و پانصد نام دانش و هنر و فن را
فراهم آورده و برای هر يك تعریف کوتاهی داده است.

چون بسیاری از نامهایی که نویسنده در این بخش از کتاب خود
داده است برابر فارسی ندارد، یا اگر برابری دارد از پذیرش همگانی
برخوردار نیست بایسته دیده شد که هرچه زودتر این بخش به فارسی
برگردانده شود، و به عنوان یکی از شماره‌های «پیشنهاد شما چیست»
چاپ و نشر گردد تا با آگاهی و بهره‌جوئی از نظر دانشمندان
فارسی‌زبان و فارسی‌دان جهان برای همه دانشها و فنها و هنرها نام
فارسی برگزیده شود. بایستگی این کار چنان روشن است که نیازی به
توضیح ندارد.

از این رو از دانشمند ارجمند آقای احمد آرام که خود
بایستگی برگرداندن این بخش از کتاب تیکوساینر را یادآور شده بودند
خواسته شد که آن را به فارسی برگردانند . ترجمهٔ آقای آرام را

آقایان هوشنگ اعلم و فریدون بدره‌ای پژوهشگران این فرهنگستان
ویراسته و برای چاپ آماده ساخته‌اند.

چون در این فهرست نام‌هائی هست که برابر فارسی پذیرفته‌ای
دارند، در آغاز چنین به نظر می‌رسید که بهتر است این گونه نامها از
آن برداشته شود، ولی چون نویسنده رنج فراوان برده و نام همه دانشها
و فن‌ها و هنرها را با تعریف آنها یکجا فراهم آورده است دریغ آمد
که از آن چیزی کاسته شود؛ بویژه که با دگرگونی‌هائی که در رشته‌های
گوناگون دانش و فن و هنر پدید آمده است، شاید بایسته باشد که
برخی از این برابرها جا به جا یا عوض شود.

نام دانشها، فناها، و هنرها

Λ

Acarology.

زیست شناسی Acarina که راسته‌ای (order) از رده (class) عنکبوتیان (Arachnida) است و شامل کنه‌ها و mites می‌گردد.

Accounting.

دانش اصول و روشهای نگهداری و واریسی حسابهای معاملات.

Acetometry,

بررسی روشهای اندازه‌گیری مقدار جوهر سرکه (acetic acid) در یک محلول.

Acidimetry.

بررسی روشهای تعیین مقدار اسیدی که در یک محلول وجود دارد.

Acoustics.

شاخه‌ای از فیزیک که درباره صوت، خواص آن، و پیدایش و انتقالش بحث می‌کند.

Acoustics, underwater.

شاخه‌ای از acoustics که پیدایش، آشکارسازی (detection) و پراکنش (propagation) صوت را در زیر آب بررسی می‌کند.

Actinochemistry.

- بررسی تبدلات شیمیائی ناشی از تشعشع (radiation)

Actinology.

شاخه‌ای از شیمی فیزیکی که اثرهای شیمیائی پرتوهای نورانی، و بویژه فعالیت آنها را در عکاسی بررسی می‌کند.

Actinometry.

- بررسی روشهای اندازه‌گیری تشعشع آکتینیک (actinic radiation)

Actinoscopy.

- بررسی روشهای مشاهده تشعشع آکتینیک (actinic)

Actinotherapeutics.

دانش بکار بردن نور فرابنفش برای درمان بیماریها.

Actuarial science.

بررسی و محاسبه احتمالات در بیمه، مستمریهای سالانه، حقوق بازنشستگی و مانند اینها.

Administration, business.

دانش مدیریت انواع گوناگون سوداگری و کسب و کار (business)، مشتمل بر جنبه‌های دارائی، تولید، خرید، فروش، ترابری کالاها، و سازمان دادن به انواع گوناگون خدماتهای مربوط، و انجام دادن آن خدماتها.

Aerobiology.

بررسی سازواره‌های (organism) زیستی هواپُرد (air-borne) مانند باکتریها، ویروسها، گرده و هاگهای (spores) گیاهان.

Aerodnetics.

شاخه‌ای از aeronautics مربوط به سریدن و بالا رفتن (ناوهای هوائی).

Aerodynamics.

شاخه‌ای از dynamics که جنبش گازها و نیروهای مؤثر بر جسمهائی را که در معرض چنین جنبشی قرار دارند بررسی می‌کند.

Aeroelasticity.

بررسی مسئله‌های ساختاری (structural) و aerodynamic وابسته به پدیده‌های آئروالاستیک (aeroelastic) .

Aerography.

شاخه‌ای از هواشناسی (meteorology) که پدیده‌های جوّ زیرین را توصیف می‌کند.

Aerology.

همان aeronomy است.

Aeromechanics.

بررسی هوا و سیالهای هواسان در حالت ترازمندی و جنبش آنها. aerostatics و aerodynamics را دربرمی‌گیرد.

Aerometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری وزن یا چگالی هوا یا گازهای دیگر.

Aeronautics.

شاخه‌ای از تکنولوژی (technology) که دربارهٔ اصول ساختن و بکارانداختن و راندن هواپیماها بحث می‌کند.

Aeronomy.

شاخه‌ای از زمینفیزیک که پدیده‌های هواشناسی (meteorological) جوّ زیرین را بررسی می‌کند. شامل فیزیک ionospheric و magnetospheric می‌گردد.

Aerophotography.

بررسی روشهای عکسبرداری از یک نقلیهٔ هوا بُرد (airborne) یا

فضائی.

Aerospace sciences.

نامی همگانی برای دانشهای چون aeronautics و astronautics.

Aerostatics.

بررسی گازها در حال آرامش، و بررسی شرایط ترازمندی جسمهای
دج غوطه‌ور در سیالهای گازی.

Aerosurveying.

همان photogrammetry است.

Aerotherapeutics.

بررسی درمان بیماریها بوسیله هوا و گازهای دیگر.

Aesthetics (Esthetics).

بررسی «زیبائی» و نظریه‌های فلسفی مربوط به آن. نیز بررسی
احساسات و عواطفی که از مشاهده اشياء و پدیده‌های طبیعی، یا تفکر
در آثار ادبی و هنری در آدمی انگیزخته می‌شود.

Aesthetics, experimental.

همان psychological aesthetics است.

Aesthetics, psychological.

بررسی جنبه‌های روانشناسی هنرها، بویژه پژوهش آزمایشی در
روانشناسی موسیقی، نقاشی و جزاینها.

Agathology.

دانش نیکی (خیر).

Agnoiology.

عقیده یا نظریه‌ای درباره نادانی که به آن ناشناختنی‌هایی که ما
بالضروه نسبت به آنها نادانیم، توجه دارد.

Agriculture.

دانش و فن کشت زمین، و فرآوردن غلات و سبزی و میوه و مانند اینها. غالباً شامل دامپروری و مرغداری نیز می‌شود.

Agriculture, tray.

همان hydroponics است.

Agriology.

شاخه‌ای از نژاد شناسی که آداب و رسوم قبیله‌های بدوی را بررسی می‌کند.

Agrobiology.

بررسی سازه‌های زیست‌شناسی در کشاورزی. این بررسی مربوط به تغذیه گیاهان و کنترل خاک می‌شود.

Agroclimatology.

بررسی آب و هوا از لحاظ کشاورزی.

Agrology.

بررسی خاکها از لحاظ کشاورزی.

Agronomics.

بررسی اصول مربوط به فرآوری غلات و اصلاح خاک.

Agronomy.

همان agronomics است.

Agrostology.

بخشی از گیاهشناسی سیستماتیک (systematic) که با رده‌بندی علفها سروکار دارد.

Alchemy.

دانشی باستانی، پیشگام علم شیمی، که کار آن بررسی تبدیل فلزهای پست به زر و کشف وسیله‌ای جهانی برای بازگرداندن نیروی زندگی بود.

Alcoholometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری درصد یا مقدار الکحل در آبگوته‌ها.

Algebra, Boolean.

جبر منطق آن چنان که بول (G. Boole) در کتاب خود به نام «پژوهشی در قانونهای اندیشه» *An Investigation of the Laws of Thought* بیان کرده است.

Algebra, differential.

کاربرد جبر تجریدی (abstract) در همچندیهای (معادله‌های) دیفرانسیلی که دارای ضربیهای جبری هستند.

Algebra, elementary.

گسترش و تعمیم عملهای حساب که در آن برای ساده کردن حل مسئله‌ها، حروف یا نمادهای دیگری برای نمایش دادن شمارها، مجموعه‌های شمارها یا توابع بکار می‌رود.

Algebra, linear.

جبری که در آن از منظومه‌های شماری ای (number systems) بحث می‌شود که عناصر آنها بوسیلهٔ افزایش و بشماری با یکدیگر ترکیب می‌شوند و فضاهاى خطی n بعدی هندسه را نمایش می‌دهند.

Algebra, matrix.

بررسی خواص و نظریه‌های عملیات مربوط به ردیفهای عمود بر هم جمله‌هایی که ماتریس (matrix) نام دارند.

Algebra, modern.

شاخه‌ای از جبر که منظومه‌های گوناگونی چون جبر شبکه‌ها (lattices)، جبر میدانها، جبر حلقه‌ها، جبر گروهها و جبر ماتریس‌ها را دربر می‌گیرد.

Algology.

شاخه‌ای از زیست‌شناسی که جلبکها، یا علفهای دریائی، را که به علت داشتن سبزینه (کلروفیل) از دیگر قارچها متمایزند بررسی می‌کند.

Algometry

بررسی روشهای اندازه‌گیری کوچکترین فشاری که ایجاد درد می‌کند.

Allergology.

بررسی حساسیت مفرط نسبت به برخی از مواد مانند خرد ساز واره‌ها (germs)، گرده گیاهان، مو، یا نسبت به اوضاع و احوال فیزیکی مانند دما و نم.

Allometry.

بررسی تطبیقی اختلافهای سنجشی متری.

Allopathy.

روشهای معمولی درمان در پزشکی، در برابر روش homeopathic.

Altimetry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری افرازا (altitudes).

Aluminothermy.

بررسی روشهای بدست آوردن گرمای شدید با بکار بردن گرد آلومینیوم آمیخته به گرد اکسیژن‌دار یک فلز دیگر.

Amphibiology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که دوزیستان (amphibia)، یعنی جانورانی را که در مرحله‌ای از زندگی خود در آب و در مرحله دیگر در خشکی زندگی می‌کنند، بررسی می‌کند.

Analysis, content.

بخشی از روانشناسی زبان (psycholinguistics) که به بررسی آنالیز معنایی (semantic analysis) پیامها، بویژه در ارتباطات گروهی (mass communication) می‌پردازد. در این تجزیه و تحلیل از

روشهای کیفی و آماری چون وسیله‌ای برای نتیجه‌گیری درباره‌ی منظور پدیدآورنده استفاده می‌شود.

Analysis, dimensional.

کار برد اصل همانندی (similitude) در تجزیه و تحلیل پیوستگی میان چندیهای عینی (concrete quantities) و ابعاد فیزیکی آنها. پایه‌ی نظریه‌ی مدلها (models) را تشکیل می‌دهد.

Analysis, harmonic.

بررسی توابعی که دارای تناوب (periodicity) با دوره‌ی تناوب معلوم (T) هستند به وسیله‌ی عملیات خطی، به ویژه رشته‌ی فوریه (Fourier series).

Analysis, mathematical.

آن شاخه‌های ریاضیات که در آنها بیشتر روشهای جبری و انتگرالی بکار می‌رود. آنالیز نوین بخشهای فرعی بسیاری دارد، مانند توابع متغیرهای واقعی و مختلط، توابع هارمونیک (harmonics) و جزاینها.

Analysis, nonlinear.

شاخه‌ای از آنالیز ریاضی که روشهای حل همچنندیهایی دیفرانسیلی از مرتبه‌ی (order) دو یا بالاتر را که تنها یک متغیر مستقل دارند، بررسی می‌کند.

Analysis, tensor.

شاخه‌ای از ریاضیات که «انتگرال و دیفرانسیل مطلق» نیز نامیده می‌شود، و در آن از مفهوم تعمیم یافته‌ی یک بردار و از پیوستگیهایی که بهنگام انتقال آن از یک دستگاه هما را (coordinates) به هر دستگاه دیگر معتبر می‌ماند، بحث می‌شود.

Analysis, vectorial.

شاخه‌ای از ریاضیات که با چندیهایی سروکار دارد که مستلزم تعیین

راستا و کمّیت (magnitude) هر دو می‌باشند. به‌دورشته جبر بُرداری و دیفرانسیل و انتگرال بُرداری بخش می‌شود.

Analytics.

علم استدلال آن چنان که ارسطو در شش رساله خود پایه‌گذاری نموده است. از آن رساله‌ها، رساله «آنالوطیکای نخستین» (Prior Analytics) از قیاس منطقی (syllogism) بحث می‌کند، و «آنالوطیکای پسین» (Posterior Analytics) از دانش قابل اثبات. این رساله‌ها نخستین کارهای بنیادی درباره منطق بشمار می‌روند.

Anatomy.

شاخه‌ای از morphology که ساختمان گیاهان و جانوران را از راه تشریح بررسی می‌کند.

Anatomy, comparative.

شاخه‌ای از جانورشناسی که تفاوت‌های شکلی و ساختمانی‌ای که جانوران گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌سازد بررسی می‌کند. شالوده‌ای است برای رده‌بندی جانوران.

Anemology.

شاخه‌ای از هواشناسی که تندی (سرعت) و راستای بادها را بررسی می‌کند.

Anemometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری نیرو و تندی (سرعت) باد.

Anesthesiology.

بررسی پدیده‌های وابسته به فقدان کامل یا جزئی حس یا احساس که بر اثر بیماری، خواب کردن مصنوعی (هیپنوتیزم)، ضربانهای برقی، یا بکاربردن برخی از داروها و گازها دست می‌دهد.

Angiography.

بررسی ساختمان ظریف آوندهای خون و انشعابهای آنها بوسیلهٔ تکنیکهای پرتو ایکس. اگر در مورد قلب بکار رود، angiocard-diography، و اگر در مورد ششها بکار رود lung-angiography خوانده می‌شود.

Angiocardiography.

نگاه کنید به angiography.

Angiology.

بررسی ساختمان و وظیفهٔ آوندهای خون و لنف.

Anthropogenesis (Anthropogeny).

دانشی که در منشأ و فرگشت نوع آدمی پژوهش می‌کند.

Anthropogeography.

شاخه‌ای از مردم‌شناسی که پراکندگی جغرافیائی گوناگونگیها، زبان، آداب و رسوم، و نژادهای آدمی را بررسی می‌کند.

Anthropology.

بررسی آدمی، خاستگاهها، دست ساختها (artifacts)، و نژادهای او، بویژه فرهنگهای بدوی.

Anthropology, applied.

آن بخش از مردم‌شناسی که بویژه به جنبه‌های فرهنگی و روانشناسی نوع آدمی و مسئله‌های مادی (فیزیکی) ویژگیهای نژادی، آمیزش نژادها، مصونیت بدنی و جزاینها می‌پردازد.

Anthropology, biochemical.

بررسی اختلافهای زیستشیمیائی (biochemical) آدمیان (بویژه از لحاظ محتوای آنزیمی) در سطح مولکولی، آن‌چنان که از چند شکلی (polymorphism) زیستشیمیائی آشکار می‌شود. نیز، بررسی ارزش

انطباقی (adaptive) این اختلافها.

Anthropology, chemical.

شاخه‌ای از physical anthropology که ترکیب تن آدمیان بالغ زنده، از جمله وابستگی میان فرآیندهای شیمیائی رشد و وظیفه‌های فیزیولوژیکی را بررسی می‌کند.

Anthropology, criminol.

بررسی و اندازه‌گیری بخشهای گوناگون تن آدمی در کوششی برای یافتن وابستگی آنها با بزهکاری.

Anthropology, cultural.

شاخه‌ای از مردمشناسی که به بررسی تأثیر فرهنگ بر بقای آدمی می‌پردازد. بویژه زبان، هنرها، پیشه‌ها و نهادهای اجتماعی را بررسی می‌کند.

Anthropology, differential.

شاخه‌ای از مردمشناسی که نژادهای آدمی را از روی شکل بدن، ویژگیهای فرهنگی و تکامل اجتماعی آنها از یکدیگر متمایز می‌سازد.

Anthropology, philosophical.

بررسی مفهومیهای فلسفی دربارهٔ ذات و جوهر آدمی.

Anthropology, physical.

شاخه‌ای از مردمشناسی که فرگشت ارگانیسم آدمی، ویژگیهای جسمانی و گوناگونیهای فردی آدمی را، بویژه در نژادهای مختلف، بررسی می‌کند.

Anthropology, social.

بررسی سنجشی عاداتهای جسمانی و ذهنی مردمی که در جامعه‌های بدوی زندگی می‌کنند.

Anthropology, somatic.

همان physical anthropology است.

Anthropometry.

بررسی و اندازه‌گیری تن آدمی و گوناگونیهای آن در نژادها، جنسها،
سنهای مختلف و جزاینها.

Anthroponomy.

شاخه‌ای از مردم‌شناسی که رفتار آدمی را بررسی می‌کند.

Anthroposophy.

یک دبستان فلسفی که می‌کوشد تا ماهیت جهان را از ماهیت آدمی
استنباط و استنتاج کند.

Antiquated sciences.

دانشهای باستانی، مانند کیمیا و اخترشناسی (astrology)، که یا از
میان رفته‌اند یا به‌علت پیدایش مفهومیهای اساساً تازه، به‌صورت نوینی
با نامهای تازه درآمده‌اند.

Apiculture.

کار علمی درباره‌ی مواظبت از زنبور عسل برای بالا بردن فرآوری
عسل به‌اندازه‌ای بیش از نیازمندیهای خود جانور.

Apologetics.

شاخه‌ای از الهیات که هدف آن استوار گردانیدن پایه‌های کیش یا
مذهب ویژه‌ای است؛ نیز بحثی منظم و پرداخته (سیستماتیک) در
دفاع از مجموعه‌ای از اعتقادات (doctrines).

Aquiculture.

همان hydroponics است.

Arachnology.

بررسی عنکبوتیان (arachnida)، یعنی رده‌ای از جانوران مانند

کژدم، عنکبوت، کنه و وابستگان آنها، که عموماً خشکی‌زی هستند و هوا تنفس می‌کنند، ولی برخی شکل‌های دریازی نیز در میان آنها هست.

Arboriculture.

بررسی اصل‌های پرورش درخت و بوته.

Archaeology (Archeology).

بررسی علمی فرهنگ اقوام باستان بویژه در دوره‌های پیش از تاریخ و کهن، از روی بازمانده‌های سنگواره‌ای و کارهای دستی آنان، و جز اینها.

Architecture.

دانش و فن طرح‌ریزی و ساختن بناهای گوناگون.

Architecture, landscape.

هنر طرح‌ریزی و اجرای نقشه‌هایی برای زیبا کردن قطعه زمینی از راه تنظیم و ترتیب درختان و بوته‌ها و گل‌ها بدان سان که با ساختمان‌های مجاور هماهنگ باشند.

Architecture, naval.

شاخه‌ای از تکنولوژی که به طرح‌ریزی و ساختن کشتی‌ها می‌پردازد.

Arithmetic, advanced.

گسترشی از دانش حساب که بنیادهای منطقی حساب و پیوستگی آن را با نظریهٔ شمارها بررسی می‌کند.

Arithmetic, elementary.

دانش شمارش با رقم‌های درست (۱، ۲، ۳، و جز اینها) و انجام دادن عمل‌هایی با آنها. این عمل‌ها شامل افزایش، کاهش، بسط‌بسیار، به‌توان رسانی، ریشه‌گیری و بکار بردن لگاریتم می‌باشد.

Aromatics.

شاخه‌ای از شیمی کاربردی که موادی را که در عطر سازی یا برای از میان بردن بوهای ناخوش بکار می‌رود بررسی می‌کند.

Arts.

[کوشش آدمی برای تقلید، تکمیل، و تغییر کار طبیعت یا بی‌اثر و خنثی ساختن آن از راه ایجاد یا تنظیم آگاهانه آواها، رنگها، شکلهای حرکتها، و جزاینها به شیوه‌ای که برحس زیبایی آدمی اثر گذارد.]

Arts, fine.

نام گروهی برای آن دسته هنرها (arts) که صرفاً نه به خاطر سودمندیشان، بلکه به علت جاذبه‌ای که برای حس زیبایی آدهی دارند، رواج یافته‌اند.

Arts, industrial.

هنرهای (arts) که برای طرح‌ریزی و ساختن چیزها به میزان وسیع (mass production) بوسیلهٔ افزارهای ماشینی و یا فرایندهای غامض و پیچیده، مستلزم مهارت فنی بسیار تخصصی است.

Arts, useful.

پیشه‌هایی مانند فلزکاری، ساخت چیزهای چوبی، جواهر سازی، صحافی، چاپ سنگی و جزاینها که مستلزم داشتن مهارت، ورزیدگی، چابکدستی، کارآموزی فنی در ساختن چیزهای یکتا با طرحهای دلپذیر با ابزارهای ساده می‌باشد.

Aspirational sciences.

بخشی از رشتهٔ کلی سیستم zetetic دانش که گونه‌های بسیاری از طرحها و الگوهای ایدئولوژیکی را که منعکس‌کنندهٔ عالیت‌ترین آرزوهای بشری هستند بررسی می‌کند. وظیفهٔ آن راهنمایی به سوی هدفهائی است و رای بلندپروازیهای شخصی و اقتصادی و خودخواهانه.

Assyriology.

بررسی آشور باستان و فرهنگ آن.

Astrochemistry.

بررسی ساختمان شیمیائی اجرام فلکی، بویژه بررسی ترکیب جوهای آنها.

Astrodynamics.

شاخه‌ای از مکانیک آسمان که مسئله‌های مربوط به موشکها، بویژه رهبری موشکها در فضا را بررسی می‌کند.

Astrology.

فنی باستانی بر بنیاد نظریه حکومت خدا یا خدایان بر جهان و بر بنیاد این فرض که سرنوشت افراد و دولتها را می‌توان از روی وضع نسبی ستارگان و دیگر جرمهای فلکی پیشگویی کرد.

Astrometry.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که به اندازه‌گیری وضع، حرکت و فاصله سیاره‌ها، ستارگان و دیگر جرمهای فلکی می‌پردازد.

Astronautics.

دانشی که اصول ساختمان، بکار انداختن و راندن ناویزها را در سفر به فضای میان سیاره‌ها بررسی می‌کند.

Astronomy.

دانش مربوط به سیاره‌ها و ثوابت، ستارگان دنباله‌دار، کهکشانها و دیگر مجموعه‌های جرمهای فلکی. این دانش قدر، فاصله‌های نسبی، حرکت، درخشندگی و چیزهای دیگر آنها را بررسی می‌کند.

Astronomy, nautical.

بخشی از ستاره‌شناسی که به بررسی مسئله‌ها و افزارهای ناوبری (navigation) فضائی می‌پردازد.

Astronomy, optical.

بررسی روشها و افزارهای اپتیک (optic) که در ستاره‌شناسی بکار می‌رود.

Astronomy, spherical.

آن شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که به تعیین وضع و موقعیت جرمهای آسمانی بر روی کرهٔ فلک می‌پردازد.

Astrophotography.

روشی است در پژوهشهای ستاره‌شناسی بوسیلهٔ عکسبرداری.

Astrophysics.

دانشی است که فرایندهای فیزیکی فعال در جرمهای فلکی را که در نتیجهٔ آنها گرما، نور، تشعشع‌های الکترومغناطیسی و نیز الکترونها و ذره‌های هسته‌ای صادر می‌شود، بررسی می‌کند.

Audiology.

شاخه‌ای از روانشناسی آزمایشی که به بررسی شنوایی و وظیفه‌ها و دامنهٔ (range) آن، و نیز سازه‌های محدود کنندهٔ آن می‌پردازد.

Audiometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری شنیداری (audibility) یا شدت آواها.

Autecology.

بخشی از بومشناسی گیاهی (plant ecology) که رابطهٔ يك نوع (species) از گیاهان یا يك گیاه را با محیط آن بررسی می‌کند.

Autoradiography.

بررسی چیزهائی مانند اندامها و بافتها و جزاینها از راه رادیو آکتیو کردن آنها، و سپس پرتونگاری (radiophotography)

از آنها.

Aviation.

دانش و فن بکار انداختن و پرواز با هواپیماها.

Aviculture.

بررسی روشهای پرورش پرندگان.

Avigation.

دانش و فن هواپیما رانی.

Axiology.

نظریه ارزشها، ماهیت، گونه‌ها، ملاکها و وضع آنها در متافیزیک، و نقش آنها در علم اخلاق، زیباشناسی، دین، و از چندی پیش، در اقتصاد.

Axonology.

شاخه‌ای از پی‌شناسی که فیزیولوژی زائده دراز یاخته عصبی را که آکسون (axon) نام دارد بررسی می‌کند.

B

Bacteriology .

شاخه‌ای از میکروشناسی که از ریختشناسی (morphology)، تولیدمثل، فعالیت شیمیائی و خواص دیگر باکتریها، بویژه اثر فیزیولوژیکی آنها بر سازواره‌های دیگر بحث می‌کند.

Bacterioscopy.

روشهای پژوهش در باکتریها از راه آزمایشهای ریزبینی.

Ballistics.

شاخه‌ای از مکانیک که حرکت پرتابه‌ها (projectiles) را بررسی می‌کند.

Ballistocardiography.

شاخه‌ای از پزشکی که رویه‌های بالینی و تشخیصی را در تعیین اختلالات قلب و دستگاه گردش خون به وسیلهٔ ballistocardiogram بررسی می‌کند.

Balneology.

دانش اثر درمانی شستشو در آبهای معدنی.

Barometry.

بررسی روشهای تعیین و ثبت فشار جو.

Bathometry.

بررسی روشهای تعیین ژرفای دریا بدون استفاده از ریسمان ژرفاسنج (sounding line) .

Behavioral sciences.

نامی گروهی برای دانشهایی که جنبه‌های زیستشناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی رفتار آدمی و جانوران را بررسی می‌کنند.

Benthology.

بررسی گیاهان و جانوران ته دریاها و نیز ته آبهای شیرین.

Bibliography.

شاخه‌ای از دانش کتابداری که به بررسی سیستماتیک جنبه‌های تاریخی و فنی دستنویسها و کتابها می‌پردازد.

Bibliotics.

بررسی سندهای نوشته شده ، بویژه برای پیدا کردن نویسنده آنها.

Bioacoustics.

بررسی اثرهایی که آواها ، بویژه آواهای فراشنیداری (ultrasonic) در ماهیچه، پی، مغز و بافتهای دیگر پدید می‌آورند.

Bioassay.

اصولی که بوسیله آنها می‌توان به یاری يك معرّف زیستشناسی (biological indicator) توان يك سازه فیزیکی، شیمیائی، یا زیستشناسی را تعیین کرد.

Biocalorimetry.

شاخه‌ای از bioenergetics که به تعیین مقدار گرمائی که در فعالیتهای گوناگون تن، تولید یا مصرف می‌شود، می‌پردازد.

Biochemistry.

دانشی که خواص شیمیائی مواد و فرایندهای فیزیکی و شیمیائی (physicochemical) وابسته به زندگی سازواره‌ها (organisms) را بررسی می‌کند.

Biochemistry, comparative.

بررسی خواص فیزیکی و شیمیائی (physicochemical) موادی که بودنشان در همه شکل‌های زندگی بایسته است، بویژه بررسی ویژگیهای فیزیکی و شیمیائی یگانه میلیون‌ها نوع سازواره زنده از لحاظ فرگشت.

Biochemistry, physical.

بخشی فرعی از زیستشیمی که جنبه‌های فیزیکی این دانش را مانند نقش فشار اسموزی، اپتیک محلول‌ها (solution optics)، چسبناکی (viscosity) و نشت (diffusion) و الکتروفورز یا برقبری (electrophoresis) بررسی می‌کند.

Bioclimatology.

دانشی که تأثیر محیط فیزیکی را بر انسان، جانور و گیاه بررسی می‌کند.

Biocoenology.

اصطلاحی است که الکساندر فون هومبولت (Alexander von Humboldt) برای بررسی اجتماعات زیستشناسی وضع کرده است. نگاه کنید به sociology, plant.

Biodynamics.

شاخه‌ای از زیستشناسی که فعالیت‌های حیاتی سازواره‌ها را بررسی می‌کند.

Bioecology.

بخشی از بومشناسی که وابستگی‌های میان سازواره‌های زنده را بررسی می‌کند.

Bioeconomics.

همان economic biology است.

Bioelectricity.

بررسی فرایندهایی که در سازواره‌های زنده برق تولید می‌کند.

Bioenergetics.

شاخه‌ای از energetics همگانی که تبدلات انرژی را در چیزهای زنده بررسی می‌کند.

Bioengineering.

بررسی وسیله‌های تکنولوژیکی که برای سازگار کردن جانوران، و بویژه آدمیان، با اوضاع و احوال جدید محیط‌زیست (مانند مسافرت به فضا) بایسته است.

Biogenesis (Biogeny).

بررسی منشأ و تکامل سازواره‌های زنده، و اصل‌های گوناگونی که از آن ناشی می‌شود.

Biogeography.

دانشی که پراکندگی سازواره‌های زنده را بر روی زمین بررسی می‌کند.

Biography.

گونه‌ای از ادبیات که سیر پیشامدها و تجربه‌ها را در زندگی کسی حکایت می‌کند.

Biolinguistics.

بررسی زبان و رفتار ارتباطی (communicative) به عنوان یکی از فعالیت‌های زیستی موجود زنده.

Biologism.

آن سیستم‌های فلسفی که مبتنی بر روش‌های توجیه فرگشتی (evolutionary) هستند و از دیدگاه زیستشناسی فرمول‌بندی شده‌اند.

Biology.

دانش زندگی، آن چنان که از بررسی شکلها، ساختها، وظیفه‌ها، رفتار و تکامل سازواره‌های زنده آشکار می‌شود.

Biology, aquatic.

زیستشناسی جانورانی که در آب زندگی می‌کنند.

Biology, economic.

بررسی بهره‌برداری از دانشهای زیستشناسی برای برآوردن نیازهای آدمی، از راه پژوهش و کنترل و بهسازی وابستگیهای متقابل آدمی با گیاهان و جانوران.

Biology, marine.

شاخه‌ای از زیستشناسی آبزیان که دربارهٔ جانورانی که در آبهای شور زندگی می‌کنند بررسی می‌کند.

Biology, mathematical.

کاربرد مفهوما و تکنیکهای ریاضی در مسائل genetics ، بوم-شناسی، فرگشت، فیزیولوژی و دیگر دانشهای وابسته به زیستشناسی.

Biology, molecular.

شاخه‌ای از زیستشیمی (biochemistry) که دربارهٔ پیوستگیهای متقابل میان ژنتیک (genetics)، شیمی فیزیکی، زیستشیمی مهمولکولها و فیزیک شیمیائی بحث می‌کند. بیشتر ساختمان مهمولکولهای فعال در فرایند بازگشت و تکرار ژنتیکی (genetic replication) را بررسی می‌کند.

Biology, regulatory.

بررسی مکانیسمهای کنترل زیستشناسی، بویژه آنها که مبتنی بر اصل homeostasis هستند و کارهای يك سازواره زنده‌را، به‌عنوان يك کل، منظم و پایدار نگه می‌دارند.

Biology, submolecular.

بهره‌گیری از مکانیک کوانتومی (quantum mechanics) در بررسی پدیده‌های زیستشناسی، بویژه در زیستشیمی.

Bioluminescence,

شاخه‌ای از زیستفیزیک (biophysics) که فیزیولوژی صدور نور از سازواره‌های زنده را بررسی می‌کند.

Biomagnetics.

بررسی اثرهایی که میدانهای مغناطیسی بر پدیده‌های زیستی مانند تقسیم نامستقیم یاخسته‌ها (mitosis)، گرایش یاخسته‌ها به سوی یکدیگر، افزایش گویچه‌های سفیدخون (leucocytosis)، و رشد غده‌ها (tumor) می‌گذارند.

Biomedical engineering.

آن شاخه‌ای از تکنولوژی که پیشرفتهای زیستشناسی، سیرنیک و الکترونیک را در پزشکی و نیز در جراحی اندامهای اصلی، بویژه در عوض کردن اندامها، بکار می‌برد.

Biometeorology.

بررسی اثرهای آب و هوا بر جانداران.

Biometry.

همان biometrics است.

Biometrics.

بررسی آماری جانداران، بویژه درازی احتمالی عمر آنها، و همانندیا و تفاوتی که گروههای وابسته بهم را مشخص می‌گرداند.

Biomicroscopy.

بررسی سازواره‌های زنده از راه مشاهده با ریزبین.

Bionics.

بررسی اصول، طراحی و ساختن افزارهای مهندسی که کار و وظیفه آنها شبیه به وظیفه‌هایی است که از بررسی سازواره‌های زنده دانسته شده است.

Bionomics.

همان ecology است.

Biophysics.

بررسی فرایندهای فیزیکی‌ای که در سازواره‌های زنده روی می‌دهد، همچون تحریک برقی و bioacoustic پیه‌ها، صدور گرما، biolumin - escence و موجهای مغزی.

Biophysics, molecular.

ترکیب بخشی از شیمی فیزیکی با دانشهای زیستی برای بررسی

پدیده‌های زیستی در سطح مولکولی.

Biorheology.

بررسی خواص شکل‌پذیری (plasticity) و روانی خون و دستگاههای (systems) زیستی دیگر.

Biosociology.

شاخه‌ای از بومشناسی که اجتماعات گیاهان و جانورانی را که در طبیعت با هم زندگی می‌کنند بررسی می‌کند.

Biostatistics.

بخشی از فیزیولوژی که وابستگی ساختمان سازواره‌ها را باوظیفه‌های آنها بررسی می‌کند.

Biotechnology.

بررسی وابستگیهای میان آدمی و ماشین به منظور ایجاد تکنیکهای سودمند برای طرحریزی و ارزشیابی ماشینها.

Biotypology.

بررسی ساختمان آدمی از نظر کالبدشناسی، فیزیولوژی، و روانشناسی.

Bolometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری گرمای تشعشعی بویژه در طیف.

Botany (Phytology).

شاخه‌ای از زیستشناسی که به بررسی گیاهان می‌پردازد.

Botany, chemical.

بررسی شیمی موادی که گیاهان می‌توانند بسازند (synthesis)، بویژه ترکیبهای آلی، و ایجاد، جدا سازی (isolation) و مشخص ساختن آنها، و راههای سوخت و سازشان.

Botany, systematic.

کاربرد رده‌بندی علمی (taxonomy) در گیاهشناسی.

Bronchoesophacology.

شاخه‌ای از پزشکی که بررسی نایژه‌ها (bronchial tubes) و سرخنای (مری: esophagus) کار آن است.

Bronchoscopy.

بررسی روشهای معاینه و درمان نایژه‌ها.

Bryology.

شاخه‌ای از گیاهشناسی که دربارهٔ خزه‌های حقیقی، غافث یا حشیشة الطحال (liverwort) و دیگر گیاهان گروه بریوفیتها (bryophyta) بحث می‌کند.

C

Cocogenics.

بررسی سازه‌هایی که سبب خرابی نژاد می‌شود.

Calculus, differential

شاخه‌ای از آنالیز مقادیر بسیار خرد که با تغییر يك تابع به ازای تغییرات يك متغیر یا متغیرهای مستقل سروکار دارد. کار اساسی آن به دست آوردن مشتقهاست همچون یافتن درچند (rates) تغییرات يك تابع در هر لحظه. از آن در بررسی شیب خمها، شتابها، تندیاها، و جز آن استفاده می‌شود.

Calculus, infinitesimal.

اصطلاحی است که شامل هم حساب دیفرانسیل می‌گردد و هم حساب

انتگرال .

Calculus, integral.

بخشی از آنالیز ریاضی که دربارهٔ انتگرالگیری ، یعنی عمل یافتن تابع اصلی يك مشتق داده شده ، بررسی می کند . از آن در تعیین مساحت ، گنج ، چگالیگاه (centroid) و همچنین خمها ، و نیز برای حل همپندیهای دیفرانسیلی استفاده می شود.

Calculus of differences.

نظریهٔ اختلافهای محدود (finite) که کار آن بررسی اختلافهای پیاپی اعضای مجموعهٔ (یا رشتهٔ) مرتبی از شمارهاست.

Calculus operational.

بخشی فرعی از ریاضیات که در آن از اپراتورها (operator) برای نمادین کردن دستورهای مربوط به انجام فرایندها یا عملیات استفاده می شود ، برای آنکه مسئله های دیفرانسیلگیری و انتگرالگیری ساده شود.

Calculus of quaternions.

جبر بُردارها ، و آن تعمیمی است از میدان مختلط که بتدریج به صورت آنالیز بُرداری (vector analysis) نوین درآمده است.

Calculus of variations.

نظریهٔ مسئله هایی که متضمن بیشینه ها و کمینه های انتگرالهای معین (definite) هستند، و در آنها از تابع معلوم متغیرها و مشتقهای آنها انتگرال گرفته می شود .

Calendrical science.

بررسی دستگاههایی که برای بخش بندی زمان (به سال، ماه ، هفته و روز) از روی حرکت جرمهای آسمانی به کار می روند، و این بخش - بندیها در تنظیم فعالیت های آدمی به کار گرفته می شود .

Calisthenics.

دانش ورزشهایی که برای نیرومند و خوش اندام کردن بدن ، بی بهره گیری از افزارهای ورزشی ، طرحریزی شده است.

Calligraphy.

هنر خط نویسی آن چنانکه در طرح و اجرا به صفت‌های زیبا (aesthetic qualities) آراسته باشد.

Calorimetry.

بررسی روش‌های اندازه‌گیری گرمائی که از مالش ، سوختن ، واکنش‌های شیمیائی و جز اینها پدید می‌آید.

Campanology.

دانش طرحریزی زنگ‌ها و هنر نواختن آنها.

Cardiography.

بررسی روش‌های ثبت حرکتهای قلب.

Cardiology.

دانشی که به بررسی قلب ، ساختمان آن ، و ویژگیهای کار و بیماریهای آن می‌پردازد .

Carpology.

بخشی از کالبد شناسی گیاهی که ساختمان میوه ها و دانه ها را بررسی می‌کند .

Cartography.

دانش و هنر طرحریزی، رسم و به وجود آوردن نقشه‌های جغرافیائی و جز آنها.

Case system.

روشی است در آموزش قانون و حقوق (law) ، و آن چنین است

که برگزیده‌ای از رخدادهای حقوقی را به عنوان پایه اولیه بررسی، مطالعه می‌کنند.

Catalysis

شاخه‌ای از شیمی فیزیکی که اثرات مقدار نسبتاً کوچکی از یک ماده بیگانه را که به واکنشهای شیمیایی شتاب می‌دهد، بی آنکه خود دچار دگرگونی مادی شود، بررسی می‌کند.

Cataphoresis.

بخشی از فیزیک که اثر حرکتی (kinetic) نیروهای محرکه برقی (electromotive forces) را بر ذره‌های دج (جامد) معلق در آبگونه‌ها بررسی می‌کند.

Catoptrics.

بخشی از اپتیک هندسی (geometrical optics) که پدیده‌های نوری بازتابنده از آینه‌ها را بررسی می‌کند.

Centrography.

شاخه‌ای از دموگرافی (demography) که روشهای (تکنیکهای) آماری مربوط به توزیع جغرافیایی جمعیتها را بررسی می‌کند. نیز با تعیین مرکزهای جمعیت، مرکزهای میانگین (median centers)، و جابه‌جا شدن چنین مرکزهایی سروکار دارد.

Cephalometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری کاسه سر.

Ceramics.

تکنولوژی مواد دیرگداز یا نسوز (refractory).

Characterology.

بررسی آدمیان و رده‌بندی آنان از روی رفتار آنان.

Chemistry.

دانشی است که بررسی ترکیب ، ساختمان و رفتار مواد ، و از جمله، واکنش و تجزیه و ترکیب آنها را شامل می‌شود.

Chemistry, analytical.

شاخه‌ای از شیمی که تجزیه (آنالیز) یک جسم مرکب یا یک آمیزه را به جزء ها یا عنصرهای سازنده آن با روشهای کیفی یا کمّی بررسی می‌کند .

Chemistry, analytic, automatic.

بررسی روشهای خودکار تجزیه شیمیائی.

Chemistry, clinical.

پژوهش شیمیائی در خون ، پیشاب ، زرداب و جز اینها برای بازشناسی یک بیماری و تعیین سیر و پیشرفت آن.

Chemistry, colloid.

شیمی_حالتی از ماده که به صورت ذره‌های بسیار ریز در جسمهای دج، آبگونه‌ها یا گازها پراکنده باشد، و ذره‌های آن قطری نزدیک به 10^{-7} تا 10^{-5} سانتیمتر داشته باشند.

Chemistry, cosmic.

کاربرد شیمی درمسائل مربوط به زمین، زندگی و دانشهای فضائی.

Chemistry, food.

بررسی خواص شیمیائی مواد خوراکی.

Chemistry, inorganic.

بخشی فرعی از شیمی که عناصر شیمیائی و ترکیبهای آنها را ، از جمله کربن و اکسیدها و سولفورهای آن را بررسی می‌کند ، اما به ترکیبهای دیگر کربن کاری ندارد.

Chemistry, macromolecular.

شیمی موادی که از مولکولهای غول پیکر (giant molecules) تشکیل یافته‌اند.

Chemistry, nuclear.

شاخه‌ای از شیمی که به بررسی واکنشهای هسته‌ای می‌پردازد.

Chemistry, organic.

شیمی همه ترکیبهای کربن بجز ترکیبهای ساده‌تر آن مانند اکسیدها و سیانوزن و جز آن. شامل بررسی ترکیبهای پیچیده کربنی موجود در مواد زنده نیز می‌شود.

Chemistry, physical.

دانشی است که بستگیهای متقابل جنبه‌های فیزیکی و شیمیایی پدیده‌ها را بررسی می‌کند.

Chemistry, surface.

بررسی اثرهای موئینگی (capillarity)، انرژی سطحی، کشش سطحی (surface tension) بارهای برقی سطحی، پتانسیلها، رسانائی، جذب و جز آنها بر خواص شیمیایی رویه‌ها.

Chemotaxonomy.

شاخه‌ای از taxonomy که به بررسی ترکیبهای شیمیایی موجود در جانوران و گیاهان به عنوان نشانه‌هایی از پیوستگیهای فیلوژنی (phylogenetic relationships) می‌پردازد.

Chemotherapeutics.

روشهای درمان بیماریها با عاملهای (reagents) شیمیایی‌ای که خردسازواره‌های بیماریزا را نابود می‌کنند.

Chemurgy.

شاخه‌ای از شیمی کاربردی که با بهره‌گیری صنعتی از مواد آلی‌ای

که معمولاً مشتق از فرآورده‌های کشاورزی می‌باشد، سروکار دارد.

Chiropody.

بررسی روشهای درمان بیماریهای پا.

Chiropractic.

راه و روشی است برای درمان برخی از بیماریها، بوسیله دستمالی مفصلهای تن و مهره‌های پشت.

Choreography.

هنر ترکیب و تنظیم و طرح‌ریزی حرکتهای رقص، بویژه برای باله.

Chorography.

بررسی توصیفی يك ناحیه یا بخش، و فراهم کردن نقشه عوارض طبیعی آن ناحیه.

Chrematistics.

بخشی از دانش اقتصاد سیاسی در باره اداره و تنظیم دارائی و املاک.

Christology.

بخشی از علم الهیات که از ذات و شخصیت مسیح بحث می‌کند.

Chromatics.

بخشی از رنگسنجی (colorimetry) که از درجه‌های گوناگون (shades) رنگها و اشباع (saturation) رنگ بحث می‌کند.

Chromatography.

روشی است در تجزیه (آنالیز) ترکیبات از راه جذب گزینشی (selective) مواد محلول رنگین بوسیله کاغذ صافی جذب کننده.

Chromatology.

دانش فرآوری و تجزیه رنگها.

Chromolithography.

شاخه‌ای از تکنولوژی که از فرآوردن تصویرهای رنگین با بهره‌گیری از فرایندهای چاپ سنگی (lithography) بحث می‌کند.

Chromophotography.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با برداشتن عکس به‌رنگهای طبیعی سروکار دارد.

Chronography.

بررسی روشهای ثبت زمان.

Chronology.

دانشی که زمان رخ دادن پیشامدهای گذشته را مورد پژوهش قرار می‌دهد، و سپس آن پیشامدها را برحسب تاریخ رخ دادنشان مرتب می‌کند.

Chronometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری زمان برحسب فاصله‌ها یا سنجشهای معین.

Chronoscopy.

بررسی روشهای اندازه‌گیری فاصله‌های بسیار کوتاه زمان.

Chronotopology.

بررسی پیوستگی درونی (intra-connectivity)، ماهیت یا ساختمان زمان و این که چگونه این ساختمانها در عمل یا در رابطه متقابل (interrelation) کار می‌کنند.

Chymistry.

واژه‌ای است مهجور برای chemistry.

Cinefluorography.

روشهای تهیه و بررسی فیلمهای سینمایی که به‌روش فلوروسکوپی

(fluoroscopy) برداشته شده است.

Cinematography.

بررسی روشهای عکسبرداری از چیزهای متحرك.

Citriculture.

شاخه‌ای از میوه‌شناسی (pomology) که به بررسی کشت و پرورش مرکبات می‌پردازد.

Civics.

شاخه‌ای از علوم سیاسی که حقوق و وظیفه‌های شهروندی (citizenship) را بررسی می‌کرد.

Classics.

شاخه‌ای از فیلولوژی (philology) که به بررسی ادبیات باستان، بویژه ادبیات یونان و روم می‌پردازد.

Climatology.

شاخه‌ای از زمینفیزیك که پدیده‌هایی را که سبب پیدایش آب و هواهای گوناگون بر روی زمین می‌شود، بررسی می‌کند.

Codicology.

بررسی دستنویسها (نسخه‌های خطی).

Colorimetry.

بررسی روشهای تعیین و تشخیص رنگها یا اندازه‌گیری شدت رنگها.

Cometography.

بررسی ستارگان دنباله‌دار.

Conceptology.

بررسی پیدایش، کاربرد، رواج و از میان رفتن مفهوما (concepts) در جریان تکامل هنرها و دانشها.

Conchology.

بررسی صدفها و نرمتنان به عنوان شاخه‌ای از جانورشناسی و دیرینجانورشناسی (paleozoology) .

Configurationism.

بررسی روانشناسی بر بنیاد این فرض که فعالیت‌های ذهنی، به‌ویژه ادراک حسی (perception)، مبتنی است بر سازمان ذهن به‌عنوان یک کل. این اصطلاح برابر واژه آلمانی Gestaltpsychologie می‌باشد.

Conics.

شاخه‌ای از هندسه که بُرش‌های مخروطی را بررسی می‌کند.

Conservation of natural resources.

بررسی راه‌های حفظ و نگهداری منابع طبیعی، همچون زمینهای کشتنی (arable)، جنگلها، دریاچه‌ها، جانوران، پرندگان و ماهیان.

Copernican system.

مکانیک آسمان (celestial mechanics) آن‌چنان که کوپرنیک (Copernicus) بر بنیاد این اندیشه که زمین‌گردِ محورش می‌چرخد و سیاره‌ها، از جمله زمین، در مدارهایی به دور خورشید می‌گردند، پرداخته است.

Coprology.

شاخه‌ای از دیرینشناسی که پیکالهای (feces) سنگواره شده را بررسی می‌کند.

Coronagraphy.

بررسی تاج خورشید.

Corpuscular theory.

نظریه‌ای درباره‌ی نور که نیوتون (Newton) عرضه کرده است و

آن بر بنیاد این فرض است که جسمهای نورانی ذره‌هایی از خود صادر می‌کنند که به خط راست حرکت می‌کنند.

Cosmeticology.

همان cosmetology است.

Cosmetology.

تکنولوژی مواد آرایش (cosmetics)

Cosmochemistry.

شاخه‌ای از cosmogony که اجزای شیمیایی سازنده جهان نجومی، عناصر وهسته‌های (nuclides) آن، و فراوانی مکانیسم آفرینش آنها را بررسی می‌کند.

Cosmogony.

دانشی است که با cosmology منشأ، فرگشت و پیدایش زمین و منظومه خورشیدی و جرمهای آسمانی دیگر را بررسی می‌کند.

Cosmography.

دانشی که ساختمان عمومی کیهان را توصیف می‌کند.

Cosmology.

۱- نام دیگری برای cosmogony.

۲- آن بخش از متافیزیک که در زیر عنوان «فلسفه طبیعت» جای دارد و از نظم جهان بحث می‌کند.

Counterpoint.

بخشی است از هنر و دانش آهنگسازی که با بافت یا ترکیب قطعات موسیقی سر و کار دارد. در آن از اصول ایجاد تأثیرهای (effects) استتیک معنیدار از راه ایجاد فاصله‌های مناسب در خطوط ملودی همزمان بحث می‌شود.

Craniology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که به‌روش تطبیقی اندازه، شکل و نسبت‌های کاسه سر آدمی را بررسی می‌کند.

Craniometry.

شاخه‌ای از استخوانسنجی (osteometry) که با تعیین ابعاد و نسبت‌های کاسه سر که مشخص جنس (sex)، نژاد و مرحله‌های گوناگون تکامل می‌باشد، سروکار دارد.

Criminology.

بررسی بزه‌ها، جلوگیری از آنها و کوششهایی که برای تنبیه بزهکاران یا بازگرداندن آنان به‌زندگانی سودمند می‌توان کرد.

Criticism, higher.

کاربرد روشهای علمی در بررسی ادبیات و بویژه در بررسی «کتاب مقدس» (Bible).

Criticism, art.

هنر داوری درباره صفتها و ارزشهای يك اثر استتیک در ادبیات یا در هنرهای زیبا.

Crybiology.

بررسی اثر دماهای بسیار کم (ultra-low) در رفتار و نگهداری سازواره‌هایی مانند یاخته‌ها، منی، بافتها، خون، مغز استخوان و مواد زیستی دیگر.

Cryogenic engineering.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با سردسازی (refrigeration)، یعنی روشها و مواد و لوازم پدید آوردن دماهای کم سروکار دارد.

Cryogeny.

همان cryogenic engineering است.

Cryopedology.

شاخه‌ای از خاکشناسی (pedology) که خاکهای یخبسته را بررسی می‌کند.

Cryophysics.

شاخه‌ای از فیزیک که به بررسی پدیده‌ها و خواص مواد در دماهای بسیار کم می‌پردازد.

Cryoscopy.

بررسی روشهای تعیین نقطه انجماد آبگونه‌ها.

Cryptoanalysis.

بررسی روشهای کشف رمز متنهاى رمزى.

Cryptography.

فن نوشتن به زبان رمز چنان‌که مضمون نوشته تنها بر کسانی روشن باشد که کلید سیستم رمز را بدانند. مانند تئد نویسی (stenography).

Crystallogeny.

شاخه‌ای از بلورشناسی (crystallogeny) که پیدایش بلورها را بررسی می‌کند.

Crystallography.

شاخه‌ای از فیزیک که پدیده تبلور را بررسی می‌کند، و نیز شکل ویژه، ساختمان و خواص فیزیکی بلورها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

Crystallography, chemical.

بررسی جنبه‌های شیمیائی بلورها، بویژه آن‌چنان‌که در تجزیه و تحلیل با پرتو ایکس آشکار می‌شود.

Crystallogoly.

اصطلاحی است که هم crystallogeny و هم crystallography را

دربار می‌گیرد.

Crystallometry.

آن شاخه از بلورنگاری (crystallography) که با نظریه ریاضی، روشهای ترسیمی (گرافیک) و افزارهائی که در اندازه‌گیریهای مربوط به تعیین ساختمان ویژه بلورها به کار می‌روند، سروکار دارد.

Culturology.

دانش فرهنگ بشری.

Cybernetics.

بررسی و طراحی سیستم‌هایی که عناصر آنها چنان ترکیب و به یکدیگر پیوسته شده‌اند که فعالیت بخشی از سیستم یا همه آن را بوسیله «پسخوراند» (feedback) قابل کنترل می‌سازد. نمودار چنین سیستم‌هایی ممکن است یک ماشین، یک دستگاه ارتباطی (communication device)، یک شمارگر (computer)، یک وظیفه و عمل زیستی، یا یک سازمان، یا ترکیبی از همه اینها باشد.

Cybernetics, social.

همان بخش کنارشی (regulative) سیستم zetetic دانش و شناخت است.

Cyclotomy.

بخشی از هندسه مسطحه که به تقسیم پیرامون دایره به بخشهای برابر و ساختن چندبرهای منتظم (regular polygons) می‌پردازد.

Cytochemistry.

شاخه‌ای از زیستشیمی که ساختمان شیمیائی و واکنشهای مواد موجود در یاخته‌ها را بررسی می‌کند.

Cytogenetics.

دانشی است که بنیاد ساختمانی وراثت و یاخته‌های وابسته را با هم

بررسی می‌کند.

Cytology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که با ساختمان، فرایندهای عضوی و وظیفه یاخته‌ها سروکار دارد.

Cytopathology.

بررسی آسیب‌شناسی یاخته‌ها، بویژه آسیبی که باکتریها و ویروسها به یاخته‌ها می‌رسانند.

D

Dactylogy

دانش و هنر پیام‌رسانی و برقرار ساختن ارتباط با دیگران از راه علامت دادن با انگشتان.

Daguerreotypy.

یکی از نخستین روشهای عکسبرداری بوده است.

Dairy science.

بررسی شیر، منبع و فرآورده‌های آن.

Darwinism.

نظریه چارلز داروین (Charles Darwin) که بنا بر آن همه شکل‌های سازواره‌های زنده از چند شکل معدود یا از يك شکل زندگی بدوی، در نتیجه فرایند گزینش طبیعی در ستیز برای زندگی پدید آمده‌اند.

Defense, national.

بررسی وسیله‌ها و راههای دفاع از استقلال و منافع ملی.

Demography.

شاخه‌ای از دانش آمار که شرایط زندگی مردمان، پراکندگی

جغرافیائی آنها و بویژه زاد و مرگ، زناشوئی آنها، و مسائلی جز اینها را بررسی می‌کند.

Demonology.

بررسی اعتقادات مردم به دیو و جن آن چنان که در فولکلور، اساطیر (میتولوژی) و مذهب آمده است.

Demotics.

بررسی مردم. این اصطلاح در فهرستنویسی در کتابخانه‌ها به جای جامعه‌شناسی در فراخترین معنای آن، بکار می‌رود.

Dendrochronology.

شاخه‌ای از geochronology که هدف آن تهیه گاهنامه‌ای (calendar) است برای تعیین تاریخ رویدادهای آب و هوایی سه هزار سال اخیر از روی تجزیه و تحلیل حلقه‌های تنه درختان.

Dendrology.

بخشی از دانش جنگل‌داری (forestry) که در باره رده‌بندی، مورفولوژی (morphology) و پراکندگی جغرافیائی درختان بحث می‌کند.

Densitometry.

تکنیک‌های اندازه‌گیری چگالی نور عکسها.

Densitometry, bone.

تکنیک تعیین چگالی استخوانهای آدمی و جانوران.

Dentistry.

بررسی بیماریهای دندان، درمان آنها و جایگزین کردن آنها با دندانهای ساختگی.

Deontology.

سیستمی است سودگرا (utilitarian) در علم اخلاق که در آن به اندیشه و وظیفه یا الزام اخلاقی بیشتر از اندیشه حق یا خیر اهمیت

داده می‌شود.

Dermatoglyphics.

بررسی طرحها و نقشهای کف دست آدمی از نظر کالبدشناسی به عنوان نشانه‌هایی از بیماریهای کمیاب چشم و بیماریهای ارثی قلب، و جزاینها.

Dermatology.

دانشی که درباره پوست، بیماریهای پوست و درمان آنها بررسی می‌کند.

Dermatophytology.

بررسی قارچ‌هایی که پوست را بیمار می‌سازند.

Design, industrial.

بررسی طرح‌هایی مربوط به تولیدهای صنعتی وسیع (با تأکید بر ظاهر خوشایند آنها).

Determinism.

این عقیده که هر واقعیتی در جهان پیرو قانون است، و اینکه پیش-آمدهای آینده را رویدادهای گذشته تعیین می‌کنند.

Deuteronomy.

شاخه‌ای از فیزیک که ترکیب دئوترون‌ها (deuterons) و هسته‌های دیگر را که در اوایل تاریخ منظومه خورشیدی وجود داشته است، بررسی می‌کند.

Diagnostics.

بخشی از پزشکی که به تعیین بیماری از راه تشخیص نشانه‌ها و علامتهای آن می‌پردازد.

Dialect geography.

همان گویش‌شناسی (dialectology) است.

Dialectics.

شاخه‌ای از منطق فلسفی که حالات بنیادی استدلال دقیق را آن‌چنان‌که پیاپی در آثار سقراط، افلاطون، ارسطو، رواقیان، کانت، هگل و مارکس و انگلس آمده است، منعکس می‌کند.

Dialectology.

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که گویشهای (dialects) گوناگون یک سیستم زبانی را بررسی می‌کند. و موادی را که پراکندگی جغرافیائی آنها را نشان می‌دهد گردآوری می‌کند.

Diamagnetism.

شاخه‌ای از فیزیک که خواص مغناطیسی موادی را بررسی می‌کند که ضریب نفوذپذیری (permeability) آنها کمتر از یک است.

Diathermy.

بررسی گرم کردن بافتهای زیر پوست بوسیله نوسانهای برقی پر-بسامد به‌عنوان یک اقدام درمانی.

Didactics.

دانش و هنر آموزش.

Dielectromagnetic engineering.

بررسی مواد dielectromagnetic و کاربرد آنها در مهندسی برق بویژه در الکترونیک.

Dietetics.

دانش خوراکها و تغذیه در کاربرد برای افراد و گروهها.

Dioptrics.

شاخه‌ای از اپتیک (optics) که با شکست نور، بویژه در عدسیها، سروکار دارد.

Diplomacy.

دانش روابط بین‌المللی، که بر بنیاد قواعد به رسمیت شناخته شده همگانی استوار گشته و بوسیله یک سلسله مراتب دیپلماتیک رهبری می‌شود.

Diplomatics.

شاخه‌ای از پالئوگرافی (paleography) که سندهای رسمی بویژه سندهای کهن را بررسی می‌کند.

Discography.

فن فهرست کردن صفحه‌های گرامافون، که آگاهی مربوط به منبع و محتویات آنها را نیز شامل می‌شود.

Disseminative sciences.

گروهی از دانش‌ها که با رسانه‌های همگانی (mass communication) و انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر سروکار دارند.

Divinity.

دانش امور الهی آن چنان که در کتابهای مقدس و نوشته‌های دینی دیگر بررسی می‌شود.

Dogmatics.

شاخه‌ای از الهیات که اعتقادات دینی سیستماتیک را بررسی می‌کند.

Dosimetry.

تکنیکهای تعیین و اندازه‌گیری مقدار «خوراک» (dose) هر دارو.

Dramatics

نوشته‌های نمایشی (dramatic) و اجرای آنها در صحنه.

Dramaturgy.

هنر تألیف نمایشنامه و نمایشهای تئاتری.

Dynamics.

شاخه‌ای از مکانیک که به بررسی حرکت جسمها آن چنان که بوسیلهٔ ربایش متقابل آنها، برخوردشان با یکدیگر، و خواص اجسام پیرامون آنها معین می‌گردد، می‌پردازد؛ kinematics بخش اصلی آنست.

Dynamics, stellar.

شاخه‌ای از مکانیک آسمان (celestial mechanics) .

Dynamometry.

فن اندازه‌گیری نیروهای کارزا (work-producing) .

Dysgenics.

شاخه‌ای از eugenics که سازه‌های نامساعد برای دوام یا تشدید صفتهای مطلوب زیستی را بررسی می‌کند.

Dysteleology.

بررسی جنبه‌های ناخوشایند و دلسردکنندهٔ زندگی، مانند سازه‌های محیطی نامساعد، ناسازگارهای عضوی، تلاش برای هستی و ستیزه با بیماری و مرگ.

E

Earth sciences.

نامی گروهی برای دانشهائی مانند زمینشناسی، جغرافیا و زمینفیزیک.

Earthquake engineering.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با طراحی و ساختن ساختمانهای آسیب-ناپذیر در برابر زمین‌لرزه سروکار دارد.

Ebuliometry.

روشهای تعیین وزنهای مولکولهای مواد از راه اندازه گیری دگرگونیهای نقطه جوش محلولهای آنها.

Ecclesiology.

بررسی هنر و آثار باستانی مذهبی، بویژه در ارتباط با آرایش کلیساها.

Ecology.

بررسی پیوستگی شکل‌های زندگی با محیط آنها.

Ecology, applied plant.

بررسی پیوستگیهای گیاهان و محیط آنها برای بهره گیری در کشاورزی و جنگلداری و دانشهای دیگر.

Ecology, human.

شاخه ای از جامعه شناسی که روابط متقابل مکانی و زمانی میان مردم و سازمان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایشان را بررسی می کند.

Ecology, plant.

بخشی از بوم شناسی عمومی که رابطه میان زندگی گیاهان و محیط آن را بررسی می کند.

Econometrics.

بررسی دانش اقتصاد (economics) با روشهای ریاضی برای رسیدن به روابط و قاعده های کلی.

Economics.

بررسی سازدهائی که: (۱) درجه بهره گیری از منابع طبیعی، سرمایه-گذاری و نیروی انسانی را تعیین می کند؛ (۲) در تولید، بخش و مصرف کالاها مؤثر است؛ و (۳) گرایشهای (trends) را در طرز کار اقتصاد ملی نشان می دهد.

Economics, home.

بررسی منظم (سیستماتیک) مسئله‌های مربوط به اقتصاد خانه (تدبیر منزل) مانند خوراك، پوشاك، شرایط زندگی، امور مالی خانواده، نگهداری از فرزندان و تجهیزات و آرایش خانه.

Economy, political.

همان economics است.

Edaphology.

بررسی ماهیت و خواص خاکها.

Education.

دانش اصول و عمل آموزش.

Education for zetesis.

شاخه‌ای از zetetics که روشهای آموزش اصول zetetics را در جهت پرورش توانائیهای آدمی، بویژه نیروی آفرینندگی او، برای آسان کردن هنرها و دانشها، بررسی می‌کند.

Education, physical.

شاخه‌ای از education که با ورزشهای منظم و اصولی برای پرورش تن و حفظ تندرستی، سروکار دارد.

Education, sociology of.

بررسی ساختمان و وظیفه اجتماعی آموزشگاهها.

Egyptology.

بررسی زبان، تاریخ و فرهنگ باستانی مصر.

Elasticity, science of.

بررسی آزمایشی و نظری خاصیت برخی از جسمها که در برابر تغییر شکل مقاومت می‌نمایند و پس از آن که نیروی تغییر شکل دهنده از میان رفت به صورت کلی یا جزئی ابعاد نخستین خود را بازمی‌یابند.

Electricity.

شاخه‌ای از فیزیک که به بررسی پدیده‌های برقی در دجها، آبگونه‌ها و گازها می‌پردازد، و همچنین پیوستگیهای متقابل آن را با شاخه‌های دیگر فیزیک و شیمی بررسی می‌کند.

Electricity, terrestrial.

شاخه‌ای از زمین‌فیزیک که درباره پدیده‌های برقی در زمین (جریانها) و در جو زمین (آذرخش و شکلهای دیگر بارافکنیهای برقی (discharges)) بررسی می‌کند.

Electricity, voltaic (voltaism).

شاخه‌ای از فیزیک برق که به بررسی جریانهای برقی ایجاد شده از راههای شیمیائی می‌پردازد.

Electrocardiography.

بررسی افزارها و تکنیکهای ثبت دگرگونیهای که در پتانسیل برقی که باتپشهای قلب هماهنگ است روی می‌دهد.

Electrocardiology.

بررسی قلب از روی نگاشته‌هایی (records) که به وسیله electro-cardiography به دست می‌آید.

Electrochemistry.

دانشی است که رابطه میان پدیده‌های برقی و شیمیائی را بررسی می‌کند.

Electro-diagnosis.

روشهای باز شناختن بیماریها از راه مشاهده فعالیت برقی اندامها.

Electrodynamics.

شاخه‌ای از فیزیک که درباره کنش متقابل بارهای برقی در حال حرکت و تبدیل انرژی برقی مکانیکی (electromechanic) که این بارها

به وسیله القاء میدانهای برقی و مغناطیسی موجب می‌شوند ، بررسی می‌کند.

Electrodynamics,cosmical.

بررسی پدیده‌های الکترو مغناطیسی و magnetohydrodynamic موجود در تاج خورشید، در فضای میان سیاره ها و ستارگان، و در کهکشانها وسحابیها (nebulae) .

Electroencephalography.

شاخه‌ای از پی‌شناسی که با کشف، ضبط و بررسی موجهای مغزی سروکار دارد.

Electroendosmosis.

همان catophoresis است.

Electrography.

روشهای ثبت دگرگونیهای پتانسیل برقی که در مقاصد فنی گوناگون مانند منتقل ساختن نقشه و تصویر، و ترسیم طرحها برای حکاکی با تیزاب (etching) ، و جز اینها، بکار می‌رود.

Electrogravitics.

دانشی است که می‌کوشد گرانی (gravity) را کنترل کند ، و راههایی برای توضیح، نگهداری، وبکار انداختن آن بیابد.

Electrokinetics.

شاخه‌ای از electrodynamics که به بررسی بارهای برقی در حال حرکت می‌پردازد.

Electroluminescence.

بررسی پدیده‌های نوری‌ای که از کاربرد پتانسیلهای برقی در مواد نیمه رسانا و برق‌بند (دی الکتریک) (فسفوری) پدید می‌آید.

Electromagnetics.

شاخه‌ای از electrodynamics که به بررسی رابطه میان جریانهای برقی و میدانهای مغناطیسی‌ای که این جریانها پدید می‌آورند، می‌پردازد .

Electromechanics.

نظریه و تکنیک طراحی ماشینهایی برای تبدیل انرژی مکانیکی به انرژی برقی و بالعکس.

Electrometallurgy.

شاخه‌ای از metallurgy که با کاربرد برق برای ته نشینی (deposition) شیمیائی ، گداز ، پالایش یا گونه‌های دیگر آمودن (processing) فلزها سروکار دارد.

Electromyography.

روشها، افزارها و تکنیکهای ثبت پتانسیلهای حرکتی یاخته‌های عصبی محرك و ماهیچه‌های تحريك شده به وسیله برق.

Electronics.

- ۱- شاخه‌ای از الکتروفیزیک (electro-physics) که با رسانش (conduction) برق در گازها یا در خلاء سروکار دارد.
- ۲- آن شاخه از تکنولوژی که در بارهٔ صدور ، رفتار و اثرهای الکترونها، بویژه در لوله‌های خلاء ، پیل‌های فتوالکتریک (photo - electric cells) و مانند اینها بحث می‌کند.

Electronics, integrated.

بررسی اصول، مواد (materials)، طرح و فرایند ساخت در فرآوری افزارهای الکترونیك پیچیده (complex) که مجموعه متراکم و فشرده‌ای از انواع مختلف مدارهای برقی با کنش متقابل را تشکیل می‌دهند، و اجزاء آنها که بسیار خرداند، چنان در دل هم جای داده

شده‌اند که بر روی هم واحد کوچکی از يك دستگاه الكترونيكي را به وجود می‌آورند.

Electronics, quantum.

شاخه‌ای از الكترونيك (electronics) که به بررسی سیستمهائی مانند كه موجها (microwaves) و ميزرهای نوري (optical masers) که از راه مكانيك كوانتومي بهتر می‌توان آنها را توصيف كرد ، و نیز به بررسی مسئله‌هائی که در آنها از ميزرهای نوري استفاده می‌شود ، می‌پردازد.

Electron microscopy.

روش کاربرد دستگاههای اپتك الكتروني برای بزرگ کردن و ثبت تصوير نمونه‌های ريزيبي (microscopic) به وسیله گذراندن پرتوهای (beams) الكترونها از آنها.

Electropathy.

همان electrotherapeutics است.

Electrostatics.

شاخه‌ای از برق‌فزيك (electro-physics) که پديده بارهای برقی ساکن را بررسی می‌کند.

Electrotherapeutics.

دانش کاربرد برق برای درمان بيماريها.

Embryology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که بانخستين مرحله‌های تكامل موجود زنده پس از بارور شدن تخمك (ovum) سروكار دارد.

Empirical sciences.

نامی گروهی برای دانشهائی که در آنها چیزها و پديده‌ها از راه مشاهده مستقيم یا آزمایش کنترل شده بررسی می‌شوند.

Empiricism, scientific.

شاخه‌ای از فلسفه که logical positivism نیز نامیده می‌شود و بر بنیاد مفهوم یگانگی دانش نهاده شده است. روش اصلی آن، تحلیل (analysis) زبان دانش است.

Encephalography.

بررسی مغز به وسیله پرتوهای ایکس.

Endocrinology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که به بررسی ترشحات درونی بدن مانند هورمون‌ها و غده‌هایی که آنها را ترشح می‌کنند، و اثرهایی که این ترشحات بر کار سازوکارهای جاندار می‌گذارد، می‌پردازد.

Endogenous science.

هر دانشی که از ترکیب بخش‌هایی از دو یا چند دانش بنیادی در زمینه‌ای یگانه پدید آید.

Endoscopy.

تکنیکی است برای معاینه درون اندام‌های گوناگون تن.

Energetics.

شاخه‌ای از فیزیک که بررسی شکل‌های انرژی، هم‌ارزی آنها (equivalence) و تبدیل شکلی از انرژی را به شکل دیگر در بر می‌گیرد.

Engineering.

اصطلاحی است کلی برای پیشه‌هایی که با شاخه‌های گوناگون تکنولوژی سروکار دارند، و شامل برنامه‌ریزی، توسعه، طراحی و ساخت افزارها و ماشین‌ها، و راه‌سازی، پل‌سازی، کشتی‌سازی و جز آن، و نیز آمودن مواد و ایجاد نیرو می‌باشد. شاخه‌های بسیار دارد که در جای خود آمده‌است.

Engineering sciences.

نامی است گروهی برای دانشهائی که در تکنولوژی و در آموزش مهندسی اهمیت بنیادی دارند.

Enrythmy.

شکلی از هنر که شعر و نیز موسیقی را به حرکت برمی گرداند.

Enterology.

دانشی که به بررسی روده ها و وظیفه های آنها می پردازد.

Entomology.

شاخه ای از جانورشناسی که با بررسی حشره ها سروکار دارد.

Entomology, economic.

بررسی حشره ها از لحاظ پیوستگی آنها با آدمی، جانوران اهلی، محصولات کشاورزی و فرآورده های صنعتی، و نیز بررسی وسایل کنترل کردن فعالیتهای حشره ها به سود آدمی.

Environmental engineering.

شاخه ای از مهندسی که با اثر محیط به طور کلی بر آدمی سروکار دارد، و درباره چیزهائی مانند نگهداری آب، ذخیره های غذایی، مسکن، آلودگی هوا، ایمنی در صنعت، و از بین بردن فضولات بررسی می کند.

Enzymology.

دانشی است که درباره خواص شیمیایی و زیستی آنزیمها، بویژه اثر آنها به عنوان کاتالیزورهای (catalysts) که خاستگاه زیستی دارند بحث می کند.

Ephebiatrics.

شاخه ای از پزشکی که با بیماریهای دوره نوجوانی (adolescence) سروکار دارد.

Epidemiology.

شاخه‌ای از پزشکی که به بررسی بیماری‌های همه‌گیر (epidemics) می‌پردازد.

Epigenetics.

دانشی است که با بررسی (آنالیز) علّی (causal) رویانها و تکامل آنها سروکار دارد.

Epigraphy.

بررسی و تفسیر کتیبه‌ها (inscriptions)، بویژه سنگنبشته‌های باستانی.

Epistemology.

آن شاخه از فلسفه که نظریه‌های گوناگون مربوط به خاستگاه، ساختمان، روشها، ارزش و محدودیتهای دانش (معرفت) را بررسی می‌کند.

Epizootiology.

بررسی آسیب شناسی و بهداشت دامی.

Equations,differential.

شاخه‌ای از آنالیز ریاضی که از هم‌چندیهای بحث می‌کند که گذشته از خود تابع، شامل يك یا چند مشتق نیز می‌باشند.

Equations,integral.

شاخه‌ای از حساب دیفرانسیل و انتگرال که از هم‌چندیهای بحث می‌کند که تابع مجهول آنها زیر نشانه انتگرال قرار دارد.

Equity.

يك نظام یاسیستم حقوقی که در دادگاههای انگلستان و آمریکا پیدا شده و آن را در تکمیل قانونهای متعارفی و معمولی برای تأمین و اجرای عدالت (هرگاه این قانونها احتمالاً نابسند و نارسا باشند) به کار می‌برند.

Ergonomics.

شاخه‌ای از مدیریت (management) که کاربردهای گوناگون کالبدشناسی، فیزیولوژی و روانشناسی آزمایشی را در مسئله‌های مربوط به نگهداری و افزایش کارایی (efficiency) نیروی کار بررسی می‌کند.

Erythrocytometry.

روشها و تکنیکهای شمارش یاخته‌های قرمزخون.

Eschatology.

۱) بخشی از الهیات اصولی (systematic theology) که به بررسی امور اخروی همچون مرگ، روز رستخیز و آخر زمان می‌پردازد. به عنوان بخشی از فلسفه کار آن بررسی سرنوشت غائی آدمی و مرحله‌های پایانی کیهان است.

Ethics.

بررسی اصولی (سیستماتیک) مفهومی ارزشی مانند نیک و بد، حق و باطل، واجب و جزاینها.

Ethics, comparative.

بررسی همانندیها و اختلافاتی که در قاعده‌ها، قانونها، اصلها و آرمانهای (ideals) اخلاقی گروهها و جامعه‌ها و نژادهای گوناگون وجود دارد.

Ethics, metaphysical.

شاخه‌ای از متافیزیک که اصلها و مفهومیهای اخلاقی را آن چنانکه به وسیله مفاهیم متافیزیکی تعریف می‌شود به دست می‌دهد.

Ethics, naturalistic.

دانشی تجربی (empirical) که در آن مفهومیهای اخلاقی به مفهومیهای دانشهای طبیعی بازگردانده می‌شود.

Ethics, philosophical.

آن شاخه از فلسفه که به بررسی اصولی مسائل غائی رفتار آدمی از نظر کیفیت اخلاقی آنها می‌پردازد.

Ethics, social.

شاخه‌ای از سبیرنتیک اجتماعی (social cybernetics) که قاعده‌ها و قانونهای اخلاقی‌ای را که برای سوق دادن رفتار اجتماعی به سوی فعالیت هماهنگ جامعه وضع شده است، بررسی می‌کند.

Ethics, teleological.

یک نظام اخلاقی ارزش شناختی (axiological) که هر رفتاری را بر بنیاد بارآوری و سودمندی واقعی یا احتمالی آن در رسیدن به بیشینه خیر (maximum good) ارزشیابی می‌کند.

Ethnogeny.

شاخه‌ای از نژادشناسی که درباره منشأ نژادهای انسانی و اقوام بررسی می‌کند.

Ethnography.

آن شاخه از مردمشناسی یا نژادشناسی که توزیع جغرافیائی و ویژگیهای نژادهای گوناگون را توصیف می‌کند.

Ethnology.

دانشی که به بررسی منشأ، توزیع و ویژگیهای تمایز دهنده نژادها و فرهنگ قومهای بدوی می‌پردازد.

Ethnomusicology.

بررسی موسیقی بدوی در بخشهای مختلف جهان.

Ethology.

۱- نامی است که جان استوارت میل (J.S. Mill) برای روانشناسی اجتماعی پیشنهاد کرده است.

۲- دانشی است که رفتار جانوران را در محیط زیست طبیعی آنها بررسی می‌کند.

Etiology.

۱- شاخه‌ای از پزشکی که علتهای هر بیماری را بررسی می‌کند.
۲- شاخه‌ای از فلسفه که در باره علّیت (causality) بحث می‌کند.

Etymology.

شاخه‌ای از زبانشناسی که خاستگاه یا اشتقاق واژه‌ها را از روی ریشه‌ها یا صورتهای کهنتر آنها در زبان اصلی بررسی می‌کند.

Eudaemonism.

دستگاهی (system) از علم اخلاق که تعهد و وجوب اخلاقی را از جهت ارتباط آن با خوشبختی یا آسایش شخصی تعریف می‌کند و روا می‌دارد.

Eudiometry.

تکنیک اندازه‌گیری گنج گازها برای منظوره‌های تجزیه‌ای (analytic).

Eugenics.

دانشی است که از ژنتیک (genetics) در بهتر ساختن صفتهای مادرزادی یا موروثی يك نژاد یا تیره سود می‌جوید.

Euthenics.

دانشی که روشهای اصلاح نوع آدمی، گیاهان و جانوران را از راه فراهم آوردن بهترین شرایط محیطی ممکن بررسی می‌کند.

Evolutionism.

نظریه‌ای است که بنابر آن انواع (species) سازواره‌های آلی، بر اثر دگرگونیها و تغییرات تدریجی ناشی از گزینش طبیعی و توارث،

از نوعهای ساده‌تر قدیم‌تر پدید آمده‌اند.

Exact sciences.

به دانشهائی مانند فیزیک، شیمی، و ستاره‌شناسی گفته می‌شود که موضوع آنها قابل اندازه‌گیری دقیق و تجزیه و تحلیل ریاضی است.

Exegetics.

دانش توضیح یا تفسیر انتقادی، بویژه در مورد «کتاب مقدس».

Exeligmology.

رشته‌ای از نظام zetetic دانش (معرفت) که فرگشت و تاریخ را دربر می‌گیرد.

Exobiology (cosmic biology).

بررسی خاستگاه زندگی با در نظر گرفتن امکان وجود زندگی در بیرون از کره زمین.

Exodontia.

شاخه‌ای از دندانپزشکی که با کشیدن دندانها سروکار دارد.

Exolinguistics.

همان metalinguistics است.

F

Ferromagnetism.

بررسی خواص مغناطیسی موادی مانند آهن، نیکل و کوبالت که دارای تأثیر پذیری مثبت، پایائی و پسماند (hysteresis) مغناطیسی هستند.

Fetology.

شاخه‌ای از پزشکی که باتشخیص و درمان بیماریهای کودکان پیش از زادن سروکار دارد.

Finance.

اصول اداره کردن امور پولی، بویژه برای گردآوری، افزایش و موازنه دارائی همگانی (مالیه عمومی).

Floriculture.

دانش کشت و پرورش واصلاح گیاهان آذینی گلدار.

Floristics.

بررسی پراکندگی (توزیع) زمانی و مکانی نوعهای مختلف گیاهان.

Fluorography.

همان Fluoroscopy است.

Fluoroscopy.

بررسی روشهای مشاهده تصویرهائی که از گذراندن پرتو ایکس از میان يك جسم بر روی يك پرده فلوئورسان (Fluorescent) بدست می آید.

Food technology.

شاخه‌ای از تکنولوژی که باآمودن (processing) موادخوراکی به منظور نگهداری و بهترسازی کیفیت غذائی آنها سروکار دارد.

Forensic sciences.

نام گروهی برای شاخه‌هایی از دانش که با کاربرد زیستشناسی، پزشکی، روانشناسی و جز اینها در بزه‌شناسی (criminology) و حقوق (jurisprudence) ارتباط دارند.

Forestry.

شاخه‌ای از بوم‌شناسی گیاهی کاربردی که درختان و بوته‌ها و بویژه کشت و پرورش آنها و بهره‌برداری اقتصادی از آنها را بررسی می‌کند.

Formal sciences.

دانشهائی چون ریاضیات و منطق که تجریدی و انتزاعی (abstract) هستند و به چیزها یا موضوعهای مادی و ملموس بستگی ندارند.

Fractography.

بررسی شکستگیهای رویه‌ها باریزین.

Freudianism.

نظریه و کاربرست روانکاوی (psychoanalysis) بر بنیاد آموزشهای زیگموند فروید (Sigmund Freud) و پیروان او.

G

Galenism.

دبستان پزشکی جالینوس (پزشک رومی - یونانی سدهٔ دوم میلادی) و پیروان او در سده‌های میانه (قرون وسطی).

Galvanism.

شاخه‌ای از فیزیک که دربارهٔ جریانهای برق بررسی می‌کند.

Galvanometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری شدت جریانهای برق.

Galvanoscopy.

روشهای کشف وجود و راستای جریانهای برق.

Galvanotherapy.

روشهای ایجاد گرما بوسیلهٔ برق.

Gastroenterology.

بررسی معده و روده‌ها.

Gastrology.

دانشی که معده و وظیفه و عمل آن را بررسی می‌کند.

Gastronomy.

دانش هنر درست کردن خوراکهای لذیذ.

Gastroscopy.

بررسی معده از راه مشاهده درون آن بوسیله گاستروسکوپ

• (gastroscope)

Gemmology.

دانشی که جواهرات طبیعی و ساختگی (synthetic)، و تشکیل و خواص و ترکیب آنها را بررسی می‌کند.

Genealogy.

بررسی يك خانواده و تعیین تبار آن درنسلهای پیاپی.

Genetics.

شاخه‌ای از زیستشناسی که فرگشت، تکامل و گونه گونه شدن سازواره‌های زنده را در ارتباط باوراثت و واحدهای فیزیکی و شیمیایی‌ای که صفتهای ارثی به وسیله آنها انتقال می‌یابد، بررسی می‌کند.

Genetics, biochemical.

همان chemical genetics است.

Genetics, biometrical.

بررسی دیگرگونه‌های پیوسته‌ای که شناخت تمایزات ارثی (genetic)

آشکارمندی (Mendelian) را به نظریه وراثت چندعامله (multifac-

torial) گسترش می‌دهد.

Genetics, chemical.

بررسی ماهیت شیمیائی و رفتار واحدهای وراثتی، و معنای مولکولی ترکیب وراثتی مجدد (recombination) و جهش (mutation) به عنوان يك فرايند شیمیائی، و وابستگیهای نوکلئوسیتوبلاسم (nucleo-cytoplasm) و ترکیب (synthesis) پروتئین و DNA (شامل ساختمان و ترکیب و توزیع آن).

Genetics, developmental.

بررسی راههایی که ژنها (genes) بر فرایند رشد و تکامل جانوران، گیاهان و سازواره‌های چند یاخته‌ای دیگر، تأثیر می‌گذارند یا آن را کنترل می‌کنند.

Genetics, medical.

شاخه‌ای از ژنتیک (genetics) که به بررسی ارتباط میان وراثت و بیماریها در آدمی و جانوران می‌پردازد.

Genetics, molecular.

شاخه‌ای است از ژنتیک شیمیائی (chemical genetics).

Genetics, physiological.

بررسی جنبه‌های فیزیولوژیکی مواد وراثتی.

Geobotany.

بررسی توزیع جغرافیائی گیاهان. نیز بررسی استفاده از گیاهان به عنوان معرفهائی که تغییرات شیمیائی آب، و وجود آب در لایه‌های زیرین زمین را نشان می‌دهند.

Geochemistry.

دانشی مرکب از زمینشناسی و شیمی که توزیع، فراوانی و واکنشهای عناصر شیمیائی ای را که پوسته زمین از آنها ترکیب یافته است بررسی می‌کند.

Geochronology.

دانش تعیین مقیاسهای زمانی زمینشناسی (geological) مطلق که بوسیله آنها بتوان تاریخ مرحله های فرگشت زمین و ساکنان آن را معلوم ساخت.

Geochronometry.

تعیین زمان زمینشناسی، بویژه از راه اندازه گیری تباهی رادیو آکتیو ایزوتوپها (isotopes) در سنگها.

Geocosmogony.

شاخه ای از cosmogony که درباره منشأ زمین به عنوان بخشی از منظومه خورشیدی بحث می کند.

Geodesy.

دانشی مرکب از زمینفیزیک و ریاضیات کاربردی که ابعاد، صورت و شکل زمین و نیز توزیع گرانی (gravity) زمین را برپهنه های وسیع آن بررسی می کند.

Geodynamics.

بررسی نیروها و فرایندهایی که در اندرون زمین فعالند.

Geoelectricity.

همان terrestrial electricity است.

Geognosy.

نامی است که بنیادگذار زمینشناسی نوین، نیکولاس ستنو (Nicolas Steno ۸۷ - ۱۶۳۱) به آن داده است. اکنون نیز برای شاخه ای از زمینشناسی به کار می رود که مواد سازنده زمین را بررسی می کند.

Geography.

دانشی است مختلط که زمین، کشورهایی را که بر آن هستند و جمعیت کره

زمین، وبهره‌هایی را که آدمی از کانیها و گیاهان و جانوران و منابع طبیعی دیگر می‌برد، بررسی می‌کند.

Geography, physical.

بررسی ویژگیهای برونی رویه زمین و دگرگونیهای آنها.

Geology.

دانش مختلطی است که از پوسته زمین، و ترکیب و تشکیل و فرگشت آن، چنان که از بررسی سنگها و تهنشستها و سنگواره‌ها آشکار می‌شود، بحث می‌کند.

Geology, historical.

شاخه‌ای از زمینشناسی که با geochronolgy و تاریخ کیهانی زمین و دیرینشناسی ارتباط متقابل دارد، و موضوع آن بررسی دگرگونیهای است که در زمین در طی میلیونها سال هستی آن روی داده است.

Geology, structural.

بررسی شکل، ترتیب و ساختمان درونی سنگها.

Geomagnetism.

همان terrestrial magnetism است.

Geomathematics.

شاخه‌ای از homologic symbolics که گسترش geosciences را با geostatistics یا geometrics بررسی می‌کند.

Geomedicine.

آن بخش از پزشکی که با بیماریهای شایع در ناحیه‌های جغرافیائی ویژه‌ای سروکار دارد.

Geometry.

شاخه‌ای بنیادی از ریاضیات که با شکل و اندازه اشکال (figures) در فضا سروکار دارد، و خطها، گوشه‌ها، رویه‌ها، و سطوحها

و گنجها (solids) و پیوستگیهای آنها را با یکدیگر و خواص ناگردان (invariant) آنها را در تبدیلات (transformations) گوناگون بررسی می‌کند.

Geometry, affine.

شاخه‌ای از هندسهٔ اوقلیدسی که به بررسی آن خواصی از شکل‌های مسطح می‌پردازد که در تبدیلات (transformations) يك گروه هموند (affine) دگرگونی نمی‌پذیرند.

Geometry, algebraic.

شاخه‌ای از ریاضیات که با نمایش جبری شکل‌های هندسی به عنوان روشی برای تعیین خواص آنها سروکار دارد.

Geometry, analytic.

هندسه‌ای که در آن برای تعیین خطوط هم‌آرایی که اندازهٔ آنها در نقاط تقاطع نمایندهٔ وضع و موقعیت هستند، از روش‌های جبری استفاده می‌شود.

Geometry, analytic, plane.

بخشی از هندسهٔ تحلیلی که شکل‌های مسطحی را که مستلزم يك دستگاه هم‌آرایی دوبعدی هستند با روش‌های جبری بررسی می‌کند.

Geometry, analytic, solid.

بخشی از هندسهٔ تحلیلی که شکل‌های مجسمی را که مستلزم يك دستگاه هم‌آرایی سه‌بعدی هستند با روش‌های جبری بررسی می‌کند.

Geometry, descriptive.

بررسی تصویر قائم (orthographical projection) نقطه‌ها در فضا آن چنان که در مسائل مربوط به مناظر و مرایا (perspective) در کشیدن تصویرها (pictures) و ساختمان‌های اپتیک به کار بسته می‌شود.

Geometry, differential.

شاخه‌ای از ریاضیات که خمها، شبکه‌های خمها، رویه‌ها و خانواده‌های رویه‌ها را برای تعیین خواص ذاتی آنها در فضای سه‌بعدی اوقلیدسی بررسی می‌کند.

Geometry, differential, metric.

بخشی از هندسهٔ دیفرانسیلی (differential geometry) که آن خواصی از خمها و رویه‌های خمیده را بررسی می‌کند که با اندازه‌گیری همراه است و در حرکتهای صلب (rigid) ناگردان (invariant) می‌ماند.

Geometry, differential, projective.

بخشی فرعی از هندسهٔ دیفرانسیلی (differential geometry) که آن خواصی از خمها و رویه‌های خمیده را در مجاورت عناصر عمومی آنها بررسی می‌کند که با تبدیل تصویری (projective) عمومی دیگرگونی نمی‌پذیرند.

Geometry, Euclidian.

هندسه‌ای که بر بنیاد «اصول موضوعه» (postulates) ای که اوقلیدس برای تنظیم فضاهای دوبعدی یا سه‌بعدی وضع کرده نهاده شده است. این اصطلاح برای بررسی فضاهای اوقلیدسی با هر چند بعدی که داشته باشد نیز به کار می‌رود.

Geometry, line.

هندسه‌ای که به جای نقطه خط را عامل پیدایش خمها و رویه‌ها و مکانهای هندسی دیگر قرار می‌دهد.

Geometry, non-Euclidian.

هرگونه هندسه‌ای، مانند هندسهٔ هذلولی بولیای - لوباشفسکی (Bolyai - Lobashovski)، یا هندسهٔ بیضوی ریمان - کلاین

(Rieman-Klein) که در آن فرضهای دیگری جانشین يك یا چند اصلِ موضوع (postulate) اوقلیدسی شده باشد.

Geometry, plane.

شاخه‌ای از هندسه که سه گوشه، چندبر، دایره و شکل‌های مسطح دیگر را که می‌توان با خط‌کش و پرگار ترسیم کرد، بررسی می‌کند.

Geometry, projective.

شاخه‌ای از ریاضیات که هندسهٔ مقدماتی و هندسهٔ جبری عالی را به صورت مجموعهٔ کاملی ترکیب می‌کند.

Geometry, solid.

شاخه‌ای از هندسه که شکل‌های سه بعدی مانند مخروط، مکعب، کره و چندوجهی (polyhedron) را بررسی می‌کند.

Geometry, spherical.

شاخه‌ای از هندسه که در بارهٔ شکل‌های واقع بر رویهٔ يك کره بحث می‌کند.

Geometry, synthetic (Pure geometry).

بررسی هندسه با روش‌های ترکیبی (synthetic)؛ معمولاً منظور از آن همان هندسهٔ تصویری (projective geometry) است.

Geomorphology.

شاخه‌ای از زمین‌فیزیک که عوارض رویهٔ زمین را بررسی می‌کند.

Geonavigation.

دانش و فن رهبری کشتیها و هواپیماها به مقصدشان در روی زمین.

Geophysics.

فیزیک زمین، که پدیده‌های بخش دج زمین (سنگ‌کره: lithosphere)، لایهٔ آب‌گونهٔ آن (آب‌کره: hydrosphere) و پوشش‌های

گازی آن (جَوّ: atmosphere) ولایة یونی آن (یونکره: ionosphere) را دربر می گیرد.

Geopolitics.

بررسی ویژگیهای جغرافیائی درمقیاسی جهانی که بررسی سازه های فیزیکی، اقتصادی، و مردم شناسی را، که بر سیاست يك کشور در ارتباط با کشورهای دیگر اثر می گذارد، در برمی گیرد.

Geoponics.

شاخه ای از کشاورزی که با کشت زمین سروکار دارد.

Geostatics.

آن بخشی از مکانیک جسمهای سخت (rigid bodies) که با نیروهای ترازمند سروکار دارد.

Geotechnics.

دانشهای وابسته به زمین، بویژه مکانیک خاک و سنگ آن چنان که در مهندسی راه و ساختمان و مهندسی زمینشناسی (geological engineering) به کار می رود.

Geotectology.

همان structural geology است.

Geotectonics.

همان structural geology است.

Geothermometry.

شاخه ای از زمینفیزیک که با گرمای زمین، توزیع جغرافیائی دما، و تعیین دماهایی که در آنها فرایندهای زمینشناسی روی می دهد سروکار دارد.

Geriatrics.

شاخه ای از پزشکی که درباره تندرستی سالخوردگان بررسی می کند.

Germ theory.

نظریه‌ای که باکتریها و کهسازواره‌های دیگر را علت بیماریها می‌داند.

Gerontology.

بررسی فرایند پیرشدن، بویژه در آدمی: زیست‌شناسی پیری، تندرستی سالخوردگان و مسئله‌های عمومی سالخوردگان جامعه.

Glaciology.

بررسی تشکیل یخ در نواحی قطب شمال (Arctic) و قطب جنوب (Antarctic) زمین و نواحی کوهستانی. شاخه‌ای از زمین‌شناسی و شاخه‌ای فرعی از زمین‌فیزیک است.

Glossology.

همان زبانشناسی (linguistics) است.

Glottology.

همان زبانشناسی (linguistics) است.

Glyptography.

بررسی جواهرات حکاکی‌شده به‌عنوان اشیاء هنری، و توصیف تکنیک‌هایی که در این هنر بکار می‌رود.

Gnomology.

بررسی آثار ادبی‌ای که به‌صورت اندیشه‌های کوتاه، پندها و «کلمات قصار» نوشته شده است.

Gnomonics.

دانشی است که دربارهٔ ساختن ساعت‌های آفتابی (sundials) بحث می‌کند.

Gnosiology.

آن بخش از نظریهٔ شناسائی (معرفت: Knowledge) که منشأ،

ماهیت، حدود و اعتبار (validity) شناسائی را بررسی می‌کند.

Gnotobiotics.

شاخه‌ای از پژوهش پزشکی و زیستشناسی که دربارهٔ يك نوع (species) در نبودن همهٔ انواع دیگر (جانداران عاری از میکروب) و یا در بودن انواع شناخته شده بحث می‌کند.

Goniometry.

روشهای اندازه‌گیری گوشه‌ها در مساحی، مجموعه شناسی (craniology)، بلورنگاری (crystallography) و جزاینها.

Grammar.

دانشی که دربارهٔ رده‌های واژه‌ها، گردانش آنها و نقش و رابطهٔ نحوی آنها بررسی می‌کند.

Granulometry.

فن اندازه‌گیری بزرگی ذره‌ها (particles)؛ مانند گرانولومتری مغناطیسی که بزرگی ذره‌های «فرومگنتیک» (ferromagnetic) را از ۲۰ تا ۱۰۰ میکرومتر اندازه می‌گیرد.

Graphic arts.

شکلهائی از هنر که با تکنیکهائی همچون کنده‌کاری با قلم، کنده‌کاری با تیزاب و چاپ سنگی به‌دست می‌آیند و می‌توان آنها را با شیوه‌های گوناگون چاپ بازسازی کرد.

Graphics.

بررسی شکلهای هندسی برای حل مسائل تکنولوژیکی.

Graphology.

بررسی دستخط (دسینه) به‌عنوان يك وسیلهٔ کمکی در تشخیص درستی سندها و پی‌بردن به ویژگیهای اخلاقی صاحبان دستخط.

Graphostatics.

واژه‌ای است مهجور برای شاخه‌ای از دانشِ statics که باروشهای ترسیمی (graphic) حل مسئله‌های مربوط به اندازه و توزیع فشار (stress) در ساختمانها سروکار دارد.

Gravimetry.

روشهای اندازه‌گیری وزن یا چگالی.

Group dynamics.

شاخه‌ای از روانشناسی اجتماعی که «دید» و «نظر» افراد را بررسی می‌کند.

Guidance, vocational.

بررسی اصول و راههای یاری کردن به جوانان برای آنکه استعدادهای خود را کشف کنند و شغل و سرگرمیهایشان را مطابق توانائیه‌ها و آرزوهایشان برگزینند.

Gunnery.

دانشی که به بررسی تفنگ‌ها و تپانچه‌ها و حرکت پرتابه‌های (projectiles) آنها می‌پردازد.

Gynecology.

شاخه‌ای از پزشکی که دربارهٔ بهداشت و بیماریهای زنان بحث می‌کند.

Gyniatrics.

بررسی روشهای درمان بیماریهای زنان .

Gyrodynamics.

بررسی حرکت جسمهای چرخنده، بویژه اثرهای نیروی precession بر آن حرکت .

Gyromagnetics.

بررسی خواص مغناطیسی مواد یا جسمهای چرخنده دارای بارهای
برقی ، بویژه الکترون .

Gyromechanics.

شاخه‌ای از مکانیک که خواص جسمهای چرخنده را بررسی می‌کند.

Gyrostatics.

شاخه‌ای از فیزیک که دربارهٔ جسمهای چرخنده و ژیروستات
(gyrostat) بررسی می‌کند.

H

Haemadynamics.

همان hemadynamics است.

Haematology.

همان hematology است.

Hagiography.

تاریخ زندگی قدّيسان (saints).

Hagiology.

شاخه‌ای از ادبیات که بانوشته‌های اشخاص مقدس دربارهٔ موضوعات
مقدس سروکار دارد.

Harmonics.

دانشی که قاعده‌هائی برای پدید آوردن هماهنگی (harmony) ،
بویژه در موسیقی، وضع می‌کند.

Harmonics, spherical.

اصطلاحی است برای برخی از توابع که در بسیاری از شاخه‌های

فیزیک ریاضی دیده می‌شود. این توابع به همچندی معروف لاپلاس (Laplace) می‌انجامند که راه‌حلهای ویژه آن هارمونیکهای کروی (spherical harmonics) است.

Harmony.

بررسی یگانگی و یکپارچگی هر اثر هنری بر بنیاد پیوستگیهای میان اجزای ترکیب‌کننده آن که سبب درآمدن آن اثر به صورت یک کل خوشایند و دلپذیر می‌شود.

Health physics.

بررسی بنیادهای فیزیکی پیشگیری.

Hedonics.

- ۱- شاخه‌ای از روانشناسی که درد و لذت را بررسی می‌کند.
- ۲- آن نظریه اخلاقی که می‌گوید خوشبختی فرد یا بیشترین شماره ممکن افراد برترین هدف فعالیت آدمی است.

Heliography.

- ۱- بررسی خورشید از راه عکاسی.
- ۲- سیستمی برای پیام‌رسانی بوسیله بازتابانیدن پرتو خورشید از آینه.

Helminthology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که به بررسی کرمها، بویژه کرمهای انگلی که در روده جانوران زندگی می‌کنند، می‌پردازد.

Hemodynamics.

شاخه‌ای از فیزیولوژی: بررسی مکانیک گردش خون.

Hematology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که نوع، ترکیب و بیماریهای خون، و نیز بافتهای خونساز را بررسی می‌کند.

Hepatology.

بررسی کالبدشناسی و فیزیولوژی جگر.

Heraldry.

دانش نسبها و نقشها و نشانه‌های ویژه خانوادگی .

Hermeneutics.

تفسیر و یا توضیح نوشته‌های مربوط به «کتب مقدس».

Herpetology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که درباره خزندگان و دوزیستان ، و مورفولوژی (morphology) ، رده بندی و شیوه‌های زندگی آنها بررسی می کند .

Heterogeneous science.

هر دانشی که از دو یا چند دانش که به دو یا چند زمینه مختلف مربوط باشند پدید آید.

Hierology.

بررسی و توصیف اشیاء مقدسی که مظهر باورهای دینی و آرزوها و آرمانهای يك قوم اند.

Highway engineering.

شاخه‌ای از تکنولوژی ترابری (transportation) که با ساختمان و نگهداری شاهراهها از جمله پلها و تونلها سروکار دارد.

Hippology.

بررسی اسب ، زیستشناسی و فرگشت آن.

Histochemistry.

شاخه‌ای از cytochemistry (شیمی یاخته‌ها) که جنبه‌های شیمیائی بافتها و فراورده‌های یاخته‌ای را بررسی می کند.

Histography.

توصیف بافتهای آلی.

Histology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که ساختمان بافتهای آلی را بررسی می‌کند.

Histomorphology.

بررسی شکلها و ساختمانهای گوناگون بافتهای آلی.

Histopathology.

بررسی بیماریهای بافتها.

Histophysiology.

دانشی که به بررسی وظیفه بافتهای زنده می‌پردازد.

Historiography.

فن نگارش داستان پیشامدهای گذشته.

Historiosophy.

تعبیر و تفسیر تاریخ از دیدگاه یک نظریه.

History.

شاخه‌ای از بررسی اصولی و روایت پیشامدهای گذشته که در تکامل دانشها و هنرها و دیگر زمینه‌های فرهنگ رخ داده است بر بنیاد اسناد و یا شواهد باستانشناسی.

Histrionicism.

هنر نمایش دادن (مثلاً بوسیله بازیگران بر روی صحنه).

Hodology.

بررسی اهمیت راهها در تاریخ و در تکامل اجتماعی.

Holography, optical.

عکاسی سه بعدی بدون عدسی بر پایه تشکیل تصویر از راه دوباره سازی جبهه موج (wavefront-reconstruction imaging) و بر پایه نظریه

برق و مغناطیسی (electromagnetic) تشکیل تصویر .

Homeopathy.

سیستمی در درمان پزشکی بر بنیاد این فرض که داروی کارگر برای يك بیماری آن دارویی است که در شخص تندرست همان نشانه‌هایی را که در بیمار دیده می‌شود ، پدید آورد.

Homiletics.

شاخه‌ای از الهیات کاربردی که دربارهٔ مواعظ بحث می‌کند.

Homogeneous science.

هر دانشی که تنها از يك زمینه و تنها از یکی از دانشهای بنیادی آن زمینه سرچشمه گیرد.

Hormology.

بررسی انگیزش و تحریک حاصل از سازهٔ زیانبخشی که به مقدار بسیار اندك در يك سازواره وجود داشته باشد.

Hormonology.

بررسی هورمون‌ها یا پیکهای شیمیائی (chemical messengers) در درون بدن.

Horological engineering.

تکنولوژی ساعت‌سازی.

Horology.

دانش و ساخت ساعت‌های گوناگون و دیگر ابزارهای اندازه‌گیری زمان.

Horoscopy.

آن بخش از اخترشناسی (astrology) که با تعیین وضع ظاهری ستارگان و سیاره‌ها در وقتی معین پیشامدهای آینده را پیشگوئی می‌کند.

Horticulture.

دانش و فن کاشتن و پروردن سبزیها ، گیاهها و میوه‌ها.

Human engineering.

اداره امور آدمیان و اوضاع و احوال اجتماعی آنان در کوششی برای کاستن نداری و بیچارگی و فساد از راه فعالیت‌های اجتماعی سازمان یافته.

Humanities.

دانشهائی که با جنبه‌های گوناگون فرهنگ ، غیر از دانشهای طبیعی و کاربردهای آنها ، سروکار دارند.

Husbandry, animal.

بررسی پرورش جانوران اهلی (مانند اسب و گاو و گوسفند و خوک) و آن شامل تخمکشی ، اصلاح نژاد و مواظبت این جانوران ، و نیز اداره اقتصادی این شاخه از کشاورزی می‌گردد.

Hyalography.

فن کندن طرحها و نقشها بر روی شیشه.

Hydraulics.

شاخه‌ای ازدانش و تکنولوژی که به بررسی مکانیک آبگونه‌ها در حال حرکت می‌پردازد.

Hydrobiology.

بررسی جانداران آبی.

Hydrodynamics.

شاخه‌ای از هیدرومکانیک (hydromechanics) که درباره حرکت آبگونه‌ها و نیز واکنش نیروهای وارد بر جسمهای غوطه‌ور در آبگونه یا در تماس با آبگونه، بحث می‌کند.

Hydrogeology.

شاخه‌ای از زمینشناسی که نتیجه‌های عمل آب را بر پوسته زمین، بویژه دگرگونیهای حاصل از فرسایش و ته‌نشست را بررسی می‌کند.

Hydrography.

توصیف و بررسی پهنه‌های بزرگ آب مانند اقیانوسها، دریاها، دریاچه‌ها، رودها، و نقشه‌برداری از آنها. بویژه با جزر و مد اقیانوسها و جریان رودها سروکار دارد.

Hydrokinematics.

بخشی از دینامیک (dynamics) که حرکت سیالها را به صورت مجرد و انتزاعی مورد بررسی قرار می‌دهد.

Hydrokinetics.

بخشی از hydrodynamics که حرکت سیالها را بررسی می‌کند.

Hydrology.

شاخه‌ای از زمینفیزیک که درباره آب و توزیع و کنش آن بر روی زمین، چه در زیر زمین و چه در جو، بحث می‌کند.

Hydrology, medical.

شاخه‌ای از پزشکی پیشگیری که در جنبه‌های بهداشتی تهیه آب و آبرسانی بررسی می‌کند.

Hydromagnetics.

همان magnetohydrodynamics است.

Hydromechanics.

شاخه‌ای از فیزیک که با قانونهای حرکت و ترازمندی سیالها سروکار دارد.

Hydrometallurgy.

شاخه‌ای از metallurgy که درباره بهره‌گیری از آب در استخراج

سنگهای کانی بررسی می کند.

Hydrometeorology.

بررسی پدیده های جوی مانند باران و تگرگ که وابسته به بخار آب موجود در جَوّ اند.

Hydrometry.

بررسی خواص فیزیکی آبگونه ها بوسیلهٔ آبسنج (hydrometer).

Hydroponics.

دانش و فن پرورش گیاهان ، بویژه سبزیها، با قراردادن ریشه های آنها در یک محلول آبی به جای خاک .

Hydrostatics.

شاخه ای از هیدرومکانیک (hydromechanics) که شرایط ترازمندی سیالها را تعیین می کند.

Hydrotherapeutics.

شاخه ای از پزشکی که استحمام در آب و آبهای معدنی را در درمان برخی از بیماریها به کار می برد.

Hyetography.

بررسی و توصیف مقدار ریزش باران در ناحیه های گوناگون.

Hyetology.

شاخه ای از هواشناسی که ریزش باران و برف و تگرگ و شبنم را بررسی می کند.

Hygiene.

دانشی که اصول و قواعدی را که برای پیشبرد تندرستی و بهداشت لازم است معین می کند.

Hygiene, sex.

آن شاخه از بهداشت (hygiene) که دربارهٔ تأثیر جنسیت (sex)

در بهداشت آدمی بحث می‌کند.

Hygiene, social.

آن شاخه‌ای از بهداشت که مسائل جنسی ، بویژه راههای از میان بردن بیماریهای آمیزشی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

Hygrometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری مقدار رطوبت موجود در جو.

Hyloenergetics.

بخشی از سیستم zetetic دانش و شناخت که ماده و انرژی و تبدلات آنها را در بر می‌گیرد.

Hymnody.

هنر خواندن سرودهای مذهبی.

Hymnology.

هنر ساختن سرودهای مذهبی.

Hypnology.

آن شاخه‌ای از دانش که پدیده خواب را ، بویژه هنگامی که خواب از راه هیپنوتیزم القاء می‌شود ، بررسی می‌کند.

Hypnotism.

بررسی علمی حالت ذهنی خواب‌مانندی که شخص عاملی (operator) در شخص دیگر پدید می‌آورد و در طول آن حالت ، شخص خواب شده ارتباط پیوسته‌ای با عامل دارد.

Hypsography.

شاخه‌ای از جغرافیا که با توصیف برجستگیهای رویه زمین سرو کار دارد.

Hypsometry.

روشهای اندازه‌گیری فرازاها (altitudes) نسبت به رویه دریا از

I

Introchemistry.

بررسی جنبه‌های شیمیائی دانش پزشکی.

Ichtnology.

بررسی جای پاهای محفوظ مانده در سنگواره‌ها.

Ichthyography.

شاخه‌ای از جانورشناسی که ماهیها را توصیف و رده‌بندی می‌کند.

Ichthyology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که درباره ماهیها بررسی می‌کند.

Iconography.

هنر نمایش بوسیله تصویر، بویژه پرتره سازی (portraiture) خیالی که رنگ و جنبه مذهبی دارد.

Iconology.

شاخه‌ای از تاریخ هنر که شمایلسازی و استفاده از شمایلها را بررسی می‌کند.

Idiographic sciences.

دانشهائی که با پدیده‌های یگانه و نابازگشتنی (nonrecurrent) سروکار دارند، مانند تاریخ.

Illumination engineering.

کاربرد فیزیک نور و الکترونیک برای روشن کردن یا چراغانی ساختمانها، خیابانها، فضاها و جزاینها.

Immunochemistry.

شاخه‌ای از ایمنی‌شناسی (immunology) که جنبه‌های شیمیائی

ایمنی را بررسی می‌کند.

Immunogenetics.

دانشی است مرکب از ایمنی‌شناسی (immunology) و serology که اثر سازه‌های ژنتیک (genetic) را بر ایمنی در برابر بیماری بررسی می‌کند.

Immunology.

بررسی جنبه‌های باکتری‌شناسی (bacteriological) و شیمیایی ایمنی در برابر بیماری.

Information theory.

شاخه‌ای از نمادشناسی اطلاعات (symbolics of information) که از راه کشف روابط عمومی و تعیین معیارهای کمی اطلاعات به منظور تعیین کار آئی و محدودیتهای دستگاههای مختلفی که برای انتقال، ذخیره، و آمودن (processing) اطلاعات طرح شده‌اند، ریاضیات و منطق دستگاههای ارتباطی را بررسی می‌کند.

Infrared technology.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با ساختن و کاربرد افزارهای پدید آوردن، منتقل ساختن و کشف پرتوهای زیر سرخ سروکار دارد.

Institutions, social.

شاخه‌ای از جامعه‌شناسی که به بررسی سازمان مؤسسه‌های همگانی یا نیمه‌همگانی‌ای که برای رسیدن به هدفی که از نظر اجتماعی اهمیت آن بازشناخته است، تأسیس شده‌اند می‌پردازد.

Integrative sciences.

دانشهائی از آن بخش از سیستم zetetic دانش و شناسائی که می‌کشند دانش را به‌طور کلی به‌صورت يك سیستم متحد و هماهنگ درآورند.

Intersciences.

دانشهائی که موضوع آنها بخشهائی از دو یا چند دانش را که جنبه‌های مشترکی دارند دربرمی‌گیرد. گاهی آنها را دانشهای مرزی (border sciences) می‌نامند.

Ionography.

دانش الکتروفورز (electrophoresis) که خودنگاری (self-inscription) مسیر ذره‌های هسته‌ای باردار را که از امولسیون‌های (emulsions) عکاسی می‌گذرند بررسی می‌کند.

Ionospherics.

شاخه‌ای از زمین‌فیزیک (geophysics) و جئوشناسی (aeronomy) که لایه‌های یونی‌شده (ionized) دارای بار برقی جئو را، که در ارتفاع چهل کیلومتری، یا بالاتر، کره زمین را دربر گرفته است، بررسی می‌کند.

Irenics.

بخشی از الهیات که برخلاف الهیات جدلی (polemics)، روشهای رسیدن به هماهنگی و انسجام (harmony) را بررسی می‌کند.

Isogogics.

رشته‌ای از الهیات که برای توضیح انتقادی «کتاب مقدس» مسیحیان جنبه مقدماتی و تمهیدی دارد، و در تاریخ ادبی این کتاب بحث می‌کند.

J

Journalism.

شاخه‌ای از ارتباط جمعی (mass communication) که با اداره، گردآوری، ویرایش و نگارش خبر و مقاله برای روزنامه و مجله سرو کار دارد.

Jurisprudence.

دانش ماهیت و منشأ وظیفه‌ها و اصول قانون ، و جنبه‌های فلسفی و روانشناسی و اجتماعی يك حکم قانونی.

Jurisprudence, analytical.

بررسی jurisprudence به شیوه تحلیلی.

Jurisprudence, comparative.

بررسی اصول ، شیوه قانونگذاری ، رویه‌های قضائی و اداره نظام‌های حقوقی و قانونی گوناگون موجود در جهان.

K

Kalology.

بررسی آمیزش زیبائی (the beautiful) باصفت چیزهای محسوس.

Kinematics.

بخشی فرعی از دینامیک (dynamics) که حرکت نقطه‌ها و شکل‌ها را به صورت مجرد و انتزاعی بررسی می‌کند.

Kinematography.

هنر و فن عکسبرداری از چیزهای متحرك.

Kinesiology.

همان physical education است.

Kinesics.

بررسی حرکتهای بدنی غیرآوایی (nonvocal) که ممکن است نقشی در ارتباطات بازی کنند.

Kinetic theory of gases.

بخشی از فیزیک گازها ، بر بنیاد این فرض که ذره‌های گاز به خط

مستقیم حرکت می کنند، به یکدیگر برمی خورند، و در نتیجه سرعت و راستای حرکت آنها دگرگون می شود، و در اثر برخورد با دیواره های ظرف خود ، فشار ایجاد می کنند.

Kinetic theory of heat.

بخشی از ترمودینامیک (thermodynamics) که این اصل را مسلم می داند که میانگین انرژی جنبشی ذره های خرد يك ماده را دمای آن ماده معین می کند.

Kinetic theory of matter.

آن بخش از فیزیک که این اصل را مسلم می داند که در نتیجه جذب گرما ، ذره های خرد ماده ، چه گاز چه آبگونه چه دج ، ارتعاشهای سریع پیدا می کنند.

Kinetics.

شاخه ای از دینامیک (dynamics) که حرکت جسمهای مادی ای را که در معرض نیرو قرار گرفته باشند بررسی می کند.

Kinetics , chemical.

شاخه ای از شیمی فیزیکی که با فرایندهائی که در ضمن واکنشهای شیمیائی روی می دهند، و با پیشگویی در چند زمان انجام گرفتن آنها سروکار دارد.

Kinetography.

همان kinematography است.

L

Lamarckism.

نظریه ای است بر بنیاد مفهوم فرگشت آلی ناشی از دگرگونیهای

محیط زیست و توارثِ ویژگی‌هایی که در نتیجهٔ چنین دگرگونی‌های محیطی کسب می‌شوند.

Language engineering.

کاربرد زبان‌شناسی در مسئله‌های مربوط به ارتباطات در میان مردم بی‌سواد یا کسانی که زبان‌شان الفبا و واژه‌نامه یا نمادهای نوشتاری (written) ندارد.

Language, sign.

سیستمی از پیام‌رسانی با ژست و ایماء و اشاره .

Larithmics.

بررسی کمی جمعیت‌ها.

Laryngology.

شاخه‌ای از پزشکی که گلو و بیماری‌های آن را بررسی می‌کند.

Laryugoscopy.

فن معاینهٔ گلو بوسیلهٔ ابزارهای ویژه.

Law.

بررسی قاعده‌های رفتاری که قوه‌ای از قوای دولت مقرر می‌دارد و اجرا می‌کند.

Law, international.

مجموعه‌ای از قاعده‌ها و مقررات که هنوز تدوین نشده، ولی ملتها آن را به‌عنوان راهنمایی در روابط با یکدیگر موقتاً پذیرفته‌اند.

Law, sociology of.

بررسی قانون در ارتباط با نهادها و فرایندهای اجتماعی دیگر.

Lepidopterology.

بررسی پروانه‌ها.

Lexicography.

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با قاعده‌های فراهم‌آوری فهرست‌هایی از واژه‌ها و عبارتهای یک زبان و آوردن مطالبی درباره منشأ و تلفظ و معنای آنها سروکار دارد.

Liberal arts.

یک برنامه آموزشی سنتی است شامل آموزش علوم انسانی و برخی از دانشهای دیگر به عنوان پایه آموزش و پرورش دانشگاهی (academic). از آموزش تکنولوژیک و حرفه‌ای متمایز است.

Library science.

دانش اصولی (سیستماتیک) بدست آوردن، فهرست کردن، به گردش انداختن و نگاهداری کتابها، سندها و نسخه‌های خطی و جز اینها.

Lichenology.

شاخه‌ای از گیاهشناسی که سازواره‌هایی را که از همزیستی یک قارچ و یک جلبک تشکیل می‌شود بررسی می‌کند.

Limnobiology.

بررسی سازواره‌های گیاهی و جانوری‌ای که در آب شیرین زندگی می‌کنند.

Limnology.

بررسی تالابها و دریاچه‌ها از نظر شرایط و اوضاع و احوال زمینشناسی، فیزیکی، شیمیایی و زیستشناسی.

Linguistic geography.

همان dialectology است.

Linguistics.

مجموعه‌ای نظام یافته (systematized) از دانش و شناخت که با

مشاهدات ، واقعیتها و نظریه‌های مربوط به زبان گفتار یا زبان نوشتار سروکار دارد.

Linguistics, comparative.

بررسی دگرگونیهای منظم (سیستماتیک) در يك زبان و بررسی اختلافهای میان زبانهای گوناگون که بوسیله آنها می‌توان خاستگاه ، پیوستگی و خانواده‌های زبانی را شناخت.

Literature.

به عنوان يك هنر ، literature عبارت است از بیان اندیشه و احساس بوسیله نوشتن.

Lithography.

فن نقل کردن نوشته‌ها و طرحها و نقشها بر سنگ ، روی ، آلومینیوم یا ماده‌ای دیگر ، و نسخه‌برداری چاپی از آنها.

Lithology.

شاخه‌ای از زمینشناسی که سنگها را بررسی می‌کند.

Logic.

دانشی است که با استدلال سروکار دارد ؛ این دانش قاعده‌ها ، روشهای نمادی (symbolic) و عملهایی را بررسی می‌کند که بوسیله آنها می‌توان استنتاجهای درست کرد.

Logic, deductive.

شاخه‌ای از منطق که با اثبات دقیق یا استنتاج يك حکم (نتیجه) از يك یا چند حکم دیگر (مقدمات) سروکار دارد.

Logic, inductive.

به گفته جان استوارت میل (John Stuart Mill): «عمل کشف کردن و ثابت کردن قضیه‌های کلی» یا «آن عمل ذهن که بوسیله آن نتیجه می‌گیریم که آنچه در حالت یا حالاتی معین درست است ، در همه

حالت‌هایی نیز که از برخی از جهات معین با آن حالت نخست همانند است، درست است».

Logic, traditional formal.

منطقی است که ارسطو (نخستین سده پ.م.) وضع کرد و باردیگر آنرا پیرامون ۱۱۵۰ میلادی از نو از نوشته‌های او کشف کردند. به تجزیه و تحلیل قضیه‌ها اهمیت بسیار می‌دهد و با مفهوم «تقابل» (opposition)، «استنتاج بی‌واسطه» و «قیاس» (syllogism) سروکار دارد. از زمان فرانسیس بیکن (Francis Bacon) و ارغنون جدید (Novum Organum) او، «استقراء» (induction) به عنوان موضوع بر آن افزوده شده است.

Logistics, military.

شناخت اصولی (سیستماتیک) و فن مربوط به مسائل ترابری (transportation) تجهیزات و سازو برگ و دیگر ملزومات نیروهای ارتشی.

Logopedics.

شاخه‌ای از پزشکی که کالبدشناسی و فیزیولوژی اندام‌هایی را که در سخن گفتن و تولید صوت شرکت دارند بررسی می‌کند. شامل انحراف‌های آسیب‌شناسی و درمان آنها نیز می‌شود.

Logotherapy.

شاخه‌ای از روان‌درمانی (psychotherapy)، بر بنیاد این نظریه که باید بیمارانی را که از یافتن معنایی در زندگی خود درمانده‌اند یاری کرد تا به آن هدف‌هایی روی آورند و بپردازند که به زندگانی ایشان بهترین معنی و مفهوم را می‌بخشد.

Lymphatics.

کالبدشناسی و فیزیولوژی دستگاه لنفی پستانداران.

M

Macrography.

بررسی نوشته‌هایی که به خط درشت است به‌عنوان نشانه‌ای از پریشانی و اختلال فکری و ذهنی.

Magnetics.

شاخه‌ای از فیزیک که پدیده‌هایی را که آهنرباهای طبیعی و مصنوعی القاء می‌کنند و خواصی را که در مواد گوناگون ایجاد می‌کنند، بررسی می‌کند.

Magnetism.

همان magnetics است.

Magnetism, terrestrial.

شاخه‌ای از زمین‌فیزیک که نظریه و روشهای اندازه‌گیری دگرگونیهای شدت و راستای میدانهای مغناطیسی را بر روی زمین، در بالای سطح زمین و در زیر سطح زمین بررسی می‌کند.

Magnetochemistry.

بررسی پدیده‌های شیمیائی مانند catalysis، رادیکالهای آزاد، و جزاینها در ارتباط با خواص مغناطیسی مواد، بویژه حساسیت مغناطیسی آنها.

Magnetoelectricity.

شاخه‌ای از فیزیک که با تولید برق از راه القاء مغناطیسی و بالعکس سروکار دارد.

Magnetohydrodynamics.

بررسی حرکت پلاسمای (plasma) ذره‌های به صورت یون

درآمده (ionized) در سیالی که يك میدان مغناطیسی در آن نفوذ کرده باشد.

Magnetometry.

بررسی ابزارها و تکنیکهای تعیین شدت و راستای میدانهای مغناطیسی.

Magneto-optics.

شاخه‌ای از فیزیک که اثرات میدان مغناطیسی را بر روی پرتوهای (beams) نور، بویژه پولاریزاسیون (polarization) و پراکنش (dispersion) آنها بررسی می‌کند.

Malacology.

آن شاخه از جانورشناسی که با مورفولوژی (morphology)، رده‌بندی و ساختمان نرم‌تنان (mollusks) سروکار دارد.

Mammalogy.

شاخه‌ای از جانورشناسی که مورفولوژی (morphology)، دسته‌بندی (taxiology) و ساختمان پستانداران را بررسی می‌کند.

Management.

فن و دانش سازمان دادن، راهنمایی کردن، و بازبینی (کنترل) فعالیتهای افراد و گروهها برای رسیدن به هدفهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و جزاینها.

Marketing.

شاخه‌ای از اقتصاد که سازه‌های مؤثر در کار پخش و جریان کالاها را از تولید کننده تا مصرف کننده، و نیز روشهای ایجاد بازارهای تازه برای فرآورده‌های کشاورزی و صنعتی را بررسی می‌کند.

Martyrology.

بررسی زندگانی و رنجهای شهیدان آن چنان که در تاریخ کلیسا

روایت شده است.

Marxism.

نظریه‌ها و آموزشهای سیاسی و اقتصادی مارکس (Marx) و انگلس (Engels) که قدرتهای مادی تولید و مبارزه طبقاتی را نیروهای بنیادی فعال در تاریخ می‌انگارند.

Mass communication.

بررسی روشها و اثرهای نشر دانش و آگاهی با وسایلی مانند مطبوعات، رادیو و تلویزیون و جزاینها.

Materia medica.

شاخه‌ای از پزشکی که با بررسی موادی که برای آرام کردن درد یا درمان بیماریها سودمندند، بویژه خواص و اثرهای فیزیولوژیکی این‌گونه مواد سروکار دارد.

Materialism, dialectical.

نظریه فلسفی واقعیت که بنیادش بر فرض عمومیت دگرگونی و پیوستگی دینامیک میان چیزها (ontology) و مفهوما (منطق) استوار است.

Materials, strength of.

شاخه‌ای از مکانیک کاربردی بر بنیاد نظریه کشسانی (elasticity)، متالورژی (metallurgy)، و فیزیک solid-state؛ اصلهائی را بررسی می‌کند که از روی آنها بتوان مقاومت مصالحی را که در ساختمانها، ماشینها یا تأسیسات پیچیده مهندسی به کار می‌روند، دانست.

Materials, testing of.

شاخه‌ای از مکانیک کاربردی که با روشها و افزارهائی سر و کار دارد که در تعیین مقاومت و دوام مصالح برای ارزیابی شایستگی آنها در ساختمانهای معماری و مهندسی، به کار می‌روند.

Mathematics.

دانش استدلال نمادی (symbolic) تا اندازه‌ای صوری. شکل، ترتیب و کمیت، از جمله نظریه‌های مربوط به عمل کردن با این عوامل را بررسی می‌کند.

Mathematics, applied.

شاخه‌ای از homologic symbolics که در آن از ساختمانهای ریاضی صوری‌ای (formalized) استفاده می‌شود که متضمن مفهوم زمان و ماده یا سازه‌های زیستی، روانی و اجتماعی و جز آنها، علاوه بر مفهومی‌های صرفاً ریاضی فضا، ترتیب و کمیت می‌باشد.

Mechanics.

شاخه‌ای از فیزیک که اثر نیرو بر ماده، و حالت حرکت یا ترازمندی‌ای را که از آن نتیجه می‌شود بررسی می‌کند.

Mechanics, celestial.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که با نظریه ریاضی حرکت جرمهای آسمانی، از جمله دگرگونیهای قرنیه (secular)، حرکت قمرها، مسئله‌های سه جسمی و اثرهای نسبیت سر و کار دارد.

Mechanics, fluid.

نامی است گروهی برای مکانیک آبگونه‌ها و گازها.

Mechanics, statistical.

شاخه‌ای از فیزیک که در آن از روشهای آماری برای بررسی رفتار کلی سیستمهایی که از ذره‌های بسیار ترکیب یافته‌اند (مانند مولکولها) استفاده می‌شود.

Mechanics, variational.

شاخه‌ای از فیزیک نظری بر بنیاد اصول دیفرانسیل و انتگرال‌تغییری (variational calculus) و روشهای بهترین بهره‌گیری از برخی کمیتها

مانند زمان ، کنش ، هزینه ، اجراء (performance) و جزاینها.

Mediatrics.

دانشی است که به پیشنهاد ه . ف . الیس (H.F. Ellis) از ترکیب pediatrics و geriatrics پدید آمده است، و کار آن بررسی بهداشت و بیماریهای ویژه افراد میانسال (۳۵ تا ۵۹ ساله) می باشد.

Medical sciences.

نامی گروهی برای دانشهائی بنیادی که پایه پزشکی می باشند.

Medical technology.

شاخه ای از تکنولوژی که با طراحی و عمل ابزارهائی که بویژه در تشخیص، جراحی و دیگر کارهای پزشکی به آنها نیاز هست ، سرو-کار دارد.

Medicine.

دانش بیماری در آدمیان و جانوران، و بررسی روشهای جلوگیری و درمان بیماریها و کار بستن آن روشها.

Medicine, aero-space.

بررسی جنبه های پزشکی پروازهای بسیار سریع هوائی و فضائی، بویژه اثرهای فیزیولوژیکی شتاب (acceleration) و بی وزنی.

Medicine, comparative.

دانش پزشکی انسان در سنجش با دام پزشکی ، بویژه پژوهش در اختلافهای آسیب شناسی انسانی و جانوری.

Medicine, forensic.

بخشی از پزشکی مربوط به jurisprudence.

Medicine, internal.

آن شاخه ای از پزشکی که به بررسی بیماریهای مربوط به اندامهای درونی بدن و وظایف آنها می پردازد.

Medicine, nuclear.

بررسی و درمان بیماریهای ناشی از مواد رادیو آکتیو یا تشعشعهای آنها.

Medicine, occupational.

بررسی و درمان بیماریهای پیشه‌های معین.

Medicine, physical.

بررسی آن جنبه‌هایی از فیزیک که در تشخیص و درمان بیماری نقش مهمی بازی می‌کنند.

Medicine, preventive.

شاخه‌ای از پزشکی که وسیله‌های جلوگیری از خطرهایی که بهداشت افراد یا جامعه را تهدید می‌کند، بررسی می‌کند. معمولاً آنرا state medicine یا public health می‌نامند.

Medicine, psychological.

همان psychosomatic medicine است.

Medicine, psychosomatic (psychomatic).

شاخه‌ای از پزشکی که بیماریهای جسمانی ناشی از نابسامانیهای روانی و یا عاطفی را بررسی می‌کند.

Medicine, tropical.

آن شاخه از پزشکی که بیماریهای شایع در منطقه حاره را بررسی می‌کند.

Medicine, veterinarian.

بررسی و درمان بیماریها و آسیبهای جانوران بویژه جانوران اهلی.

Medico - psychology.

شاخه‌ای از پزشکی که از اصول روانشناسی (در درمان بیماریها)

بهره می‌گیرد.

Mendelism.

پایه‌های اصلی وراثت آن‌چنان‌که مندل (Mendel) بیان کرده است.

Mensuration

محاسبه درازای خطها، بخشهایی از رویه‌ها، و گنجهای دجها
بوسیله فرمولهایی که با روشهای هندسی و مثلثاتی تحلیلی
(analytic) بدست آمده است.

Metabletics.

همان historical psychology است.

Metalinguistics.

بررسی سیستمهای فرهنگی و الگوهای رفتاری وابسته به ساختمان
زبان و معنی.

Metallography.

بررسی ریزبینی (میکروسکوپی) ساختمان فلزها و آلیاژها از راه
بررسی عکسهای ریزبینی ای (photomicrographs) که از رویه آنها
گرفته شده است.

Metallurgy.

بررسی روشهای استخراج و پالایش فلزها و فراوری آلیاژهایی
با خواص ویژه.

Metamathematics.

اصطلاحی است که برای نظریه برهان هیلبرت (ریاضیدان آلمانی)
به کار می‌رود. این نظریه که بوسیله سیستم لوجستیک اشتقاق می‌یابد
برهانهای ریاضی را به صورت صوری بیرون می‌آورد، و با آنها
مانند وسیله‌ای مادی در فرمولهای ریاضی، بدون توجه به معنای آنها،

عمل می کند.

Metaphysics.

بخش اصلی فلسفه که از ماهیت غائی واقعیت (reality) و هستی شناسی (ontology) بحث می کند.

Metapsychology.

گسترش دادن پژوهش به آن سوی زمینه روانشناسی آزمایشی به - پژوهشهای نظری (speculations) درباره نقش ذهن (mind) در کیهان.

Meteoritics.

دانشی که به بررسی شهابها (meteors)، شهابسنگها (meteorites) آسمان سنگها (aerolites) و شهابسنگهای آهن دار (siderites) که از فضای خارجی به زمین می رسند، و فراوانی، ترکیب شیمیائی، اثرهای نوری، تلاشی، و تأثیر یونی شدن (ionizing) آنها بر جو می پردازد.

Meteorology.

شاخه ای از زمین فیزیک که سازه های جوی ای را که در آب و هوا (weather) تأثیر می کنند و برای پیش بینی دگرگونی های آب و هوا اهمیت بنیادی دارند، بررسی می کند.

Methodeutics.

همان methodology است.

Methodology.

ترکیبی از منطق و فلسفه دانش که سازمان و روشهایی را بررسی می کند که سویابی (orientation) در دانشها را آسان می سازند.

Methodology, general.

بررسی روشهای پژوهشی ای که همه دانشها را به کار آید.

Metrics.

آن بخش از عروض (prosody) که بحر و وزن (metric) را در شعر بررسی می‌کند.

Metrology.

بررسی روشهای وضع کردن سیستمهای منسجم برای وزنها و اندازه‌ها و واحدهای بنیادی اندازه‌گیری.

Microanalysis.

تکنیکهای تجزیه و تحلیل (آنالیز) شیمیائی با به کار بردن مقدارهای بسیار اندک از یک ماده.

Microanatomy.

اصطلاحی است که استعمال برای بافتشناسی (histology) اندامها؛ گاهی کالبدشناسی ریزبینی (microscopic anatomy) نامیده می‌شود تا از بافتشناسی بافتها متمایز باشد.

Microbiology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که کهسازواره‌ها (microorganism) را بررسی می‌کند.

Microbiology, industrial.

شاخه‌ای از میکروبیشناسی که در آن از تخمیر و دیگر فرایندهای حاصل از فعالیت‌های کهسازواره‌ها برای ساختن فراورده‌های سودمند گوناگون مانند الکل، آبجو، پنیر، آنزیمها و آمینواسیدها (amino acids) و جزاینها، استفاده می‌شود.

Microbiology, soil.

شاخه‌ای از میکروبیشناسی که کهسازواره‌های موجود در خاک و اثرهایی را که فعالیت آنها در خاکهای گوناگون پدید می‌آورد، بررسی می‌کند.

Microchemistry.

شاخه‌ای از شیمی که خواص مواد را از روی مقدار بسیار اندکی از آنها (پیرامون يك ميليگرم) بررسی می‌کند. در صورتی که در ultramicrochemistry برای چنین بررسی‌ای يك میکروگرم (= يك میلیونیم گرم) از مواد کفایت می‌کند.

Microclimatology.

بررسی آب و هوای (climate) پهنه کوچکی که ناحیه‌ای با آب و هوایی کاملاً متفاوت آن را فراگرفته باشد.

Microcrystallography.

بخشی از بلورشناسی (crystallography) که به بررسی موادی می‌پردازد که از بلورهای بسیار خرد که تنها با ریزبین دیده می‌شوند، ترکیب شده‌اند.

Microcrystalloscopy.

فن بررسی بلورهای ریز بوسیله ریزبین.

Microgeology.

بررسی ویژگیهای ریزبینی سنگها، و نیز بررسی بستگی کهنساز-واره‌ها با زمینشناسی.

Micrography.

۱- هنر خطنویسی با حرفهای ریز.

۲- بررسی و توصیف چیزهای بسیار خرد به یاری آزمایش‌های ریزبینی.

Microlinguistics.

تجزیه و تحلیل (آنالیز) صوری ساختمان زبان که بنیاد متالینگویستیک (metalinguistics) را پی‌ریزی می‌کند.

Micromagnetics.

شاخه‌ای از magnetics که مواد فرومگنتیک (ferromagnetic)

را بر میزانی چندان خرد که جزئیات نقاط انتقال میان قلمروها را آشکار کند، و چندان بزرگ که استفاده از يك بردار magnetization پیوسته را بیش از بردار چرخشهای (spins) اتمی منفرد اجازه دهد، بررسی می کند.

Micromechanics.

۱- تکنولوژی فراوردن دستگاههایی بسیار کوچک، مانند ترانزیستورها.

۲- بررسی دینامیک (dynamics) ذره‌هایی مانند اجزاء سازنده اتم یا مولکول.

Micromeritics.

تکنولوژی چیزهای بسیار خرد و اندازه‌گیری، ابعاد، پخش، ترتیب بسته‌بندی، خواص فیزیکی و کاربردهای صنعتی آنها.

Micrometallography.

پژوهش ریزبینی در نمونه‌های بسیار خرد فلزها.

Micrometallurgy.

بخشی از متالورژی (metallurgy) که با مقادیر بسیار اندک از فلز سروکار دارد.

Micrometry.

تکنیک اندازه‌گیری فاصله‌های بسیار خرد با ریزسنج (میکرومتر).

Micrometeorology.

بخشی از زمین‌فیزیک که کنش متقابل جو و زمین، یعنی جریان عمودی هوا در نتیجه conduction و convection را بررسی می کند.

Micromineralogy.

پژوهش در مقدارهای بسیار اندک از کانیها.

Micropaleontology.

بررسی سنگواره کپسازواره‌ها و نیز آنالیز دانه‌های سنگواره شده.

Micropathology.

۱- بررسی بیماری‌هایی که کپسازواره‌ها پدید می‌آورند.

۲- بررسی دگرگونی‌های آسیب‌شناسی بسیار کوچک.

Micropetrography.

توصیف ویژگی‌های ریزینی سنگها.

Micropetrology.

بررسی ویژگی‌های ریزینی سنگها.

Microphotography.

تکنیک عکسبرداری از چیزهای ریزینی و بزرگ کردن عکس آنها یا کوچک کردن تصویرها چندان که تنها با ریزین بتوان آنها را دید.

Microphotometry.

اندازه‌گیری اختلاف چگالی نور در سطح بسیار کوچکی از یک عکس.

Microphysics.

نامی است گروهی برای بخشی از فیزیک که جنبه‌های اتمی و زیر اتمی (subatomic) ماده را بررسی می‌کند.

Microradioautography.

بررسی ردیابهای (tracers) رادیواکتیوی که در دانشها و تکنولوژی به کار می‌روند.

Microradiography.

شاخه‌ای از پرتونگاری با اشعه ایکس که کاربری آن در بررسی

نمونه‌های بسیار کوچک از مواد فلزی، سرامیکی و زیستی است.

Microscopy.

روشها و کاربرد افزارهای ویژه در بزرگ کردن تصویر برای آسان ساختن بررسی آنها.

Microseismology.

شاخه‌ای از زمین لرزه شناسی (seismology) که به بررسی لرزه‌های ضعیف زمین که تنها با کهلرزه‌سنجهای بسیار حساس قابل تشخیص است، می‌پردازد.

Microseismometry.

تکنیک اندازه‌گیری لرزه‌های بسیار خفیف زمین.

Microstatistics.

کاربرد آمار در سیستم جسمها یا ذره‌های بسیار خرد (microscopic).

Microsurgery.

روشها و تکنیکهائی که در رویانشناسی آزمایشی و یاخته‌شناسی (cytology) برای پیوند زدن و دستکاری کردن دستگاههای زیستی مانند زیگوت (zygote) و سیتوپلاسم (cytoplasm) و جز آنها در طی رشدشان به کار می‌رود.

Microtopography, surface.

بررسی توپوگرافی (topography) رویه‌ها، بویژه رخساره بلورها بوسیله multiple-beam interferometry.

Microzoology.

شاخه‌ای از میکروشناسی که سازواره‌های جانوری ریزبینی را بررسی می‌کند.

Mineralogy.

دانش کانیها که ویژگیها، رده‌بندی و روشهای جداسازی آنها را

بررسی می‌کند.

Mnemonics.

بررسی روشها و وسیله‌هائی که در به‌یادسپاری، و تربیت و تقویت «حافظه» سودمنداند.

Monadology (Monadism).

نظریه‌ای که برونو (Bruno) طرح کرد و لایبنیتس (Leibnitz) پرورد، که جهان از واحدهای یگانه و فنا ناپذیر و مرتبط به‌همی به‌نام موناَد (monad) ساخته شده است که هریک از آنها کیفیتهای ذهنی (mental) و روحی‌ای را که منعکس‌کننده جهان است، دربر دارد.

Monogenism.

این نظریه که نژادهای گوناگون آدمی از يك نیا پدید آمده‌اند.

Morphemics.

بررسی آن بخش از مورفولوژی (morphology) زبان که با تقطیع (segmentation) مواد بنیادی يك زبان به واحدهای گوناگون ساختمانی (structural) و دستوری سروکار دارد.

Morphology.

- ۱- شاخه‌ای از زیستشناسی که شکل و ساختمان گیاهان و جانوران را (در برابر فیزیولوژی آنها) بررسی می‌کند.
- ۲- بررسی کوچکترین واحدهای ساختمانی زبان که دارای معنیهای واژگانی یا دستوری هستند.
- ۳- شاخه‌ای از زمینشناسی که با ساختمان سنگها و نیز شکل و ویژگیهای توپوگرافیک آنها که در نتیجه فرسایش پدید آمده است، سروکار دارد.

Music.

هنر تنظیم و ترتیب صداها (tones) با چنان پیوستگیهایی از ریتم

(rhythm) ، ملودی (melody) و هماهنگی (harmony) که اثرهای جالب و یا خوشایندی برای گوش پدید آید.

Music , experimental.

روشهای برنامه‌نویسی قاعده‌های گوناگون موسیقی با يك شمارگر رقمی (digital computer) به‌منظور آهنگسازی، فراهم کردن تمرین-هائی برای آموزش موسیقی، و تعیین آهنگسازان و سبکهای ایشان.

Musical engineering.

شاخه‌ای از مهندسی اکوستیک که در بارهٔ ارتباط متقابل موسیقی و آواز و شنوائی با ویژگیهای افزارهای موسیقی و با تکنولوژی ضبط و بازنوازی آواها بررسی می‌کند.

Musicology.

کشف و تنظیم اصولی دانستنیهای مربوط به موسیقی. با دانشهای مانند اکوستیک (acoustics) ، فیزیولوژی ، روانشناسی، زیباشناسی ، آموزش و پرورش، نژادشناسی و تاریخ ارتباط دارد.

Mycology.

شاخه‌ای از گیاهشناسی که قارچها را بررسی می‌کند.

Mycology, medical.

کاربرد دانش قارچها در epidemiology و immunology ، و جز اینها.

Myology.

شاخه‌ای از کالبدشناسی که به بررسی ماهیچه‌ها می‌پردازد.

Myrmecology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که دربارهٔ مورچه‌ها بررسی می‌کند.

Mythology.

دانشی است که خاستگاه و ادبیات مربوط به اساطیر را ردگیری

می‌کند.

Mythology , comparative.

شاخه‌ای از میتولوژی (mythology) که خاستگاههای مشترک اسطوره‌ها و باورها را در میان گروههای مختلف مردمان بررسی می‌کند.

N

Natural history.

نامی است گروهی که غالباً برای دانشهایی چون جانورشناسی، گیاهشناسی و کانیشناسی و جزاینها به کار می‌رود.

Natural science.

نامی است گروهی برای دانشهای وابسته به فیزیک، شیمی، ستاره-شناسی، زمینشناسی، کانیشناسی و زیستشناسی.

Nature study.

مشاهده چیزها و پدیده‌ها آنچنان که در طبیعت پدیدار می‌شوند، مانند پرندگان، گلها، کانیها، آب و هوا، و جزاینها.

Navigation.

دانش و فن راندن کشتیها، هواپیماها و کشتیهای فضائی با بهره-گیری از افزارهای ویژه‌ای برای تعیین موقعیت و مسیر آنها.

Nematology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که نماتودها (Nematoda) را بررسی می‌کند. نماتودها رده‌ای از کرمها هستند که بدنشان قطعه قطعه نیست، و threadworm هم نامیده می‌شوند. بسیاری از آنها به حالت آزاد در آب و خاک و خز و جزاینها زندگی می‌کنند؛ برخی دیگر انگلند.

Neo-Darwinism.

نظریه‌ای است که می‌گوید گزینش طبیعی و وراثت سازه‌های اصلی در فرگشت زیستی هستند، ولی صفتهای اکتسابی از راه توارث انتقال‌پذیر نیستند.

Neo-Lamarckism.

روند (trend) تازه‌ای است در بررسی فرگشت زیستی (biological)، بویژه در اتحاد جماهیر شوروی، بر بنیاد این نظر که صفتهای اکتسابی از راه توارث انتقال‌پذیر اند.

Nephelometry.

روشی است اپتیک (optic) برای تعیین جرم یا وزن یک ته‌نشست به‌حال تعلیق، بر بنیاد این واقعیت که شدت نور بازتابیده تابعی از ماده معلق است.

Nephology.

شاخه‌ای از آب‌وهواشناسی (climatology) که ابرها را بررسی می‌کند.

Nephrology.

بررسی گُردها (قلوه‌ها یا کلیه‌ها).

Neuroanatomy.

شاخه‌ای از کالبدشناسی سنجشی که سلسله پیه‌های مرکزی را بررسی می‌کند.

Neurobiology.

شاخه‌ای از زیست‌شناسی سنجشی که جنبه‌های گوناگون سلسله پیه‌های مرکزی را بررسی می‌کند.

Neurochemistry.

شاخه‌ای از پیش‌شناسی (neurology) که ساختها و فرایندهای

شیمیائی همراه با فعالیت سلسله پیه‌ای مرکزی را بررسی می‌کند.

Neurochemistry , comparative.

شاخه‌ای از neurochemistry که بنیادش بر آگاهیهائی است که از بررسی جانوران گوناگون بدست می‌آید.

Neuroembryology.

شاخه‌ای از پیشناسی که به بررسی سلسله پیه‌ای رویان می‌پردازد.

Neuroendocrinology.

شاخه‌ای از پیشناسی که اثر ترشحات درونی را بر سلسله پیه‌ای مرکزی بررسی می‌کند.

Neurology.

دانشی که سلسله پیه‌ها را به عنوان يك كُله، از جمله یاخته‌های عصبی، پیه‌ها و مراکز عصبی آنها و مکانیسمهائی که اعمال بدن آدمی را کنترل و هماهنگ می‌سازد، بررسی می‌کند.

Neurology , comparative.

بررسی سنجشی دستگاه‌های پی آدمی و جانوران.

Neuropathology.

شاخه‌ای از پزشکی که بیماریهای دستگاه پی را بررسی می‌کند.

Neuropharmacology.

بررسی اثر داروها در رفتار جانوران و در بیماریهای روانی آدمی. این دانش با روان‌درمانی (psychiatry) از راه بررسی بیماریهای روانی تلقینی که ما را در رسیدن به يك نظریه درباره بیماریهای روانی باری می‌کند، ارتباط می‌یابد.

Neurophysiology.

شاخه‌ای از پیشناسی که فیزیولوژی دستگاه مرکزی پی را بررسی می‌کند.

Neuropsychiatry.

شاخه‌ای از پزشکی است که نابسامانیهای روانی و ذهنی‌ای را که منشأ جسمانی دارند بررسی می‌کند.

Nidology.

شاخه‌ای از پرندشناسی (ornithology) که لانه‌های پرندگان را بررسی می‌کند.

Noemics.

دانشی که خرد و هوش آدمی را بررسی می‌کند.

Nomenclature.

شاخه‌ای از ترمینولوژی (terminology) که به بررسی نام‌هایی که در رده‌بندی چیزها در رشته‌های گوناگون دانش، به آن چیزها داده شده است یا باید داده شود، می‌پردازد.

Nomography.

شاخه‌ای است از ریاضیات که روشهای نمایش ترسیمی (graphic) روابط شماری یا جبری را بررسی می‌کند.

Nomology.

بررسی قانون در هر رشته، بویژه در قانونگذاری و روانشناسی.

Nomothetic sciences.

به دانش‌هایی گفته می‌شود که با فرایندهای تکرارپذیر سروکار دارند، مانند فیزیک و شیمی، که هدف آنها دست‌یافتن به تعمیم‌های انتزاعی (abstract) است.

Noogenetics.

بررسی اینکه فرایندهای شناخت و ادراک (cognition) چگونه با گذشت زمان دگرگون می‌شوند و فرگشت می‌یابند.

Normative sciences.

اصطلاحی است برای دانشهای ارزشیابی کننده (evaluative) که استانداردهائی برای اندیشیدن و رفتار وضع می کنند ، مانند دانش اخلاق و سیاست (در برابر آنها دانشهای تجربی empirical sciences قرار دارند).

Nosology.

بررسی بیماری از دیدگاه تشخیص (diagnosis).

Nostology.

بررسی سازوارهها در فرایند پیر شدن.

Nuclear reactor technology.

آن بخش از تکنولوژی که با طراحی، ساختن، به کار انداختن و کنترل کردن زایاهای (مولدهای generators) نیروی هسته ای سروکار دارد.

Nucleonics.

دانشی است که در باره پدیده های درون اتم، ذره ها، ساختمان، واکنشها، و کاربردهای آنها به عنوان منبع انرژی اتمی بررسی می کند.

Numbers, theory of.

آن بخش از ریاضیات که در درجه نخست، خواص شمارهای صحیح مثبت و منفی و رابطه های میان آنها را بررسی می کند.

Numismatics.

بررسی سکه ها و نشانها (medals) و چیزهای همانند آنها.

Numismatology.

همان numismatics است.

Nursing.

دانش و عمل پرستاری از بیماران ، از بیماری بر خاستگان ، و

سالخوردگان.

Nutrition, science of.

شاخه‌ای از فیزیولوژی که خوراکیهای گوناگون و چگونگی گوارده-
شدن، جذب شدن و به مصرف رسیدن آنها را در بدن بررسی می کند.

O

Obstetrics,

دانش آسان کردن آبستنی و زایمان.

Occult sciences.

دانشهای دروغینی مانند کیمیاگری، جادوگری، اخترشناسی و
جزآن که در آنها از غیبگوئی، تعزیم، اوراد و فنون و اعمال رازآمیز
دیگر استفاده می شود.

Oceanography.

شاخه‌ای از زمینفیزیک که اقیانوسها، صورت بندی، جزر و مد،
ژرفا، جریانها، دما و محتویات کانی آنها را بررسی می کند.

Oceanology.

بررسیهای زیرآبی در اقیانوسها بوسیله ناوهای که چنان ساخته
شده اند که می توانند فشار زیاد را در ژرفاها تحمل کنند.

Odometry.

بررسی روشهای اندازه گیری فاصله ها.

Odontology.

بررسی ساختمان، رشد و بیماریهای دندانها.

Oenology.

بررسی فراوری و ویژگیهای شرابها.

Olericulture.

بخشی از کشاورزی که با کشت و پرورش سبزیهای خوراکی سروکار دارد.

Oncology.

بررسی منشأ و ساختمان تومورها (tumors)

Oneirics (Oneirology).

بررسی و تعبیر خوابها.

Onomatology.

بخشی از زبانشناسی که به بررسی نامها می‌پردازد.

Ontogeny.

شاخه‌ای از زیستشناسی که تکامل (تاریخچه زندگی) يك موجود زنده را بررسی می‌کند.

Ontology.

شاخه‌ای از متافیزيك که در نظریه، خواص و روابط هستی بحث می‌کند.

Oölogy.

شاخه‌ای از پرندشناسی (ornithology) که تخمهای پرندگان را بررسی می‌کند.

Opera.

صورتی از هنر که در آن نمایش با موسیقی در آمیخته است چنان‌که داستان نمایش بیشتر با آوازا و ایماء و اشاره و رقصهائی که ارکستر آنها را همراهی می‌کند، پرورده و بیان می‌شود.

Operation research.

دانش یافتن بهترین راه حلها برای مسئله‌هائی که در عمل يك دستگاه (سیستم) کنترل شده دارای امکانهائی گوناگونی هستند.

Ophiology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که خزندگان را بررسی می‌کند.

Ophthalmology.

دانشی که پدیده بینائی و نیز چشم را در حال عادی و در بیماری بررسی می‌کند.

Ophthalmoscopy.

بررسی چشم بوسیله دستگاه افتالموسکوپ (ophthalmoscope).

Optics.

شاخه‌ای از فیزیک که موجهای الکترومغناطیسی قابل دیدن و خواص و پراکنش آنها را بررسی می‌کند.

Optics, coherent.

شاخه‌ای از اپتیک (optics) که درباره تولید، خواص و نظریه پرتوهای نور که تشعشع آنها از لحاظ بسامد و راستا پیوسته (coherent) است، بررسی می‌کند.

Optics, geometrical.

شاخه‌ای از فیزیک که نور را موجهای الکترومغناطیسی می‌داند که به خط راست می‌پراکنند، و مسیر آن را از راه بررسی «پرتوهای» نور در دستگاههای بازتاباننده و شکست‌دهنده (refracting) ردگیری می‌کند.

Optics, instrumental.

همان geometrical optics است.

Optics, microwave.

بررسی موجهای کوتاه الکترومغناطیسی که بکاربردن رهنمونهای انتقال (transmission guides) و افزارهای موجگزین (cavity-tuning) را میسر می‌سازند.

Optics, physical.

بخشی از فیزیک که مکانیسم نور و پراکنش آن را بررسی می‌کند.

Optics, physiological.

بخشی از فیزیک و فیزیولوژی که چشم را به عنوان یک افزار اپتیک (optic) و گیرنده تصویر بررسی می‌کند.

Optometry.

شاخه‌ای از چشم‌پزشکی (ophthalmology) که روشهای اندازه‌گیری حدود دید چشم را برای یافتن عیبهای دید و اصلاح این عیبه‌ها بررسی می‌کند.

Organogeny.

شاخه‌ای از رویانشناسی که ویژگیهای اندامهای جانوران را هنگامی که این اندامها از لایه‌های سلولی (germ layers) پدید می‌آیند بررسی می‌کند.

Organography.

شاخه‌ای از زیستشناسی که آن بخشهایی از گیاهان یا جانوران را توصیف می‌کند که اندامهایی با وظیفه‌های متمایز شمرده می‌شوند.

Organology.

دانش اندامها (organs)، ساختمان و تکامل آنها.

Ornithology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که پرندگان را بررسی می‌کند.

Orography.

بررسی توصیفی کوهها.

Orology.

دانش کوهها.

Orthodontia.

شاخه‌ای از اورتوپدی (orthopedics) که ناصافیها و نامرتبیهای دندانها و روشهای اصلاح آنها را بررسی می‌کند.

Orthogenesis.

بررسی دگرگونگیهای سازواره‌ها صرف‌نظر از گزینش طبیعی.

Orthography.

بخشی از دستور زبان (گرامر) که املاء و قاعده‌های درست‌نویسی املائی را بررسی می‌کند.

Orthopedics.

شاخه‌ای از پزشکی که آسیبها، و نیز بدشکلیهای استخوانی و چگونگی پیشگیری و اصلاح آنها را، بویژه در کودکان، بررسی می‌کند.

Orthopsychiatry.

شاخه‌ای از روانپزشکی که با بررسی و پیشگیری نابسامانیهای روانی بویژه در جوانان سروکار دارد.

Oscillography.

بررسی پدیده‌های گذران متناوب بوسیلهٔ نوساننما (oscilloscope).

Oscilloscopy.

همان oscillography است.

Osteology.

شاخه‌ای از کالبدشناسی که ساختمان استخوانی جانوران را بررسی می‌کند.

Osteometry.

بررسی استخوانها از راه اندازه‌گیری.

Osteopathy.

روشی است در کار پزشکی که بر بنیاد این فرض نهاده شده است که اختلال مکانیکی تن سبب بیماری می شود.

Otolaryngology.

بررسی بیماریهای گوش و گلو.

Otology.

شاخه ای از پزشکی که بیماریهای گوش را بررسی می کند.

Otoscopy.

معاینه گوش بوسیله گوشنما (otoscope) .

P

Pacifics.

دانشی است نو رسته که پرونوتیک (pronoetics) و دانشهای نظام بخش و هماهنگ کننده (regulative areas) را به هم می پیوندد، و وسایل و راههای برقراری و نگهداری صلح در میان ملتها را جستجو می کند. به دو رشته علتشناسی (etiology) جنگ و پیشگیری (prophylactics) بخش می شود.

Painting.

هنر نمایاندن چیزهای واقعی یا پنداری با نقطه، خط، رنگ و بافت (texture).

Paleobotany.

شاخه ای از گیاهشناسی که بازمانده های آلی کهن گیاهان را بررسی می کند.

Paleochronology.

بررسی دوره‌های زمینشناسی از روی توالی نوع و شکل جانوران که به صورت سنگواره در چینه‌های زمین بازمانده است.

Paleoclimatology.

بررسی چگونگی‌های آب و هوا در روزگاران پیش از تاریخ.

Paleoecology.

بررسی بستگی شکل‌های زندگی در دوره‌های زمینشناسی گذشته با محیط آن دوره‌ها.

Paleoethnology.

شاخه‌ای از دانش که می‌کوشد فرهنگ، آداب و رسوم، و بستگی‌های اجتماعی آدمیان پیش از تاریخ را توصیف کند.

Paleography.

بررسی و تفسیر نوشته‌های باستانی و ویژگی‌های آنها.

Paleology.

همان باستانشناسی (archaeology) است.

Paleontography.

شاخه‌ای از دیرینشناسی که سنگواره‌ها را توصیف می‌کند.

Paleontology.

شاخه‌ای از دانش‌های زیستی که شکل‌های نخستین زندگی را بر پایه سنگواره‌هایی که در چینه‌های زمین یافت می‌شود بررسی می‌کند.

Paleopathology.

بررسی بیماری‌های آدمیان نخستین از روی ناهنجاری‌هایی که در سنگواره‌ها یافت می‌شود.

Paleopedology.

بررسی خاک‌های دوره‌های گذشته زمینشناسی.

Paleoserology.

شاخه‌ای از پالئولوژی (paleology) که گروه‌های خونی مردگان باستانی را بررسی می‌کند.

Paleozoology.

بررسی بازمانده‌های سنگواره‌ای جانوران.

Palynology.

شاخه‌ای از گیاهشناسی که دانه‌های گرده (pollen) و هاگ‌های (spores) گیاهی را بررسی می‌کند.

Panpsychism.

سیستمی است فلسفی بر بنیاد این نظریه که سراسر طبیعت از عناصری روانی همانند ذهن (mind) آدمی تشکیل شده است.

Pantheism.

سیستمی است از فلسفه و الهیات بر بنیاد این مفهوم که خدا جهان و جهان خدا است.

Pantography.

روش است از نسخه‌برداری (copying) و کتبه‌کاری (حکاکی) - به وسیله دستگاهی که از اجزاء متحرکی به صورت يك متوازی - الاضلاع تشکیل شده است.

Pantology.

اثری در بردارنده آگاهیهای کلی: دیدی اصولی (سیستماتیک) از همه شاخه‌های دانش.

Papyrology,

بررسی متنهاي باستانی که بر پاپیروس نوشته شده است.

Paradoxology.

دانشی است باستانی که به توصیف و توضیح پدیده‌هایی که

پارادکسهای طبیعت (paradoxes of nature) نامیده می‌شدند، همچون زمینلرزه، خسوف و کسوف و پدیده‌های غیرعادی دیگر، می‌پردازد.

Parapsychology.

پژوهش در دریافتهای فراحسی (extrasensory) به عنوان پایه‌ای برای بررسی تله‌پاتی (telepathy)، غیب‌بینی (clairvoyance)، پیش‌آگاهی (precognition) و انتقال اندیشه.

Parasitology.

شاخه‌ای از حشره‌شناسی (entomology) که به بررسی انگلها می‌پردازد.

Pasigraphy.

زبانی است نمادی (symbolic) که گسترش یافته و به صورت منطق ریاضی و لجیستیک (logistic) درآمده است.

Pasteurism.

در پزشکی روش تزریق ویروس به مقدارهایی که تدریجاً افزایش می‌یابد، برای درمان هاری و بیماریهای عفونی دیگر.

Pathography.

بررسی توصیفی شخصیت، بویژه شخصیت نوابغ، با ترکیب بینشهای (insights) روانپزشکی و جامعه‌شناسی.

Pathology.

شاخه‌ای از دانش پزشکی که علت‌های بیماری، دگرگونی‌هایی که این علت‌ها پدید می‌آورند، و وسیله مبارزه با آنها را بررسی می‌کند.

Pathology, plant.

همان phytopathology است.

Pathopsychology.

بررسی اثرهای روانی رنج، بیماری، هیجان و شهوت (passion).

Pedagogics.

همان pedagogy است.

Pedagogy.

بررسی اصلها و روشهای آموزش سیستماتیک.

Pediatrics.

شاخه‌ای از پزشکی که با بهداشت و بیماریهای کودکان سروکار دارد.

Pedology.

دانشی است که گونه‌ها، خواص، و روشهای نگهداری و اصلاح خاکها را بررسی می‌کند.

Penology.

دانشی است که در باره کیفرهای قانونی، بویژه در باره زندانها و اثرهای آنها بر بزهکاران بررسی می‌کند.

Perspective.

دانش و فن نمایش تصویر يك چیز سه بعدی بر يك رویه مسطح از روی قاعده‌های هندسه ترسیمی (descriptive).

Petrography.

شاخه‌ای از سنگشناسی (petrology) که با توصیف و رده‌بندی سنگها سروکار دارد.

Petrology.

شاخه‌ای از زمینشناسی که منشأ، تشکیل، ساختمان و پراکندگی جغرافیائی سنگها را بررسی می‌کند.

Pharmaceutical sciences.

نامی است گروهی برای شاخه‌های داروشناسی (pharmacology).

Pharmaceutics.

همان داروسازی (pharmacy) است.

Pharmacodynamics.

شاخه‌ای از داروشناسی (pharmacology) که واکنشهای میان داروها و سازواره‌های جانوری را بررسی می‌کند.

Pharmacognosy.

داروشناسی (pharmacology) توصیفی که با داروهای خام و گیاهان داروئی ساده سروکار دارد.

Pharmacology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که اثر مواد شیمیائی را بر جانوران مهره-دار و بی‌مهره بررسی می‌کند.

Pharmacology , endocrine.

شاخه‌ای از داروشناسی که با داروهائی چون ترکیبهای غیر-هورمونی (nonhormonal) سروکار دارد که می‌توانند ترشح هورمونها را دگرگون سازند و می‌توان از آنها در بررسی وظیفه‌های غده‌های درونریز (endocrine) بهره گرفت.

Pharmacy.

شاخه‌ای از داروشناسی (pharmacology) که با فن و دانش آماده-سازی، نگهداری و ترکیب داروها از روی دستور پزشکان سروکار دارد.

Pharology.

دانش و تکنولوژی ساختن و به‌کار بردن فانوسهای دریائی، که شامل تجهیزات اپتیک (optic) ، رادیوئی و صوتی نیز می‌شود.

Pharyngology.

شاخه‌ای از دانش پزشکی که با گلو و بیماریهای آن سروکار

دارد.

Phenology.

بررسی بستگی پدیده‌های زیست‌شناسی دوره‌ای (periodic)، مانند مهاجرت پرندگان، خواب زمستانی برخی از جانوران، زمان گل کردن گیاهان و جزاینها، با آب و هوا.

Phenomenology, empirical.

مرحله‌ای از پژوهش که در آن پدیده‌ها، پیش از هر کوششی برای تعبیر و تفسیر و ارزشیابی آنها، مورد مشاهده و توصیف و رده‌بندی قرار می‌گیرند.

Phenomenology, religious.

بخشی از transcendental phenomenology که ماهیت و جوهر پدیده‌های دینی و ربّانی، و تجلی آنها را بررسی می‌کند.

Phenomenology, transcendental.

سیستم فلسفی هوسرل (Husserl): دانشی در بارهٔ امور ذهنی (subjective) که هوسرل با اصطلاحات «eidetic»، «transcendental» و «constitutive» خود آن را مشخص می‌سازد.

Philology.

بررسی جنبه‌های زبانشناسی ادبیات و شکل‌های هنری وابسته به آن.

Philology, comparative.

همان comparative linguistics است.

Philosophical sciences.

همان فلسفه (philosophy) است.

Philosophy.

دانشی است که مبحث‌شناسی (epistemology)، متافیزیک، منطق، اخلاق، و زیباشناسی را دربرمی‌گیرد.

Philosophy of change.

نظریه‌ای است بر بنیاد این اصل که دگرگونی مداوم است و می‌توان آن را واقعی‌تی بنیادی دانست.

Philosophy of law.

بررسی بستگی میان قانون با مفهومی‌هایی مانند داد (عدالت)، نظام‌های قدرت سیاسی و خیر اجتماعی.

Philosophy of mind.

بررسی فلسفی ماهیت و چیستی ذهن (mind).

Philosophy, moral.

همان ethics است.

Philosophy, natural.

نامی است مهجور برای دانش‌های فیزیکی.

Philosophy, political.

شاخه‌ای از فلسفه که با سازمان سیاسی، بویژه ماهیت و منشأ و هدف دولت، سروکار دارد.

Philosophy of religion.

آن بخش از فلسفه که آگاهی یا استشعار (consciousness) دینی و پیوستگی آن را با فرهنگ بررسی می‌کند.

Philosophy of science.

بررسی اصولی ساختمان منطقی علم، بویژه تجزیه و تحلیل روشها، و مفروضات بنیادی آن.

Philosophy, synthetic.

فلسفه هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) که اندیشه بنیادی آن فرگشت مکانیکی (mechanistic) کیهان از یک پیچیدگی (complexity) نسبی است.

Philosophy , transcendental.

- ۱- دانش پیشین (a priori) خرد ناب (pure reason) کانت (Kant) ، شامل تحلیل مفصلی از مفهومیهای بنیادی آن دانش و فهرستی از مفهومیهای فرعی و مشتق از آن.
- ۲- اصطلاحی است که شلینگ (Schelling) برای دانش ذهن (در برابر دانش طبیعت) بکار برده است.

Phonemics.

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که کوچکترین واحد گفتار یعنی (phoneme) را در یک زبان بررسی می‌کند.

Phonetics.

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که آواهایی را که اندامهای گفتار پدید می‌آورند و پیوستگی آنها را با جنبه‌های گوناگون زبان بررسی می‌کند.

Phonics.

شاخه‌ای از آکوستیک (acoustics) که آواهای گفتاری را بررسی می‌کند.

Phonography.

توصیف، نمایش و ثبت کردن آواهای گفتاری (vocal).

Phonology.

شاخه‌ای از زبان‌شناسی که آواهای گفتاری (vocal) و دیگر گونیهای آنها را در تاریخ یک زبان، در ارتباطشان با دستور (گرامر) و املا (orthography) آن زبان بررسی می‌کند.

Phonometry.

بررسی روشهای تجزیه و تحلیل ارتعاشهای آوایی با ثبت و اندازه‌گیری شدت و ارتفاع (pitch) آنها.

Phonophotography.

بررسی روشها و افزارهای ثبت دقیق آواها و تولید مجدد آنها به شیوه فتوالکتریکی (photoelectric) برای اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل.

Phoronomy.

دانش حرکت، به انتزاعی‌ترین معنای آن. پیشرو کینماتیک (kinematics) نوین به شمار می‌آید.

Photics.

اصطلاحی است کلی برای فیزیک نور، که گاهی برای دربرگرفتن اپتیک (optics) هندسی و اپتیک (optics) فیزیکی بکار می‌رود.

Photobiology.

دانشی است مشترك بین فیزیک، شیمی و زیستشناسی که با کنش زیستشناسی تابشهای فتوشیمیایی (photochemical)، از فرابنفش تا زیر سرخ طیف الکترومغناطیسی، سروکار دارد.

Photochemistry.

شاخه‌ای از شیمی فیزیکی که دگرگونیهای شیمیایی‌ای را که مواد دارنده نور فرابنفش، نور مرئی و نور زیر سرخ هستند پدید می‌آورند، بررسی می‌کند.

Photodynamics.

بررسی kinetics و رفتار سازوارهائی که در معرض نور قرار گیرند.

Photoelectricity.

شاخه‌ای از فیزیک که صدور الکترونها را از جسمهای دج یا آبگونه یا گازی‌ای که در معرض نور یا تابشی با بسامد مناسب قرار می‌گیرند بررسی می‌کند؛ این علم همچنین کاهش مقاومت برقی برخی از مواد را هنگامی که در معرض نوری با فلان بسامد قرار می‌گیرند،

بررسی می نماید.

Photofluorography.

روش و تکنیکی است با پرتوهای ایکس که بوسیله آن از تصویری بر پرده فلوئورسان (fluorescent)، غالباً به مقیاسی کوچکتر، عکسبرداری می کنند.

Photofluoroscopy.

به کاربردن افزارهائی برای انداختن تصویرهای پرتوایکسی بريك پرده تا مشاهده مستقیم آنها ممکن گردد.

Photogeology.

علم و تکنیکهای مساحی و نقشه برداری به یاری عکاسی در بررسیهای زمینشناسی.

Photogrammetry.

کاربرد روشهای عکاسی، بویژه عکسبرداری هوائی، در مساحی و نقشه کشی.

Photography.

(۱) دانش پدید آوردن و ثبت تصویر بر صفحه های حساس در برابر نور.

(۲) تکنولوژی ساختن تجهیزات و لوازم برای پدید آوردن و ثبت تصویر بر صفحه های حساس در برابر نور.

(۳) هنری آفریننده که در آن، دوربین عکاسی همچون افزاری در دست هنرمند است، و وی با تنظیم وضع چیزها و با توزیع شایسته نور، عکسهائی می گیرد که از لحاظ زیباشناسی بدیع و دلپسند است.

Photolithography.

هنر و تکنیک نقل تصویر يك چیز چاپی یا طرح بوسیله عکاسی بر روی يك صفحه حساس فلزی یا کاغذی که رویه آن سپس «مركب

خور» و آماده چاپ نسخه‌های متعدد می‌شود.

Photometry.

بررسی روشهای اندازه‌گیری شدت نور.

Photomicrography.

روش بررسی چیزهای بسیار خرد بوسیله بزرگ کردن تصویر آنها از راه عکاسی.

Photophoresis.

شاخه‌ای از فیزیک که با اثر نور بر جا به جا شدن ذره‌های بسیار خردِ معلق در آبگونه‌ها و گازها سروکار دارد.

Photosynthesis.

بررسی سنتز (synthesis) ترکیبهای شیمیائی در بافتهای گیاهی هنگامی که در معرض انرژی تابشی (بویژه نور) قرار گیرند.

Phototelegraphy.

روش علامت‌دهی و پیام‌رسانی با پرتوهای نور.

Phototherapeutics.

دانش درمان برخی از بیماریها با تابش نور.

Phototopography.

همان photogrammetry است.

Phototypography.

روشهای گرفتن تصویرهای برجسته به شیوه عکاسی بر رویه‌های مناسب برای چاپ.

Photozincography.

روشی است برای تکثیر عکسها و جز اینها بوسیله صفحه روئینی که تصویری که باید چاپ شود ، از راه عکاسی بر روی آن نقش شده‌است.

Phrenology.

بررسی شکل و برجستگیهای کاسه سر که گمان می‌شود استعدادهای عقلی و عاطفی را مشخص می‌سازد.

Phycology.

همان algology است.

Phylogenetics.

شاخه‌ای از دیرینشناسی که با پژوهش در تاریخ و علت‌های پیدایش و فرگشت يك نوع (type) از جانوران سر و کار دارد. بنیاد آن بر بررسی سنگواره‌ها نهاده شده است.

Phylogeny.

بررسی منشأ و فرگشت نژادها یا نوع‌های (species) گیاهان یا جانوران.

Physic.

نام مهجوری است برای پزشکی.

Physical science.

نامی است گروهی برای فیزیک، شیمی، زمینشناسی، کانیشناسی و ستاره‌شناسی.

Physicalism.

برداشتی است فلسفی نسبت به علم که اشتقاق‌پذیری همه قانون‌های علمی را از قوانین فیزیک و یگانگی زبان علم را مسلم می‌دارد.

Physics.

بررسی انرژی و ماده بیجان و قابلیت تبدیل آنها به یکدیگر جدا از دگرگونی‌های شیمیایی.

Physics , atomic.

شاخه‌ای از فیزیک که ساختمان اتمها و پیوستگیهای میان اجزاء

تشکیل دهنده آنها را بررسی می کند.

Physics, chemical (Physicochemistry).

بخشی از شیمی فیزیکی که به جنبه های فیزیکی پدیده ها بیش از جنبه های شیمیائی آنها می پردازد.

Physics, meson.

شاخه ای از فیزیک هسته ای که ذره های بنیادی ای (elementary) را که مزون (meson) نام دارند، بررسی می کند.

Physics, molecular.

بررسی ساختمان مولکولها به حالت انزوا، و بررسی خواص آماری و ترمودینامیکی و الکترومغناطیسی مجموعه های مولکولی.

Physics, nuclear.

بررسی ذره های اتمی و هسته ای و زیر اتمی (subatomic)، بویژه ساختمان آنها و فرایندهائی که پایه و بنیاد تبدیل آنها می باشند.

Physiognomy.

اصلهائی برای کشف توانائیها و خوی اشخاص از روی ظاهر و قیافه آنها.

Physiography.

بخش توصیفی بررسی پدیده های طبیعی، بویژه در جغرافیای طبیعی.

Physiology.

شاخه ای از زیست شناسی که فرایندهائی را که در سازواره زنده روی می دهد، بررسی می کند.

Physiology, comparative.

بررسی فرایندهائی که در جانوران روی می دهد در ستجش با فرایندهائی که در آدمیان روی می دهد.

Physiology, developmental.

شاخه‌ای از زیستشناسی که ارتباطهای علّی (causal) را در رشد جانوران بررسی می‌کند.

Phytogenesis.

بررسی منشأ و رشد گیاهان.

Phytogeny.

همان Phytogenesis است.

Phytogeography.

بررسی پراکندگی جغرافیائی گیاهان.

Phytography.

بخشی از گیاهشناسی که گیاهان را توصیف و رده‌بندی می‌کند.

Phytology.

دانش کلی گیاهان.

Phytopathology.

بررسی بیماریهای گیاهان.

Phytosociology.

بررسی پیوستگیهای میان گیاهان يك ناحیه ویژه.

Piezoelectricity.

بررسی پدیده‌های برقی‌ای که در برخی از مواد بلورین، هنگامی که زیر فشار مکانیکی قرار گیرند، پدید می‌آید.

Piezometry.

بررسی تکنیکها و افزارهای اندازه‌گیری تراکم‌پذیری (compressibility) آبگونه‌ها.

Pistology.

شاخه‌ای از الهیات که با ایمان، در تمایز با هنر و عقل، سروکار

دارد.

Planetology.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که پیدایش، پراکندگی و ترکیب ماده را در سیاره‌ها و قمرهای آنها، و در ستاره‌های دنباله‌دار، خرده‌ستارگان (asteroids) و دیگر مواد دج موجود در منظومه خورشیدی، بررسی می‌کند.

Planimetry.

روشی است برای اندازه‌گیری شکل‌های مسطح.

Planktonology.

بررسی پلانکتونها (plankton)، و اینها گیاهان و جانورانی هستند که در آب دریاها یا دریاچه‌ها زندگی می‌کنند و بی‌اختیار با جریان آب رانده می‌شوند، و بیشتر کهسازواره‌اند.

Plant science.

همان botany (گیاهشناسی) است.

Plethysmography.

بررسی دگرگونی‌های گنج خون در بخش‌های گوناگون تن بوسیلهٔ سنجش رکوردهائی (records) که بادیستگاهی به نام plethysmograph به دست آمده است.

Plutology.

شاخه‌ای از زمین‌فیزیک که بخش دج زمین و شکل، گرما، لرزه‌ها، و چگونگی تشکیل سنگ‌های آن را بررسی می‌کند.

Pluviometry.

روش‌های اندازه‌گیری مقدار ریزش باران.

Pneumatics.

شاخه‌ای از فیزیک که خواص مکانیکی و بویژه خواص دینامیکی

(dynamic) گازها را بررسی می‌کند.

Pneumatology.

آموزه (doctrine) پدیده‌های روحانی که درباره ارواحی که میان خداوند و انسان میانجی هستند، بحث می‌کند.

Pneumodynamics.

همان pneumatics است.

Podiatry.

شاخه‌ای از پزشکی که نابسامانیهای پا را بررسی می‌کند.

Polarimetry.

افزارها و تکنیکهای بررسی پدیده‌های اپتیکی (optical) مربوط به نور پولاریزه شده (polarized)، بویژه پراکنش دورانی (rotatory) در مواد آلی‌ای که از لحاظ اپتیک فعالند.

Polarography.

روشهای microanalysis بوسیله افزایشی که بابه کاربردن الکتروده‌های پولاریزه شده (polarized) فرو رفته در محلولها، روابط جریان برق را با ولتاژ آن ثبت می‌کند.

Political science.

بررسی حکومت یا دولت، و شکلها و سازمان و وظیفه‌های آن.

Politics.

بررسی اعمال (practices) وابسته به حکومت یا دولت، و مدیریت امور همگانی، و حزبهای سیاسی.

Pomology (Pomiculture).

دانشی است درباره درختان و بوته‌های میوه‌ده برای فراوردن میوه.

Poultry science.

دانشی است که با پرورش و نگهداری پرندگان اهلی‌ای که مصرف

خوراکی دارند، سروکار دارد.

Pragmatics.

بخشی از نظریه نشانه‌ها (semiotic) که بستگی‌های میان نشانه‌ها (signs) و کسانی که آن نشانه‌ها را پدید می‌آورند، دریافت می‌کنند و می‌فهمند، بررسی می‌کند.

Praxeology.

نظریه‌ای است عمومی درباره کار مؤثر (efficient).

Prehistory.

بررسی نخستین روزگاران پیدایش آدمی که برای آن هیچ‌گونه سند نوشتاری در دست نیست.

Primatology.

بخشی از جانورشناسی که با بررسی راسته‌ای (order) از پستانداران زنده‌زای جفتدار (placental) که شامل آدمی، میمون‌ها و سه راسته فرعی دیگر می‌باشد، سروکار دارد.

Probability, theory of.

آن شاخه از ریاضیات که به اندازه‌گیری شماری عینی (objective) احتمال می‌پردازد. نظریه اشتباهات را نیز شامل می‌شود.

Problematology.

شاخه‌ای از zetetics که گزینش و فرموله کردن (formulation) را در ارتباط با کشف جاهای خالی در دانش بررسی می‌کند.

Proctology.

شاخه‌ای از پزشکی که به بررسی بخش پسین مجرای غذایی و روده راست (rectum) می‌پردازد.

Process dynamics.

بررسی سیستم‌های فرایند صنعتی در شرایط و احوال ناپایدار و

نااستوار . بویژه با روشهای کنترل عملیات فرایند (process operations) سروکار دارد.

Prognostics.

دانشی است نورسته بر بنیاد اصل سوم zetetics، یعنی اصل کنترل-پذیری آینده آنچنان که از تاریخ آرزوها و آرمانهای آدمی سرچشمه می گیرد. این دانش با برنامه ریزی در همه زمینه های فعالیت های آدمی سروکار دارد، و بابررسی گرایشها (trends)، می کوشد نیازهای آینده را پیشگوئی کند.

Pronoetics.

بخشی است از سیستم zetetic دانش درباره نیازهای آدمی و وسیله برآوردن آنها.

Propaedeutics.

بررسی مقدماتی ای که به عنوان «پیش در آمد» برای بررسی هر دانش یا هنری بایسته است.

Prosody.

نظریه و فن ساختن نظم و ترکیبهای موزون.

Prospecting.

بررسی روشها و افزارهایی که برای جستجوی کانیاها، سنگهای کانی، نفت، گیاهان و جز آنها، سودمندند.

Prosthetics.

شاخه ای از جراحی یا دندانپزشکی که با افزودن بخشی مصنوعی (پا، چشم، یا دندان) به تن آدمی، سروکار دارد.

Protistology.

بررسی سازواره های تک یاخته، مانند جلبکها، آغازیان (protozoa)، باکتریها، و جز آنها.

Protozoology.

شاخه‌ای از جانورشناسی که آغازیان (protozoa) را بررسی می‌کند.

Psychiatry.

شاخه‌ای از پزشکی که به بررسی و درمان نابسامانیهای روانی می‌پردازد.

Psychiatry, preventive.

شاخه‌ای از پزشکی که بابت پیشگیری بیماریهای روانی سروکار دارد.

Psychical research.

بررسی آن استعدادهای شخصیت آدمی که فوق طبیعی (supernatural) به نظر می‌آیند.

Psychoacoustics.

بررسی همبستگی میان آوای فیزیکی و احساس آن آوا به وسیله شنونده.

Psychoanalysis.

بررسی اختلالهای روانی و عصبی، و اثر سرکوبی آرزوها و خواستهها.

Psychobiology.

همان biological psychology است.

Psychodiagnostics.

کوششهایی است برای شناختن ویژگیهای شخصی از روی مشاهده ویژگیهای برونی، آن چنان که در قیافه‌شناسی (physiognomy) و حجمه‌شناسی (eraniology) و خط‌شناسی (graphology) و جزاینها معمول است.

Psychodynamics.

بررسی تأثیر انگیزه‌ها بر فرایندهای دماغی و روانی.

Psychogenetics.

بررسی رفتار از روی پایهٔ وراثتی و ویژگیهای روانی.

Psychognosis.

بررسی پدیده‌های ذهنی، بسویژه آن چنان که در حالت خواب مصنوعی پدیدار می‌شوند.

Psycholinguistics.

دانشی است مرکب از روانشناسی و زبانشناسی: بررسی رفتار-گفتاری (verbal) در سیستمهای پیچیده و مرکب پاسخی مانند اندیشیدن، تخیل، استدلال و داوری.

Psychology.

دانشی است که ذهن را از همهٔ جنبه‌ها مانند اصل و منشأ، رشد و تجلیات دائمی آن بررسی می‌کند.

Psychology, abnormal.

شاخه‌ای از روانشناسی است که پدیده‌های ذهنی‌ای را که نابهنجار به شمار می‌آیند، بررسی می‌کند.

Psychology, advertising.

بررسی رفتار آدمی در خرید کالاها یا خدمات، و کاربرد روانشناسی در فن تبلیغات به منظور تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌های مردم در موضوعهای گوناگون.

Psychology, animal.

شاخه‌ای از جانورشناسی بر بنیاد آگاهیهای عینی (objective) از رفتار جانوران. در این بررسی، هر سازه‌ای به نام خود آگاهی (consciousness) ندیده گرفته می‌شود یا انکار می‌شود.

Psychology, associationist.

نظریه‌ای است بر بنیاد این فرض که تجربه‌های ذهنی تشکیل شده است از عناصر و اجزاء غائی خود آگاهی (consciousness) که بوسیله قانونهای تداعی (association) به صورت کللهائی (wholes) مرکب باهم ترکیب می‌شوند.

Psychology, biological.

بررسی پیوستگی مسئله‌های روانشناسی با زیستشناسی عمومی، بویژه فیزیولوژی مغز.

Psychology, child

بررسی رفتار آدمی در نخستین سالهای زندگی.

Psychology, clinical.

بررسی فرایندهای روانی آن چنان که در اشخاص تحت درمان دیده می‌شود.

Psychology, collective.

بخشی از روانشناسی اجتماعی (social psychology) که با بررسی رفتار گروهها و توده‌ها چنان که گوئی هر گروهی از لحاظ برداشت و دید (attitude)، احساس و انگیزش (motivation) سازواره واحدی را تشکیل می‌دهد، سروکار دارد.

Psychology, comparative.

بررسی روانشناسی جانوری با روشهای سنجشی.

Psychology, configurational.

دانشی است بر بنیاد این نظریه که هر رویداد فیزیکی و روانشناسی و زیستشناسی نتیجه یک رشته پدیده‌هایی است که به یکدیگر وابسته و پیوسته‌اند و در یکدیگر عمل می‌کنند و الگوهای (patterns) تشکیل

می‌دهند. بدین‌سان تجربه ذهنی (subjective) بسوسیلهٔ يك فرایند فیزیکی «همریخت» (isomorphic) سازمان می‌یابد و منعکس می‌شود و سازمان همانندی در مغز پدید می‌آورد.

Psychology, depth.

در بررسی تجربه و رفتار پژوهش تحلیلی محتوای ضمیر ناخود-آگاه، بویژه در ژرفای ضمیر ناخودآگاه.

Psychology, developmental.

بررسی جنبه‌های روانشناسی رشد از ولادت تا پایان دورهٔ نوجوانی (adolescence). شامل بررسی نضج سیستمهای رفتاری، نقش آموزش اجتماعی و مرحله‌های بحرانی رشد می‌گردد.

Psychology, differential.

آن شاخه از روانشناسی که به بررسی اختلافاتی که در ویژگیهای ذهنی و رفتاری میان افراد، گروهها و نژادها دیده می‌شود می‌پردازد.

Psychology, educational.

دانشی است که با کاربرد اصول روانشناسی در آموزش و پرورش سروکار دارد.

Psychology, engineering.

بررسی رفتار آدمیان در به کار بردن افزارهای مهندسی و کاربرستن یافته‌های روانشناسی در طرحریزی وسایل.

Psychology, existential.

آن شاخه از روانشناسی که تجربه‌های يك ذهن (mind) فردی را که همچون وجودی تلقی شده و با روش درون‌نگری مورد مشاهده قرار گرفته‌است، توصیف، تجزیه و تحلیل و رده‌بندی می‌کند.

Psychology, experimental.

کاربرد روشهای آزمایشی برای به‌دست آوردن داده‌های (data)

روانشناسی یا حل مسئله‌های روانشناسی.

Psychology, functional.

بررسی فرایندهای ذهنی (mental) به عنوان وظیفه‌ها و کارهائی (functions) که سازواره‌های زنده در کوششی که برای سازگار شدن بامحیط خود و کنترل کردن آن می‌نمایند، انجام می‌دهند.

Psychology, genetic.

بررسی منشأ و رشد فرایندها و گونه‌های مختلف رفتار.

Psychology, gestalt.

همان configural psychology است.

Psychology, historical (metabletics).

نامی است که وان برگ (I. H. Van Berg) برای دانش دگرگونیها ساخته است. پژوهشی است درباره این که چگونه آدمیان کنونی از لحاظ روانشناسی با آدمیان نسلهای پیش تفاوت دارند.

Psychology, hormic.

نظریه‌ای است که انگیزه‌های (impulses) غریزی و تلاشهای هدفدار را پایه همه فرایندهای ذهنی و عاطفی می‌داند.

Psychology, individual.

دانشی که، برخلاف روانشناسی گروهی و اجتماعی، فرد را جدا از تأثیر محیط اجتماعی او در نظر می‌گیرد و بررسی می‌کند.

Psychology, industrial.

کاربرد روشها و یافته‌های روانشناسی در مسئله‌های صنعتی و اقتصادی.

Psychology of abilities.

بررسی این که توانائی انجام دادن يك کار بدنی یا دماغی (بوژه يك کار خلاق) چگونه بستگی به تمرین و نیز اوضاع و احوال محیط

دارد.

Psychology of language.

همان psycholinguistics است.

Psychology, philosophical.

بررسی مسئله‌های نظری‌تر و جدال‌آمیزتر مربوط به ذهن (mind) و خودآگاهی (consciousness) که جنبه‌های متافیزیکی و اپیستمولوژیکی (epistemological) دارند.

Psychology, physiological.

دانشی است که پیشناسی را به روانشناسی می‌پیوندد.

Psychology, rational.

بحث نظری (speculative) و متافیزیکی درباره‌ی روان، و قوا و جاودانگی آن.

Psychology of religion.

بررسی علمی تأثیر باورها و اعمال دینی در رفتار و زندگی معنوی انسان.

Psychology, social.

بررسی تأثیر برداشتها و دیدها (attitudes) و رفتار افراد و گروهها در زندگی اجتماعی به‌طور کلی.

Psychology, structural.

شاخه‌ای از روانشناسی که در آن به نظم و ترکیب حالتها و فرایندهای ذهنی اهمیت ویژه‌ای داده می‌شود. گاهی آن را existential psychology می‌نامند.

Psychology, topological.

کاربرد مفهوما و قاعده‌های توپولوژی ریاضی در تعبیر پدیده‌های روانشناسی آن‌چنان که در يك فضای حیاتی (life-space) رخ

می‌دهد.

Psychometrics.

اندازه‌گیری سرعت و دقت فرایندهای ذهنی برای ارزشیابی کارایی (efficiency) در کارهای صنعتی و آموزشی.

Psychometry.

همان psychometrics است.

Psychonomics.

شاخه‌ای از روانشناسی که ارتباط رشد یک فرد را با محیط فیزیکی و اجتماعی او بررسی می‌کند.

Psychopathology.

بهره‌گیری از اصلهای روانشناسی برای بررسی اختلالات ذهنی.

Psychopharmacology.

بررسی اثرهای روانی داروها.

Psychophysics.

بررسی رویدادهای روانی و بدنی و رابطه میان احساس (sensation) و انگیزه (stimulus) آن.

Psychophysiology.

شاخه‌ای از روانشناسی آزمایشی که نقش سازه‌های فیزیولوژیکی را در فرایندهای احساس (sensation)، ادراک (perception) و یادگیری بررسی می‌کند.

Psychosomatics.

دانش مرکبی است که پیوستگیهای میان فرایندهای روان و تن را بررسی می‌کند.

Psychosurgery.

شاخه‌ای از پزشکی که با عملهای جراحی روی بخشهای گوناگون

مغز سروکار دارد.

Psychotechnology.

دانشی است که اصلهای کلی ای را که پایه کاربرد روشها و نتیجه‌های روانشناسی در مسئله‌های عملی، به شمار می‌روند مورد پژوهش قرار می‌دهد.

Psychotherapeutics.

درمان بیماری با بهره‌گیری از روانشناسی.

Psychrometry (Psychrometrics).

بررسی خواص فیزیکی و ترمودینامیکی جو، و دما و نم و چگالی و فشار آن.

Pteridology.

شاخه‌ای از گیاهشناسی که به بررسی سرخسها می‌پردازد.

Ptolemaic system.

سیستم باستانی ستاره‌شناسی که بر بنیاد این فرض بود که زمین مرکز ثابت جهان است و خورشید و ستارگان بر گرد آن می‌چرخند.

Pyelography.

روش مشاهده لگنچه قلوه (renal pelvis) با پرتوهای ایکس.

Pyretology.

شاخه‌ای از پزشکی که تبها را بررسی می‌کند.

Pyroelectricity.

بررسی پدیده‌های برقی که برخی از مواد بلورین زیر تأثیر گرما ایجاد می‌کنند.

Pyrognostics.

روش بررسی ویژگیهای يك کانی با قرار دادن آن در معرض شعله

يك بوری (blowpips) .

Pyrology.

شاخه‌ای از کانیشناسی بر بنیاد داده‌هائی (data) که از راه pyrognostics به دست می آید.

Pyrometry.

دانش اندازه گیری دماهای بسیار بالا.

Pyrotechnics.

تکنولوژی طرحریزی و ساختن مواد و وسائل آتشبازی.

Q

Quadratics.

آن شاخه‌ای از ریاضیات که از هم‌چندیهای درجه دوم بحث می کند.

Quadrivium.

اصطلاحی است که در سده‌های میانه (قرون وسطی) برای چهارفن حساب، هندسه، موسیقی و ستاره شناسی به کار می رفت.

Quantics.

بررسی توابع جبری همگن (homogeneous) دو یا چند متغیر که عموماً تنها شامل توانهای صحیح مثبت متغیرها می باشند.

Quantum mechanics.

گسترشی از نظریه کوانتوم (Quantum) که با ساختمانهای مولکولی، اتمی و هسته‌ای سروکار دارد. مکانیک ماتریسی هایزنبرگ (Heisenberg)، مکانیک موجی شرویدینگر (Schroedinger) و نظریه تبدیل (transformation) جردن-دیراک (Jordan-Dirac) را در بر می گیرد.

Quantum theory.

نظریه‌ای است بنیادی دربارهٔ فیزیک، بر پایهٔ تصور پلانک (M. Planck) از انرژی، بویژه انرژی تابشی، که آن را مرکب از ذره‌های منفصل (discrete) بخش‌ناپذیر به نام کوانتا (quanta) می‌داند.

R

Radioactivity.

شاخه‌ای است از فیزیک که کارش بررسی پدیده‌های تلاشی و تجزیهٔ (disintegration) خود به خود اتم‌هاست.

Radioastronomy.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که با کشف و بررسی منابع آسمانی تابش‌های سروکار دارد که بسامد آنها زیر یا بالای بسامدی است که باتلسکوپ‌های اپتیک (optical) می‌توان کشف کرد.

Radioautography.

روشی برای ثبت تابش‌های صادر از نمونه‌هایی که در معرض ردیاب‌های (tracers) رادیواکتیو قرار گرفته‌اند، بوسیلهٔ عکاسی.

Radiobiology.

بررسی اثرهایی که تابش‌ها در سازواره‌های زنده پدید می‌آورند.

Radiobiology, cellular.

شاخه‌ای از رادیوبیولوژی (radiobiology) که اثر تابش‌ها را در یاخته‌های گوناگون بررسی می‌کند.

Radiochemistry.

بررسی شیمی مواد رادیواکتیو.

Radioecology.

بررسی اثر آزمایشهای اتمی و کاربردهای صلح آمیز انرژی اتمی
بر محیط، بویژه آلودگی رادیوآکتیو جو، خاک و منابع آب در نتیجه
ریزش و فصولات اتمی.

Radiography.

روشها و افزارهای عکسبرداری از چیزهایی که در برابر نور مرئی
کدرند با به کار بردن پرتوهای ایکس یا پرتوهای گاما.

Radioisotope technology.

تکنیکهایی است برای فراوری و کاربرد ایزوتوپهای (isotopes)
رادیوآکتیو در کشاورزی، پزشکی، مهندسی و پژوهش.

Radiology.

بررسی اثرهای فیزیولوژیکی تابشهای الکترومغناطیسی مانند
پرتوهای ایکس و پرتوهای گاما و دیگر منابع تابش یونی کننده
(ionizing) در زمینه تندرستی و درمان.

Radiometeorography.

بررسی اندازه فشار، دما و نمناکی که بوسیله علامتهای رادیوئی
با بسامد بسیار بالا (UHF) از يك بالون بی سرنشین برای ناظران
زمینی فرستاده می شود.

Radiometry.

بررسی روشهای اندازه گیری شدت انرژی تابشی.

Radionics.

اصطلاحی است که گاهی به جای electronics به کار برده می شود.

Radiophotography.

تکنیک منتقل کردن عکس بوسیله رادیو.

Radioscopy.

بررسی چیزهای کدر بوسیله پرتو ایکس یا تابش نفوذکننده دیگر.

Radiotelegraphy.

تکنولوژی پیامرسانی (communication) با نشانه‌های غیر گفتاری بوسیله موجهای الکترومغناطیسی.

Radiotelephony.

تکنولوژی پیامرسانی گفتاری بوسیله موجهای الکترومغناطیسی.

Radiotherapeutics.

کاربرد تابش صادر از منابعهای آکتینیک (actinic) و رادیوآکتیو در درمان بیماریها.

Reactology.

پژوهش در باره سرعت، میزان (rate)، شکل و پیچیدگی (complexity) واکنشهای فردی در برابر انگیزه‌ها، از جنبه روانشناسی.

Recreatology.

بررسی جنبه‌های فردی و اجتماعی استفاده تفریحی از اوقات فراغت (leisure)، بویژه نقش آن در رشد شخصیت و آفرینندگی هنری و علمی.

Reflexology.

شاخه‌ای از پیشناسی که بازتابها (reflexes) را بررسی می‌کند.

Refractometry.

شاخه‌ای از فیزیک که به بررسی روشهای تعیین ضریب شکست مواد می‌پردازد.

Refrigeration engineering.

همان cryogeny است.

Regulative sciences (Social cybernetics).

زمینه‌ای است از سیستم zetetic دانش که اوضاع و احوال حاکم در اجتماع و وسیله‌های هماهنگ کردن روابط قانونی و اقتصادی مردم، بویژه راههای ترازمند کردن فراوری و بخش و دادوگرفت کالاها و بهره‌گیری از خدمات را بررسی می‌کند.

Relativity.

شاخه‌ای است از دانشهای فیزیکی، که از ویژگیهای آن اعتقاد به وابستگی ماده و انرژی و زمان و مکان بیکدیگر است. این نظریه را نخست آلبرت آینشتاین (Albert Einstein) عنوان کرد و گسترش داد.

Reliability engineering.

شاخه‌ای از تکنولوژی که درخور اعتماد بودن (reliability) فراورده‌ها و تجهیزات ساخته شده را بررسی می‌کند.

Religion, comparative.

بررسی سیستمهای دینی گوناگون از بدوی (Primitive) و باستانی و جدید، برای یافتن منشأ، اختلاف، همانندی و روندهای (trends) فرگشت آنها.

Research centers.

بررسی طرح، سازمان و مدیریت مؤسسه‌هایی که کارشان کشف و گسترش و کاربرد دانش جدید است.

Research, science of.

همان zetetics است.

Restoration, art.

تکنولوژی تعمیر و نوسازی اثرهای هنری‌ای که در نتیجه گذشت زمان، پیشامدها یا به علت‌های دیگر آسیب دیده‌اند.

Resuscitology.

تخصص تازه‌ای است در پزشکی که درباره بازگرداندن زندگی و تپشهای قلب پس از بازایستادن قلب از تپیدن، بررسی می‌کند.

Retinoscopy.

بررسی شبکیه چشم بوسیله افتالموسکوپ (ophthalmoscope).

Rheology.

شاخه‌ای از فیزیک که اثر چسبندگی و ناروانی (viscosity)، شکلپذیری (plasticity) و کشسانی (elasticity) را در تغییر شکل و جریان ماده بررسی می‌کند.

Rhetoric.

هنر سخنگوئی و نگارش بلیغ، از جمله، نگارش ادبی.

Rheumatology.

شاخه‌ای از پزشکی که بیماریهای روماتیسمی را بررسی می‌کند.

Rhinology.

شاخه‌ای از پزشکی که بیماریهای بینی را بررسی می‌کند.

Rhinoscopy.

معاینه کواوک (cavity) بینی بایک چشم‌افزار (optical instrument).

Rocket technology.

شاخه‌ای از تکنولوژی که نظریه حرکت واکنشی (reactive)، و دینامیک (dynamics) موشک در حال پرواز، و از جمله، مسیر پرواز، استوارسازی و هدایت و ساختن موشک و موتورهای واکنشی، و افزارهای پرتاب کردن موشکها را بررسی می‌کند.

Rocketry.

همان rocket technology است.

Roentgenography.

روشهای مشاهده جسمهای کدر با فلوروسکوپ (fluoroscope).

Roentgenology.

بررسی پرتوهای ایکس، بویژه اثرهای زیستی آنها و کاربردها در پزشکی.

S

Sandiculture.

روشی است برای پروراندن گیاهان با قراردادن ریشههای آنها در شن نمناک.

Sanitation.

دانشی است که با ایجاد و حفظ شرایط بهداشتی سروکار دارد.

Sarcology.

بررسی کالبدشناسی گوشت.

Sciamestry.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که خسوفها و کسوفها را بررسی می‌کند.

Scatology.

بررسی پیخال (feces).

Scenography.

کاربرد روش نمایش سه‌بعدی در هنر نقاشی کردن منظره برای سن (صحنه) نمایش.

Science.

علم ، (science) آن‌چنان‌که در zetetics تعریف شده جمع کل شناخته‌های منظم (systematized) ثبت و ضبط شده است.

Science of science.

توصیف و تحلیل (آنالیز) جنبه‌های گوناگون دانش مانند ساختمان منطقی، روش‌شناسی (methodology)، جامعه‌شناسی و تاریخ آن.

Sculpture.

هنر نشان دادن پیکره‌های سه‌بعدی حقیقی یا خیالی با بهره‌گیری از مصالح سخت یا شکلپذیری (plastic) که بوسیلهٔ کنده‌کاری، تراش یا قالبگیری به آنها شکل داده می‌شود.

Sedimentology.

شاخه‌ای از زمین‌شناسی که ترکیب و چین‌ش‌شناسی (stratigraphy) تهنشست‌ها را بررسی می‌کند.

Seismography.

بخش توصیفی seismology است.

Seismology.

شاخه‌ای از زمین‌شناسی که زمینلرزه‌ها، منشأ و حرکت آنها را بررسی می‌کند.

Seismometry.

فن اختراع و طراحی افزارهایی برای کشف و ثبت ارتعاشهای زلزله‌ای و برای اندازه‌گیری شدت، راستا، بسامد و شکل موجی آنها.

Selenography.

شاخه‌ای از ستاره‌شناسی که رویهٔ ماه را توصیف می‌کند.

Selenology.

شناخت اصولی (سیستماتیک) ماه، حرکتهای، ساختمان و دیگر ویژگیهای فیزیکی آن.

Semantics.

۱- شاخه‌ای از زبان‌شناسی که با معنای واژه‌ها و دگرگونیهای

معنایی سروکار دارد با این دید که این دگرگونیها سازه‌های بسیار مهمی در فرگشت زبان می‌باشند.

۲- بررسی منظم اصولی درباره نشانه‌ها و نمادها : از جمله رده‌بندی ، بررسی پیوستگیهای آنها با یکدیگر، و تعبیر آنها.

۳- بخشی از نظریه عمومی نشانه‌ها که پیوستگی میان نشانه‌ها و مدلول آنها را بررسی می‌کند.

۴- دانش معنا و هنر لازم برای پیام‌رسانی (communication) شخصی و گروهی.

Semantics, general.

دانشی است که آلفرد کورزیبسکی (Alfred Korzybski) وضع کرد، و آن بررسی تأثیری است که معنیهای واژه‌ها و نمادهای دیگر بر واکنشهای آدمیان نسبت به محیط خود، دارند ، و نیز چگونه اینها بر وابستگیهای میان آدمیان تأثیر می‌گذارند. وسیله‌های درمانی گوناگونی برای احتراز از درهم آمیختن نمادها با واقعیهائی که این نمادها بر آنها دلالت دارند، پدید آمده‌است.

Semantography.

سیستمی از نمادهای اندیشه نگاشتی (ideographic symbols) که برای ارتباط زبانی میان دانشمندان و مهندسان و سوداگران و کسان دیگری که زبان یکدیگر را نمی‌فهمند به کار می‌رود.

Semasiology.

همان semantics است.

Semiology.

دانشی که نشانه‌ها و کاربردهای آنها را در پیام‌رسانی و علامت‌دهی یا بیان اندیشه بررسی می‌کند.

Semiotic.

نظریه‌ای است عمومی درباره نشانه‌ها و کاربردهای آنها. این نظریه در درون نظریه empiricism علمی پدید آمده و رشد کرده و منظم شده است. سه شاخه دارد pragmatics ، semantics و syntactics.

Semitics.

بررسی علمی تاریخ و فرهنگ فرزندان سام (عبرانیان، اعراب، فینیقیان باستان، و آشوریان).

Sensitometry.

بررسی امولسیونهای (emulsions) عکاسی و مواد دیگری که از لحاظ عکاسی حساسند.

Sericulture.

دانش و فن پرورش کرم ابریشم برای فراوردن ابریشم.

Serology.

بررسی خواص آبگونه جانوری‌ای که پس از انعقاد خون برجای می‌ماند، بویژه سرم (serum) خون.

Serology, comparative.

شاخه‌ای از انتروپومتري (anthropometry) که سرومهای خون را همچون وسیله‌ای برای تعیین منشأ جمعیت‌ها، بررسی می‌کند.

Sexology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که موضوع آن جنسیت (sex) است.

Siderography.

فن کندن نقشها بر يك صفحه فولادی و منتقل ساختن آنها بر روی يك استوانه فولادی.

Siderotechny.

فن عمل آوردن آهن و فولاد.

Sigillography.

دانش مَهرها برای پی بردن به درستی و اعتبار سندهائی که با آنها مَهر شده است.

Significs.

همان semantics است.

Silviculture.

همان forestry است.

Sinology.

بررسی اصولی (سیستماتیک) کشور چین و فرهنگ آن.

Sitology.

همان dietetics است.

Skiagraphy.

- ۱- تکنیک ساختن تصویرهای سایه مانند بر یک رویه حساس بوسیله نور یا پرتوهای ایکس.
- ۲- تعیین زمان و وقت از راه مشاهده سایه ها.

Skiascopy.

پژوهش در وضع انکسار چشم با افزاری به نام skiascope .

Social engineering.

کاربرد یافته های جامعه شناسی برای رسیدن به هدفهای اجتماعی ویژه ای.

Social sciences.

به دانشهائی گفته می شود که روابط انسانی و نهادهای بنیادی ای را که وجودشان برای آنکه هر کس وظیفه خود را به خوبی انجام دهد ضروری است، مانند خانواده، اجتماع، دولت و ملت، بررسی می کنند. بنابراین سنت دانشهائی چون جامعه شناسی، روانشناسی، نژادشناسی، علم اقتصاد، و

علوم سیاسی جزء علوم اجتماعی (social sciences) شمرده می‌شوند .

Sociology.

بررسی ساختمان و کار و وظیفه سیستمهای اجتماعی.

Sociology, animal.

شاخه‌ای از biosociology است که زندگی اجتماعی جانوران

را، بجز آدمی، بررسی می‌کند.

Sociology, biological.

بررسی آن روابط اجتماعی‌ای که بیشتر بوسیله سازه‌های

زیستی، بویژه گزینش و تولید مثل و توارث، معین می‌گردند.

Sociology, educational.

شاخه‌ای از جامعه‌شناسی که جنبه اجتماعی نهادهای پرورشی و

آموزشی، بویژه روابط میان شاگردان و معلمان را بررسی می‌کند.

Sociology, plant.

بررسی گیاهان يك ناحیه به عنوان مجموعه‌هائی از زندگی گیاهی

و در قالب اجتماعاتی که در آنها سازمان یافته‌اند.

Sociometry.

شاخه‌ای از روانشناسی اجتماعی که می‌کوشد روشهای کمی را

در تجزیه و تحلیل روابط اجتماعی دینامیک (dynamic) به کاربرد.

Socionomy.

دانش «قانونهای» اجتماعی که به عقیده ج.ل. مورنو (J.L. Moreno)

سه شاخه دارد: (۱) sociodynamics ، یعنی دانش دینامیک گروهها

و میانگروهها (intergroups) . (۲) sociometry ، یعنی دانش اندازه-

گیرهای اجتماعی . (۳) sociatry ، یعنی دانش درمان اجتماعی.

Soil science.

بررسی خاک: رده‌بندی ، ماهیت فیزیکی، خواص شیمیائی ،

فرسایش، جنبه‌های زیستشناسی و بارآوری آن.

Somagraphy.

تکنیک به دست آوردن تصاویرهای سه‌بعدی از جسمها با تاباندن پرتوهای آبرآوایی (supersonic beams) بر آنها. این پرتوها در اثر بازتابش تغییر و تعدیل (modulation) می‌یابند.

Somatics.

همان somatology است.

Somatology.

۱- بخشی از مردمشناسی که دربارهٔ نژادهای گوناگون آدمی از راه سنجش بدنهای آنها با یکدیگر بررسی می‌کند.
۲- بررسی خواص عمومی تن آدمی، چه مادی چه انسانی، جدا از روانشناسی.

Sounding.

روشها و افزارهای اندازه‌گیری ژرفای آب مانند echosounder و جز آنها. fathometer

Space flight technology.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با ماهواره‌ها، تجهیزات آنها، و ردیابی، راندن، بازیابی، ذخیره‌های نیرو و افزارهای آنها، و بررسی مسئله‌های مربوط به ورود آنها به جو سیاره‌ها سروکار دارد.

Space science.

کاوش در فضا از لحاظ ستاره‌شناسی، زیستشناسی، شیمی، زمینفیزیک و آن جنبه‌هایی از مهندسی که به طرح‌ریزی، پیشرانی (propulsion) و کنترل کردن ناوهای فضائی (چه با سرنشین چه بی سرنشین) وابسته است.

Space technology.

شاخه‌ای از تکنولوژی که با پژوهش در فضای میان سیاره‌ها

ارتباط دارد.

Spectrochemistry.

پژوهش در ماهیت شیمیائی يك ماده از راه بررسی طیف آن.

Spectrocolorimetry.

پژوهش در رنگ مواد از راه تجزیه و تحلیل طیف نوری که آن مواد بازمی تابانند.

Spectroheliography.

بررسی خورشید از روی عکسهائی که با نور مونوکروماتیک (monochromatic) گرفته شده است.

Spectrology.

دانش تجزیه و تحلیل طیفها.

Spectrometry.

بررسی ویژگیهای طیفها از راه تعیین وضع نسبی نوارها (bands) یا خطهای آنها بر حسب طولهای موج این خطها یا نوارها.

Spectrometry, mass.

شاخه‌ای از فیزیک اتمی که با نظریه و روشهای تعیین خواص ذره‌های بساردار و بویژه جرم آنها از راه اندازه‌گیری انحراف مسیر (deflection) حرکت آنها به هنگام گذشتن از میدانهای الکتریکی یا مغناطیسی سروکار دارد.

Spectrophotography.

بررسی طیفها با بهره‌گیری از روشهای عکاسی.

Spectrophotometry.

بررسی کمی توزیع انرژی طیفها از راه اندازه‌گیری شدتهای نسبی خطها و نوارهای (bands) طیفی.

Spectroscopy.

مشاهده طیفها با اسپکتروسکوپ spectroscope .

Spectroscopy, microwave.

روشها و تکنیکهای تجزیه و تحلیل و تعبیر طیفهای الکترومغناطیسی (جذب و صدور) با طول موجهایی از ۳۰ سانتیمتر تا یک میلیمتر، برای طول موجهایی بزرگتر از ۳۰ سانتیمتر، اصطلاح radio - spectroscopy به کار می‌رود.

Spectroscopy, nuclear.

شاخه‌ای از فیزیک هسته‌ای که نظریه و روشهای اندازه‌گیری طیفهای وابسته به ذره‌های باردار، پرتوهای گاما و نوترونها (neutrons) را بررسی می‌کند.

Spectrum analysis.

شاخه‌ای از فیزیک که به تعبیر طیفها و اندازه‌گیری طول موج تابش (radiation) می‌پردازد.

Spelology.

شاخه‌ای از زمینشناسی که منشأ و ساختمان غارها را بررسی می‌کند.

Spermatology.

بررسی شکل و جنیندگی اسپرماتوزوئیدها (یاخته‌های منی spermatocytes) (matzoa).

Spherics.

بخشی از بررسیهای ریاضی که با کمیت‌های مربوط به شکلهایی که از تقاطع یک کُرّه با رویه‌های مستوی پدید می‌آیند، سروکار دارد.

Sphragistics.

بررسی مهرها و خاتمها، بویژه تاریخ آنها.

Sphygmometry.

روشهای اندازه‌گیری و بررسی فشار خون.

Splanchnology.

بررسی اندامهای درونی (اندرونه) تن.

Stage-setting.

هنر صحنه‌سازی و سازمان‌دادن به مجموعه چیزهایی که روی صحنه است برای پدیدآوردن اثر زیباشناسی (استتیک) و نزدیک به حقیقت در بینندگان.

Statics.

بخشی از مکانیک که ترازمندی نیروهایی را که در درون سیستمی از جسمها یا ذره‌ها بر یکدیگر کنش و واکنش می‌نمایند، بررسی می‌کند.

Statistics, analytical.

شاخه‌ای از ریاضیات که با تجزیه و تحلیل استنتاجها و استنباطهایی که از آگاهیها و داده‌های (data) آماری می‌توان کرد، سروکار دارد.

Statistics, descriptive.

بررسی روشهای اصولی گردآوری و تنظیم داده‌ها (data) یا واقعیه‌های شماری.

Stereochemistry.

شاخه‌ای از شیمی که اثر خواص فیزیکی و شیمیایی ناشی از ترتیب و آرایش فضائی اتمها در درون مولکولها را بررسی می‌کند.

Stereography.

شاخه‌ای از هندسه مجسمه که با ترسیم شکل جسمهای سه‌بعدی بر

يك رویه مستوی سروکار دارد.

Stereometry.

شاخه‌ای از ریاضیات که به محاسبه گنج و دیگر خواص متری شکل‌های مجسم (سه بعدی) می‌پردازد.

Stereophotogrammetry.

شاخه‌ای از فوتوگرامتری (photogrammetry) که روش‌های اندازه‌گیری فاصله‌ها و چیزهای واقع در فضا را با دستگاه stereo-comparator یا ماشین‌های استریوسکوپ (stereoscopic) بررسی می‌کند.

Stereoscopy.

شاخه‌ای از اپتیک فیزیولوژیایی (physiological optics) که روش‌های به دست آوردن دید سه‌بعدی از شکل‌های مسطح را بررسی می‌کند.

Stethoscopy.

روش‌های پژوهشی پزشکی با به کار بردن افزارهایی که آواهای درون تن را کشف می‌کنند.

Stochastic processes.

شاخه‌ای از آمار ریاضی که با تجزیه و تحلیل پدیده‌هایی که در آنها دگرگونی‌های اتفاقی و تصادفی (random) در زمان و مکان روی می‌دهد، سروکار دارد.

Stoichiology.

شاخه‌ای از فیزیولوژی که اجزاء سازنده بافت‌های جانوری را بررسی می‌کند.

Stoichiometry.

شاخه‌ای از شیمی که بستگی‌های کمی میان موادی را که در يك

ترکیب شیمیائی وارد می‌شوند، بررسی می‌کند.

Stomatology.

شاخه‌ای از پزشکی که دهان و بیماریهای آن را بررسی می‌کند.

Strategy.

دانش و فن به‌کاربردن نیروهای مسلح برای رسیدن به هدفهای کلی جنگ.

Stratigraphy.

- ۱- شاخه‌ای از باستانشناسی که ترتیب و توالی تهنشستائی را که دربردارنده آثار باستانی هستند بررسی می‌کند.
- ۲- شاخه‌ای از زمینشناسی که با طرز قرارگرفتن و ترتیب چینه‌ها سروکار دارد.

Supersonics.

شاخه‌ای از فیزیک که ارتعاشاتی را که بسامد آنها از ۲۰۰۰۰ در ثانیه بیشتر است، و نیز انتشار آنها را در گازها و آبگونه‌ها و دجها بررسی می‌کند.

Surface science.

بررسی فیزیک و شیمی رویه‌ها؛ شامل پژوهش درپدیده‌های بنیادی‌ای می‌گردد که در رویه‌های آزاد و نیز در میان‌رویه‌ها (interfaces) رخ می‌دهد.

Surgery.

شاخه‌ای از دانش پزشکی که در آن برای برداشتن یا ترمیم یا اصلاح آسیبها یا نقایص بدنی، با دست یا افزارهای ویژه‌ای عملهایی انجام می‌دهند.

Surveying.

شاخه‌ای از ریاضیات کاربردی که با روشهای یافتن و ترسیم

محیطها و دوره‌ها (contours) و ابعاد هر بخشی از رویه زمین، سروکار دارد.

Syllogistics.

بخشی است از منطق درباره قیاسها (syllogisms) و استدلال قیاسی.

Symbolics.

شاخه‌ای از الهیات که نمادهائی را که مشخص‌کننده گروه‌های دینی گوناگون است، به طور مقایسه‌ای بررسی می‌کند.

Symbolics, homologic.

بخش مشترکی که به سیستم zetetic دانش افزوده شده، و هدف آن بررسی بستگیها و پیوستگیهای صوری شده (formalized) میان symbolics of information و زمینه‌های دیگر دانش مانند ریاضیات کاربردی، بیان مفاهیم در قالبهای گفتاری، ترمینولوژی (terminology) و نامگذاری (nomenclature) است.

Symbolics of information.

زمینه‌ای از سیستم zetetic دانش که نمادها، مفهوما و عملیات لازم تجربیدی (abstract) برای منظم ساختن و انتقال اطلاعات را فراهم می‌سازد.

Symbolism.

۱) در هنر، گرایشی که می‌کوشد تا ارزشهای معنوی را با نشانه‌های تجربیدی و انتزاعی (abstract) نمایش دهد.

۲) در روانشناسی، به کاربرد نمادها در روانکاوی (پسیکانالیز) برای نمایش دادن مواد واپس‌زده‌ای (repressed) که معنای واقعی آنها بر ضمیر خودآگاه (consciousness) بهنجار (نرمال) پوشیده است.

۳) در الهیات، همان symbolics است.

Symmetries.

بررسی تقارن و نقش آن در ریاضیات، زیستشناسی، hylenegetics و هنر.

Symptomatology.

شاخه‌ای از دانش پزشکی که روشهای تشخیص بیماریها را از روی دگرگونیهای بدنی مهم (که symptoms نامیده می‌شوند) ، بررسی می‌کند.

Synecology.

همان sociolog, yplant است.

Synonymy.

شاخه‌ای از واژه‌نامه‌نگاری (lexicography) که کارش تشخیص و تعریف واژه‌های هم‌معنی است.

Syntactics.

بخشی از نظریه عمومی نشانه‌ها (semiotics) که روابط صوری میان نشانه‌ها را بررسی می‌کند. اگر در مورد منطق صوری (formalized) به کار رود، logical syntax نامیده می‌شود.

Syntax.

آن بخشی از دستور زبان (گرامر) که جمله و ساختمان آن را بررسی می‌کند.

Syntax, logical.

نظریه‌ای است صوری، که قاعده‌های سیستماتیک مربوط به صور زبانی يك زبان را دربر دارد.

Syphilology.

شاخه‌ای از پزشکی که راههای کشف، سیر عادی و درمان سیفیلیس را بررسی می‌کند.

Systematics.

همان taxonomy است.

System engineering.

برنامه‌ریزی و برآورد روشهای گوناگون برای طرح‌ریزی و کامل گردانیدن يك مجموعه تکنولوژيك هماهنگ، با استفاده از کمترین مقدار مواد و فضا و خدمت (service) .

Systematology.

دانش سیستم‌سازی:

Systems, general.

اصطلاحی است برای general systems theory که مربوط می‌گردد به بیان و استخراج اصلهائی که برای همه سیستمها به‌طور کلی معتبر باشند.

T

Tachistoscropy.

روشها و افزارهائی که در روانشناسی آزمایشی برای عرضه کردن رنگها، شکلها و انگیزه‌های بصری دیگر به مدت يك پنجم ثانیه یا کمتر، به کار می‌رود.

Tachometry.

روشها و افزارهائی که برای اندازه‌گیری حرکت دورانی، بویژه حرکت میلها و جزءهای گردنده دیگر ماشینها به کار می‌رود.

Tochygraphy.

تندنویسی به‌شیوه گرافیک یا شرت‌هند (shorthand) - بویژه استنوگرافی (stenography) . نیز بهره‌گیری از شکل‌های کوتاه‌شده و

«شکسته» (cursive) در نوشتن.

Tachymetry.

شاخه‌ای از مساحی (surveying) که با بررسی افزارها و روشهای ویژه اندازه‌گیری سریع فاصله‌ها، بلندیا و مانند اینها سروکار دارد.

Tactics.

دانش و فن به کارگماردن نیروهای نظامی در نبرد.

Taxidermy.

هنر نگهداری نمونه‌های جانوران مرده با پرکردن پوست آنها (با کاه و جز آن) و سوار کردن پوست.

Taxilogy.

شاخه‌ای از zetetics که با دانش به‌طور کلی و رده‌بندی همه دانشها و هنرها، بویژه با سیاه‌برداری از دانشها و هنرها، و کشف جاهای خالی (gaps) در دستگاه (سیستم) دانش، سروکار دارد.

Taxonometrics.

شاخه‌ای از taxonomy که با روشهای عمومی رده‌بندی، بویژه آنهایی که برای به کار رفتن در شمارگرها (computers) سازگار شده‌اند (adapted)، سروکار دارد.

Taxonomy.

شاخه‌ای از زیستشناسی که جانوران و گیاهان را از روی بستگیهای فرگشتی آنها، نامگذاری و رده‌بندی می‌کند.

Technochemistry.

شیمی کاربردی یا مهندسی شیمی (chemical engineering).

Technography.

بخشی از جغرافیا که هنرها و فنها و پیشه‌ها و پراکنندگی آنها را در کشورهای گوناگون، توصیف می‌کند.

Technology.

شاخه‌ای از پرونوتیک (pronoetics) که با فنون صنعتی و دانشهای مهندسی که فرایندها و ماشینهای لازم برای تهیه مواد، کالاها، ساختمانها، و خدمات را بررسی می‌کنند، سروکار دارد.

Technopsychology.

روانشناسی کاربردی وابسته به تکنولوژی و مهندسی.

Tectonics.

۱) فنی است دارای جنبه بازرگانی که در طرحریزی مبیل، لوازم خانه، ابزارهای گوناگون و جز اینها سودمندی را با جنبه هنری می‌آمیزد.

۲) شاخه‌ای از زمینفیزیک که با زمین‌شناسی ساختاری (structural geology)، بویژه چین‌خوردگی و گسله‌یابی لایه‌های زمین سروکار دارد.

Techtonology.

همان tectonics است.

Tectonophysics.

شاخه‌ای از tectonics که جنبه‌های فیزیکی ساختمان پوسته زمین را بررسی می‌کند.

Telecommunication.

نامی است گروهی که تلگراف و تلفن با سیم و بی‌سیم را در بر می‌گیرد.

Telegraphy.

شاخه‌ای از تکنولوژی درباره افزارها و دستگاههای (سیستمهای) فرستادن یا گرفتن اطلاعات از راه سیم به وسیله تکانه‌های برقی (electrical pulses).

Telegraphy, wireless.

شاخه‌ای از تکنولوژی پیام‌رسانی یا ارتباطات که معمولاً radio telegraphy نامیده می‌شود، و در آن موجهای الکترومغناطیسی برای فرستادن و گرفتن نشانه‌ها (signal) از فضا، بی‌بهره‌گیری ازسیم، به کار می‌روند.

Telemechanics.

دانش طرح‌ریزی و به کار انداختن مکانیسمهای خدماتی به منظور آزاد کردن و کنترل کردن نیرو از راه دور.

Telemetry.

روشها و افزارهای اندازه‌گیری يك كمّیت، و سپس منتقل ساختن داده‌ها به يك ایستگاه دور و نشان دادن نتیجه در آنجا.

Teleology.

بررسی هدفها و غایتهای هستی و نقش آنها در شکل دادن به آینده، مخالف نظرهای مکانیستی (mechanistic) درباره جهان است.

Telephony.

شاخه‌ای از تکنولوژی ارتباطات که با فرستادن و گرفتن آواهای گفتاری سروکار دارد.

Telephony, wireless.

شاخه‌ای از تکنولوژی ارتباطات که در آن موجهای الکترو - مغناطیسی‌ای به کار می‌روند که بوسیله آوا تعدیل و تغییر (modulation) می‌یابند، معمولاً آن را رادیو می‌گویند.

Telephotography.

۱) روشی است برای عکسبرداری از چیزهای دور با عدسیهای ویژه‌ای که ترتیب و آرایش تلسکوپی دارند.

۲) شاخه‌ای از تکنولوژی ارتباطات که از ابزارهای برقی برای

فرستادن عکس و نوشته و چیزهای چاپ شده از راه خطهای تلگرافی یا تلفونی استفاده می‌کند.

Telescopy.

تکنولوژی ساختن و به کار بردن افزارهایی برای دیدن و اندازه-گرفتن فاصله و ابعاد چیزهای بسیار دور، بویژه جرمهای آسمانی.

Telethermometry.

بررسی روشها و افزارهای اندازه‌گیری دمای چیزهای دور.

Television.

شاخه‌ای از تکنولوژی ارتباطات که با فرستادن و بازسازی تصویرهای مرئی، مانند مواد چاپ شده و عکس و نوشته، از راه تبدیل آنها به رشته‌هایی از موجهای رادیویی و بار دیگر تبدیل این موجها در دستگاه گیرنده به تصویرهایی مرئی شبیه به اصل، سروکار دارد.

Teratology.

شاخه‌ای از مورفولوژی (morphology) که ناهنجاریهای شدید را در ساختمان جانوران، بویژه در آدمی، بررسی می‌کند

Terminology.

بررسی اصطلاحها یا واژه‌های ویژه‌ای که در هر يك از زمینه‌های پیشه و هنر و دانش و فن به کار می‌رود.

Thanatology.

توصیف یا بررسی مرگ.

Thelematology.

بررسی ماهیت و پدیده‌شناسی (phenomenology) اراده.

Theogony.

شاخه‌ای از میتولوژی (mythology) که با سلسله نسبهای خدایان سروکار دارد.

Theology.

شاخه‌ای از فلسفه که با ماوراء طبیعت، بویژه با بررسی نظریه‌های گوناگون دربارهٔ باورها، عقیده‌ها و اصل‌های بی‌چون و چرا (dogmas) و آئین‌های نظام (سیستم) ویژه‌ای از اندیشه‌های دینی، سروکار دارد.

Theology, practical.

بررسی سیاست‌های کلیسایی و وظیفه‌های کشیشان.

Theosophy.

۱) نظریه‌ای است فلسفی که تجربه‌های عرفانی (mystical) را به عنوان سرچشمهٔ دانش می‌پذیرد و نهانبینی (clairvoyance) و تله‌پاتی (telepathy) را رابط جهان تن و جهان روان می‌داند.

۲) آموزه (doctrine) فرقه‌ای است که نظریه‌های بودائی و برهمنائی را دربارهٔ فرگشت و تناسخ وحدت وجودی (pantheistic) می‌پذیرد.

Therapeutics.

شاخه‌ای از پزشکی که روش‌های درمان بیمارها را بررسی می‌کند.

Therapy, occupational.

گونه‌ای از درمان که باز یابی تندرستی یا نوتوانی (rehabilitation) را پس از بیماری و آسیب با کار منظم آسان می‌سازد.

Thermionics.

دانش پدیده‌های ترمیونیک (thermionic) آن چنان که صدور الکترون‌ها از موادی که در معرض گرما قرار می‌گیرند، آشکار می‌سازد.

Thermochemistry.

شاخه‌ای از شیمی فیزیکی که مقدار گرمائی را که در واکنش‌های شیمیائی جذب می‌شود یا پدید می‌آید، بررسی می‌کند.

Thermodynamics.

شاخه‌ای از فیزیک که نظریه و اصل‌های تبدیل گرما به انرژی مکانیکی و بالعکس را بررسی می‌کند.

Thermoelectricity.

بخشی از فیزیک که دربارهٔ پدیده‌ها و نظریهٔ تولید مستقیم برق از راه گرم کردن محل اتصال دو فلز مختلف، بررسی می‌کند.

Thermokinematics

شاخه‌ای از ترمودینامیک (thermodynamics) که نیروی محرک گرما را بررسی می‌کند.

Thermology.

شاخه‌ای از فیزیک که پدیدهٔ گرما را بررسی می‌کند.

Thermometry.

بررسی روشها و افزارهای اندازه‌گیری دما و دگرگونیهای آن.

Thermostatics.

شاخه‌ای از فیزیک گرما که شرایط ترازمندی گرمائی را بررسی می‌کند.

Thremmatology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که با پرورش گیاهان در قلمستانها (nursery) و جانوران در پرورشگاههای ویژهٔ واقع در هوای آزاد (ranches)، سروکار دارد.

Tidal analysis.

شاخه‌ای از oceanography که با تعیین ثابتهای هارمونیک (harmonic constants) از روی ثبت دگرگونیهای سطح دریا دریک محل معین برای مدت درازی و به منظور پیش‌بینی زمان جزر و مد در آن نقطه، سروکار دارد.

Tidology.

واژه‌ای است که به‌ندرت برای بخشی از oceanography که موضوعش بررسی جزرومد است، به کار می‌رود.

Timology.

نظریه‌ای است که ارزش (value) را کیفیتی ذاتی (intrinsic) مستقل از ملاحظات شخصی و ملی و جزاینها، می‌داند.

Tocology.

همان obstetrics است.

Tomography.

روش تشخیص بیماریها با عکاسی بوسیله پرتوهای ایکس، که بخش مورد نظر را، آشکار و روشن و بدون سایه‌های زمینه نشان می‌دهد.

Tool engineering.

تکنولوژی طرح‌ریزی و ابداع وسیله‌های کمکی برای بهتر و تندتر و آسانتر کردن ساخت (manufacture) و همبندی (assembly) و سوار کردن اجزاء ماشینها یا فراورده‌های دیگر با صرف کمترین مقدار نیروی انسانی و مواد.

Topography.

شاخه‌ای از جغرافیا که با توصیف و نمایش ترسیمی (graphic) عوارض رویه يك محل، سروکار دارد.

Topography, mental.

آن بخش از روان‌کاوی (پسیکانالیز) که از طرح تعیین جا (localizing scheme) برای اجزاء سازنده ذهن (mind) (یعنی «id»، «ego» و «superego») استفاده می‌کند.

Topography, submarine.

بررسی آن بخش از رویه زمین که آب دریاها و اقیانوسها آنرا پوشانیده است، بوسیله اندازه گیری ژرفاها.

Topology.

(۱) بررسی يك ناحیه جغرافیائی از لحاظ عوارض ویژه رویه زمین مانند تپه‌ها و کوه‌ها و دریاچه‌ها و رودها و جزاینها که تاریخ زمینشناسی آن ناحیه را آشکار می‌سازند.

(۲) ریاضیات روابط فضائی غیرمتری (non-metric) ، که آنالیز وضع و موقعیت (analysis situs) نیز نامیده می‌شود. شاخه‌های عمده آن uniform topologies, algebraic topology, combinatorial topology و point set space topology می‌باشد.

Topology, anatomical.

شاخه‌ای از کالبدشناسی که وضع نسبی اندامها و دیگر بخشهای تن را بررسی می‌کند.

Topology, general

بنیادش بر نظریه بسیار عمومی آکوش چاژار (Akos Csaszar) در باره ساختمانهای syntopogenous است که در آنها نزدیکی (proximity) یکنواخت، و ساختارهای توپولوژیک topologic به صورت موارد و حالت‌های ویژه‌ای درمی‌آیند.

Toponymy.

(۱) شاخه‌ای از زبان‌شناسی جغرافیائی که نامهای يك ناحیه یا نامهای موجود در يك زبان را بررسی می‌کند.

(۲) نامگذاری در anatomical topology .

Toxicology.

دانش زهرها، ترکیب شیمیائی، اثرهای فیزیولوژیکی و پادزهرهای

آنها.

Traffic engineering.

شاخه‌ای از مهندسی ترابری (transportation) که با برنامه‌ریزی و نگاهداری سیستم‌های علامت‌دهی و وسیله‌های دیگر تنظیم حرکت وسائط نقلیه در شاهراهها، راههای آهن و راههای هوایی، سروکار دارد.

Traumatology.

بررسی اختلالات روانی و دماغی‌ای که در اثر آسیبهای بدنی یا تکانهای عاطفی پدید می‌آید.

Tray agriculture.

همان hydroponics است.

Triboelectricity.

بخشی از فیزیک که پدیده‌های برقی حاصل از مالش و اصطکاک را بررسی می‌کند.

Tribophysics.

بخشی از فیزیک که پدیده‌های مالش (اصطکاک) و روغنکاری (lubrication) را بررسی می‌کند.

Trichology.

دانشی است که با مو، ساختمان، رشد، فیزیولوژی و آسیب‌شناسی آن سروکار دارد.

Trigonometry.

بررسی خواص توابع وابسته به گوشه‌ها و کاربرد آنها در مسئله‌های ریاضی مربوط به سه‌گوشه‌ها.

Trigonometry, spherical.

بررسی خواص گوشه‌ها در شکل‌های واقع بر رویه کروی.

Turbidimetry.

روشها و افزارها و تکنیکهای اندازه‌گیری شفافیت مواد.

Typhology.

شاخه‌ای از پزشکی که جنبه‌های گوناگون کوری و تیمارداری از کوران را بررسی می‌کند.

Typography.

فن ایجاد و پدید آوردن نوشته‌ها و تصاویر چاپی به روشها و ترتیبهای گوناگون.

Typology, cultural.

بررسی و رده‌بندی چیزهای گوناگون، مانند ساخته‌های هنری (artifacts)، ساختمانها (structures) و طبقه‌های اجتماعی، از راه دسته‌بندی آنها به صورت مقولات گوناگون.

Typology, linguistic.

رده‌بندی زبانها از روی ساختمان آنها بی‌در نظر گرفتن پیوستگی تاریخی یا جغرافیائی آنها.

U

Udometry.

شاخه‌ای از هواشناسی (meteorology) که ریزشهای جوی را بوسیلهٔ باران‌سنج (rain gauge) بررسی می‌کند.

Ultramicrochemistry.

شاخه‌ای از شیمی تحلیلی (آنالیتیک) که روشهای ویژه‌ای برای تعیین ترکیب موادی که تا یک میلیونیم گرم وزن داشته باشند، به کار می‌برد.

Ultramicroscopy.

روشهای بررسی ذره‌هائی آن‌چنان کوچک که با ریزبینهای معمولی دیده نمی‌شوند.

Ultrasonics.

شاخه‌ای از اکوستیک (acoustics) که ارتعاشهائی را بررسی می‌کند که بسامد آنها بالاتر از حساسیت گوش آدمی است.

Ultrasonoscopy.

به کاربرد انرژی آبرآوایی (ultrasonic) برای کشف ترک در فلزها، کشف وجود سنگ در کیسه صفرا، اندازه‌گیری ستبری دیوارها، رشد غیرعادی بافتها (مانند تومورها)، و جزاینها.

Unified science.

بررسی بستگیهای میان دانشها، بربنیاد این فرض که هر دانشی جزء مکمل يك منظومه (سیستم) شناخت (knowledge) است.

Uranography.

دانشی که آسمانها و جرمهای آسمانی را توصیف می‌کند و بساختن نقشه‌های آسمانی سروکار دارد.

Uranology.

نام مهجوری است برای astronomy (ستاره‌شناسی).

Uranometry.

نام مهجوری است برای فن تهیه فهرست و نقشه جرمهای فلکی بوسیله اندازه‌گیریهای نجومی.

Urbanology.

بررسی گسترش شهری (city development) به‌منظور یکی کردن روشهای مختلف موجود بررسی همچون روش بشردوستانه (humanistic)، جامعه‌شناسانه (sociological) و روشهای مبتنی بر پایه

دانشهای طبیعی (natural sciences) .

Urethroscopy.

روشها و افزارهای معاینه میزنه‌نای (urethra) .

Urology (Ourology).

شاخه‌ای از پزشکی که پیشاب و اندامهای پیشاب و بیماریهای اندامهای پیشابی-تناسلی (urino-genital) و درمان آنها را بررسی می‌کند.

Uroscopy.

تشخیص بیماریها از روی معاینه پیشاب.

Uterology.

شاخه‌ای از پزشکی که زهدان و شکم را بررسی می‌کند.

V

Vacuum technology.

بررسی روشهای کم کردن فشار گاز در ظرفها و رساندن اندازه تخلیه به حد اعلا. بررسی افزارهای اندازه‌گیری فشارهای کم را نیز دربر می‌گیرد.

Value engineering.

بررسی روشهای جستجوی نیازهای تازه مصرف‌کنندگان و بهتر کردن روشهای برآوردن آن نیازها به شیوه‌ای مقرون به صرفه و اقتصاد.

Venereology.

شاخه‌ای از پزشکی که بیماریهای آمیزشی را بررسی می‌کند.

Viniculture.

همان viticulture است.

Virology

دانشی که انواع عوامل زیر ذره‌بینی و نوکلئوپروتئینی مانند (nucleoproteinlike)، و ماهیت، ساختمان و افزایش آنها، و بیماری‌هایی را که پدید می‌آورند بررسی می‌کند.

Vitaminology.

بررسی ویتامین‌ها و ساختمان شیمیایی آنها.

Viticulture.

کشت مو برای انگورپروری.

Volcano technology.

بهره‌گیری از گرمای آتشفشان‌ها برای تولید نیرو، کنترل کردن گدازه‌ها، و پیش‌بینی زمان فوران.

Volcanology.

بررسی ساختمان برونی و درونی آتشفشان‌ها، بویژه فرایندهایی که در درون زمین زیر و پیرامون آتشفشان روی می‌دهد.

Volumetry.

بررسی اندازه‌گیری گنج آب‌گونه‌ها، گازها و دجها.

W

Wave mechanics.

گسترشی است از نظریه کوانتومی (quantum theory) بر بنیاد این فرض که هر ذره همراه باموجی تناوبی است که بسامد و دامنه (amplitude) آن از روی قاعده‌هایی معین می‌گردد.

Weismannism.

نظریه‌ای است در باره پلاسمای یاخته (germ plasm) که بنا بر آن، انتقال صفتها و ویژگیهای اکتسابی ناممکن است.

X

Xerography.

فرایندی است برای بازسازی چیزهای چاپ شده یا رسم شده (drawings) به طریق خشك، بدین ترتیب که لوحه‌ای یا برگ کاغذی را با لایه‌ای از ماده‌ای نارسانا (insulating) که از جنبه فتوالکتریکی (photoelectrical) حساس باشد، می‌پوشانند، و سپس آنرا در معرض نوری که از آن چیز چاپی یا رسم شده باز می‌تابد قرار می‌دهند، و آنگاه گرد رنگینی بر رویه کاغذ می‌افشانند.

Z

Zetegeny.

شاخه‌ای از zetetics که منشأ و فرگشت دانشها و هنرها را بررسی می‌کند.

Zetesis.

فعالیت بررسی و تحقیق (investigation) یعنی پژوهش و همه شکلهای کوشش آفریننده. به عنوان بخشی فرعی از zetetics، دانشی است که می‌توان آن را «creatology» خواند.

Zetetic education.

آن شاخه‌ای است از دانش آموزش و پرورش (education) که

بنیادش بر یگانگی شناخت (یعنی هنرها، علوم انسانی، علوم، و تکنولوژی) است. هدف آن فراهم کردن برنامه آموزشی یکپارچه‌ای برای آموزش دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی است.

Zetetics.

بخشی است از شناخت (knowledge) که با بررسی پژوهش و آفرینش هنری به عنوان دانشی که هدف آن گسترش شناخت و درآوردن آن به صورت یک سیستم منسجم واحد است سروکار دارد.

Zincography.

فن حکاکی با تیزاب بر روی روی (zinc).

Zoogeography.

بررسی پراکندگی جغرافیائی جانوران بر روی زمین.

Zoogeology.

آن بخش از زمینشناسی که به بررسی سنگواره‌های جانوران می‌پردازد.

Zoography.

بخش توصیفی جانورشناسی که شکلها و عاداتهای جانوران را وصف می‌کند.

Zoology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که ساختمان، وظیفه‌ها، رفتار، رده‌بندی و پراکندگی جغرافیائی جانوران را بررسی می‌کند.

Zoology, economic.

کاربرد جانورشناسی برای تأمین آسایش و منافع آدمی با کارهایی چون پرورش جانوران اهلی، ایجاد و نگهداری صیدگاههای ماهی، حشره‌شناسی اقتصادی، کنترل بیماریهای جانوران، حفظ جانوران سودمند، و جزاینها.

Zoology, geographical.

همان zoogeography است.

Zoometry.

اندازه‌گیری جانوران برای تعیین اندازه‌های نسبی. کاسه سر، پا و دیگر اندامهای آنها.

Zoophysiology.

شاخه‌ای از زیستشناسی که وظیفه‌ها و فرایندهای فیزیولوژیکی را در جانوران، بجز آدمی، بررسی می‌کند.

Zootomy.

کالبدشناسی جانوران بجز آدمی.

Zymology.

دانشی است مرکب از شیمی و باکتریشناسی که فرایندهای تخمیر را بررسی می‌کند.

Zymurgy.

شاخه‌ای از تکنولوژی شیمیائی که کاربردهای صنعتی فرایندهای تخمیر را بررسی می‌کند.

1